



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

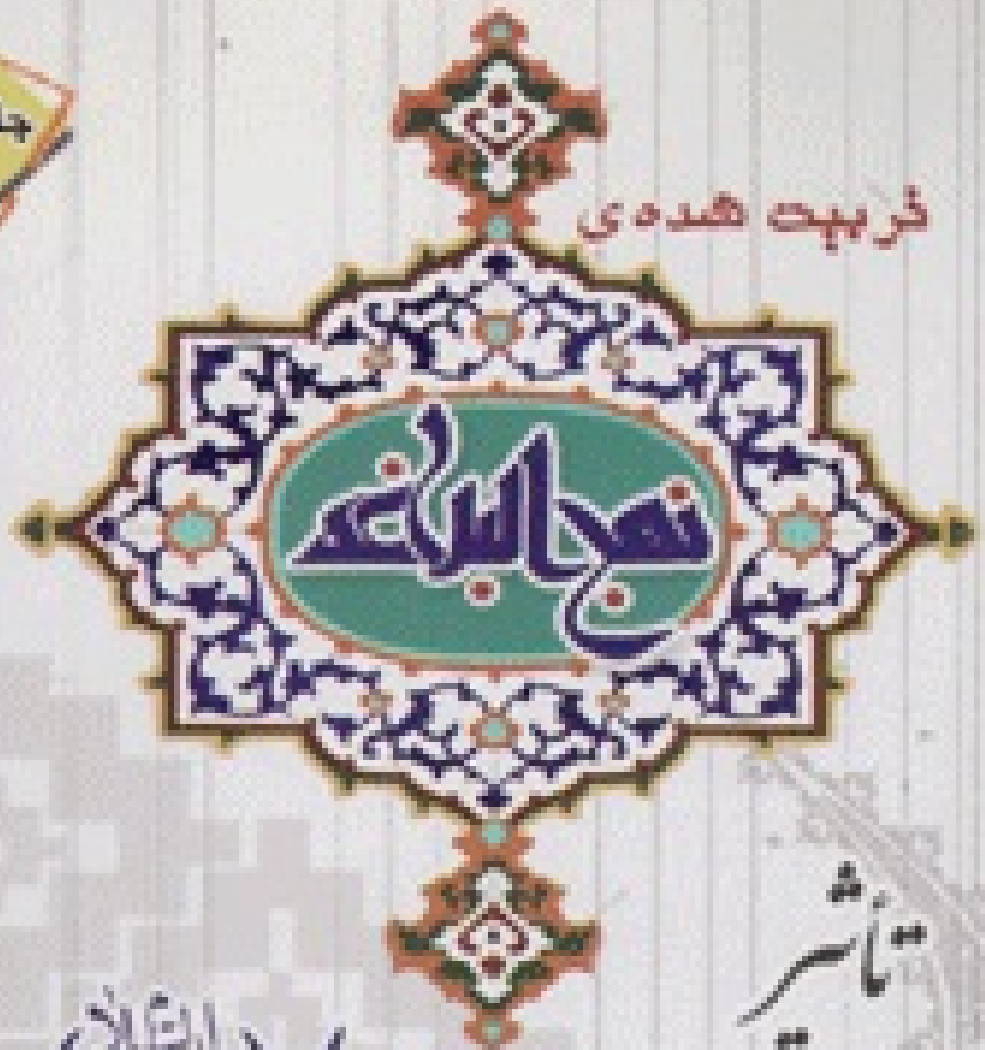


عمر الکرما  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

جلد اول

قریبت هندی



(علیہ السلام)

امام علی

شیر  
کفتار

(رضی اللہ عنہ)

امام خمینی

برقار

سہد ہندی علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تأثير گفتار امام على عليه السلام بر رفتار امام خمينى (ره)

نويسنده:

سيد مهدى طباطبايى

ناشر چاپى:

نورين سپاهان

ناشر ديجيتالى:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	تاثیر گفتار امام علی علیه السلام بر رفتار امام خمینی (ره)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۰	پیشگفتار
۲۹	در جستجوی انسان کامل
۳۶	نهج البلاغه کتاب جامع و نسخه ی کامل
۴۱	امام خمینی(ره) تربیت شده ی نهج البلاغه
۴۳	پیام امام (ره) در ۵ مرداد ۱۳۵۷ (در مورد نگارش تاریخ انقلاب)
۴۴	روش کار
۴۶	بخش اول
۴۹	خاطره: سازمان مجاهدین خلق
۵۰	کلام امام؛ فریبکاری منافقان
۵۰	خاطره: دکتر علی شریعتی
۵۱	کلام امام؛ پیام به مناسبت فقدان دکتر علی شریعتی
۵۴	بخش دوم: أَرْزَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ
۵۵	۱ - آن که طمع را شعار خود گرداند
۵۵	خاطره: چاپ رساله امام
۵۷	۲ - و کسی که زیان و سختی های خود را آشکار سازد
۵۹	خاطره: توطئه های بیشمار
۵۹	خاطره: مشکلات کشور
۶۰	۳ - هر کس زبانش را بر خود فرمانروا ساخت خود را از بها انداخت.
۶۱	خاطره: سلونی قَبِلَ أَنْ تَفْقَدُونِي

- ۶۲ ..... بخش سوم: الْبُخْلُ عَارٌ، وَالْجُبْنُ مَنَقَصَةٌ
- ۶۵ ..... ۱ - بخل ننگ است.
- ۶۶ ..... ۲ - ترس نقصان است.
- ۶۷ ..... خاطره؛ نترسیدن امام
- ۶۸ ..... ۳ - تهیدستی مرد زیرک را در برهان کُند میسازد.
- ۶۸ ..... کلام امام
- ۷۰ ..... ۴ - انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است.
- ۷۰ ..... کلام امام
- ۷۲ ..... بخش چهارم: ضَدْرُ الْعَاقِلِ ضَنْدُوْقٌ سِرَّةٌ
- ۷۵ ..... خاطره: مسائلی که هرگز گفته نخواهد شد
- ۷۵ ..... یک خاطره: اتفاقات و حوادث مهم
- ۷۶ ..... بخش پنجم: خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً
- ۷۸ ..... خاطره: سلطان قلبها
- ۷۹ ..... خاطره: همه گلها پیش کش امام
- ۸۰ ..... خاطره: ورود امام و استقبال از ایشان
- ۸۲ ..... خاطره: ۱۲ بهمن
- ۸۲ ..... روز شمار بازگشت امام به وطن از نجف تا تهران:
- ۸۸ ..... ابتدا بیانیه حاج احمد آقا خمینی فرزند امام:
- ۹۲ ..... سوگواری یکپارچه مردم در سراسر کشور
- ۹۴ ..... حضور بی سابقه خبرنگاران خارجی برای شرکت در با شکوه ترین تشییع جنازه تاریخ
- ۹۵ ..... پیام تسلیت رهبران کشورهای جهان به مردم و مسئولان ایران
- ۹۶ ..... کشورهایی که عزای عمومی اعلام کردند
- ۹۸ ..... ارزیابی محافل خبری بین المللی از شخصیت امام
- ۱۰۲ ..... پیام روسای جمهور نخست وزیران و شخصیت‌های مذهبی سیاسی جهان
- ۱۰۷ ..... بخش ششم: أَفْضَلُ الرَّهْدِ إِخْفَاءُ الرَّهْدِ
- ۱۰۹ ..... کلام امام

- ۱۱۰ ..... خاطره: امام در نجف
- ۱۱۰ ..... خاطره: اطاق کوچک امام
- ۱۱۱ ..... خاطره: خرید گوشت
- ۱۱۱ ..... خاطره: تحت تاثیر شخصیت امام
- ۱۱۲ ..... خاطره: حسینیّه جماران
- ۱۱۲ ..... خاطره: امام و عصا
- ۱۱۳ ..... خاطره: امام و عطر
- ۱۱۴ ..... خاطره: خانم هندی
- ۱۱۵ ..... کلام امام: ساده زیستی
- ۱۱۶ ..... خاطره: تقسیم دارایی امام بین مستمندان
- ۱۱۸ ..... کلام امام: پرستاری ضعفا
- ۱۲۰ ..... خاطره: شبی با شهریار
- ۱۲۱ ..... خاطره: نام روح اله
- ۱۲۲ ..... خاطره: جرج جرداق و امام
- ۱۲۵ ..... بخش هفتم: رَسُوْلُكَ تَرْجَمَانُ عَقْلِكَ، وَ كِتَابُكَ ...
- ۱۳۰ ..... اول: محتوای معنوی نامه ها:
- ۱۳۱ ..... نامه ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۲ ..... نامه امام به گورباچف
- ۱۴۷ ..... زمان ارسال پیامها
- ۱۵۱ ..... تصور برخی افراد به ضعف مسلمین
- ۱۶۱ ..... آیت اله جوادی آملی
- ۱۶۳ ..... پیش بینی رهبران الهی
- ۱۶۷ ..... بخش هشتم: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَاعِفُ
- ۱۶۹ ..... لَا يُضَاعِفُ (سازش نکند)
- ۱۶۹ ..... سلمان رشدی:
- ۱۷۳ ..... وَ لَا يُضَارِعُ (مقلد دیگران نباشد)

- ۱۷۵ ..... ما انقلابمان را به تمام جهان صادر ...
- ۱۷۶ ..... خاطره: مهندس بازرگان
- ۱۸۰ ..... وَ لَا يَتَّبِعِ الْمَطَامِعِ (دنبال طمع نرود)
- ۱۸۱ ..... خاطره: احساس امام از پیروزی
- ۱۸۱ ..... خاطره: زی طلبگی
- ۱۸۲ ..... خاطره: ملاقات خدا
- ۱۸۳ ..... بخش نهم: مَنْ نَضَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ ...
- ۱۸۶ ..... خاطره: تهذیب نفس
- ۱۸۶ ..... خاطره: نان و کباب
- ۱۸۷ ..... خاطره: سخنرانی فخر الدین حجازی
- ۱۸۹ ..... خاطره: شهید فهمیده
- ۱۸۹ ..... خاطره:
- ۱۹۱ ..... بخش دهم: وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيَرَتِهِ
- ۱۹۴ ..... خاطره: آقای شریعتمداری
- ۲۰۱ ..... خاطره: قتل حاج آقا مصطفی پسر امام
- ۲۰۳ ..... بخش یازدهم: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ
- ۲۰۵ ..... خاطره: آیت اله فقیه امامی
- ۲۰۶ ..... یک کلام:
- ۲۱۹ ..... شعر تقدیم به امام
- ۲۲۰ ..... درباره مرکز



## تأثیر گفتار امام علی علیه السلام بر رفتار امام خمینی (ره)

### مشخصات کتاب

سرشناسه : طباطبایی پور، سیدمهدی، 1330 -

عنوان و نام پدیدآور : تأثیر گفتار امام علی علیه السلام بر رفتار امام خمینی ره/ مهدی طباطبایی پور.

مشخصات نشر : اصفهان: نورین سپاهان، 1389 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : 25000 یال: ج.1: 978-964-6354-17-3 ؛ دوره: 978-964-6354-21-0

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : عنوان روی جلد: تربیت شده نهج البلاغه: تأثیر گفتار امام علی (علیه السلام) بر رفتار امام خمینی (رحمه الله).

عنوان روی جلد : تربیت شده نهج البلاغه: تأثیر گفتار امام علی (علیه السلام) بر رفتار امام خمینی (رحمه الله).

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- تأثیر -- خمینی ، روح الله، رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

موضوع : خمینی ، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، 1279 - 1368. -- اخلاق

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. . نهج البلاغه -- تأثیر

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. . نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره : DSR1577/ط24ت2 1389

رده بندی دیویی : 955/0842092

شماره کتابشناسی ملی : 4 5 3 0 1 0 2

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

ص: 1

اشاره

تأثیر گفتار امام علی علیه السلام بر رفتار امام خمینی

مولف: سید مهدی طباطبایی پور

انتشارات: نورین سپاهان

مدیر مسئول: حمید جعفری

اجرای: گرافیک نفیسه میرفندرسکی

ویرایش صفحه آرایی: فرشته میرفندرسکی

سال و نوبت چاپ: اول / بهار 89

صفحات / قطع: 208 / رقعی

شابک جلد اول: 2 - 3 - 17 - 6354 - 964 - 978

شابک دوره ای: 0 - 21 - 6354 - 964 - 978

شمارگان: 3000 نسخه

بهاء 2500 تومان

ص: 2

تأثیر گفتار امام علی علیه السلام بر رفتار امام خمینی

سید مهدی طباطبایی پور

ص: 3

امام خمینی (ره):

و ما مفتخریم که پیرو مذهبیهی هستیم که رسول خدا (ص) موسس آن و به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمومنین علی بن ابیطالب این بنده  
ی رها شده از تمام قیود، مامور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی ها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و  
دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است از امام معصوم ما (حضرت علی بن ابیطالب) است.

(صحیفه نور ج 21 / ص 396)

ص: 4

پیشگفتار ... 9

در جستجوی انسان کامل ... 18

نهج البلاغه کتاب جامع و نسخه کامل ... 25

امام خمینی (ره) تربیت شده ی نهج البلاغه ... 30

پیام امام در مورد نگارش تاریخ انقلاب ... 32

روش کار ... 33

بخش اول: کُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنَ اللَّيْبُونِ ... (حکمت شماره 1) ... 35

خاطره سازمان مجاهدین خلق ... 38

کلام امام فریب کاری منافقان ... 39

خاطره؛ دکتر علی شریعتی ... 39

کلام امام؛ پیام به مناسبت فقدان دکتر علی شریعتی ... 40

بخش دوم: اَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَّ ... (حکمت شماره 2) ... 43

1- آن که طمع را شعار خود گرداند ... 45

خاطره چاپ رساله امام ... 45

2- کسی که زیان و سختیهای خود را آشکار سازد ... 46

خاطره؛ توطئه های بیشمار ... 48

خاطره؛ مشکلات کشور ... 48

3- هر کس زبانش را بر خود فرمانروا ساخت خود را از بها انداخت ... 49

خاطره سلونی قبل آن تَفَقَدُونِي ... 50

بخش سوم: الْبُخْلُ عَارٌ وَ الْجُبْنُ مَقْصَةٌ ... حکمت شماره (3) ... 51

1 - بخل ننگ است ... 54

2 - ترس نقصان است ... 55

خاطره؛ نترسیدن امام ... 55

3 - تهیدستی مرد زیرک را در برهان کند میسازد ... 57

ص: 5

کلام امام ... 57

انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است ... 59

کلام امام ... 59

بخش: چهارم صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقِ سِرِّهِ ... حکمت (6) ... 61

خاطره؛ مسائلی که هرگز گفته نخواهد شد ... 64

خاطره اتفاقات و حوادث مهم ... 64

بخش پنجم خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً ... (حکمت شماره 10) ... 65

خاطره؛ سلطان قلبها ... 67

خاطره همه ی گلها پیش کش امام ... 68

خاطره؛ ورود امام و استقبال از ایشان ... 69

خاطره 12 بهمن ... 71

روز شمار بازگشت امام ... 71

بیانیه حاج احمد آقا خمینی در فوت امام ... 77

سوگواری یکپارچه مردم ... 81

حضور خبرنگاران در تشییع جنازه ... 83

پیام تسلیت رهبران و حضور آنها در تهران ... 84

کشورهائی که عزای عمومی اعلام کردند ... 85

ارزیابی محافل خبری از شخصیت امام ... 86

پیام رؤسای جمهور نخست وزیران ... 90

بخش ششم: أَفْضَلُ الزَّهْدِ أَخْفَاءُ الزَّهْدِ ... حکمت (28) ... 95

کلام امام ... 97

خاطره امام در نجف ... 98

خاطره؛ اطاق کوچک امام ... 98

خاطره منزل امام در نجف و تهران ... 98

خاطره؛ خرید گوشت ... 99

خاطره تحت تأثیر شخصیت امام ... 99

ص: 6



- خاطره؛ حسینیہ جماران ... 100
- خاطره امام و عصا ... 100
- خاطره امام و عطر ... 101
- خاطره خانم ہندی ... 103
- کلام امام سادہ زیستی ... 104
- خاطره تقسیم دارائی امام بین مستمندان ... 105
- کلام امام پرستاری ضعفا ... 106
- خاطره سفر مقام معظم رہبری بہ کشورهای جهان ... 106
- خاطره؛ شبی با شہریار ... 108
- خاطره؛ نام روح الہ ... 109
- خاطره جرج جرداق و امام ... 110
- بخش ہفتم: رَسُوْلُكَ تَرَجُّمَانُ عَقْلِكَ وَ كِتَابُكَ ... (حکمت 301) ... 113
- محتوای معنوی نامہ ہا ... 118
- نامہ ی پیامبر اعظم ... 119
- نامہ امام بہ گورباچف ... 120
- زمان ارسال پیامہا ... 135
- تصور افراد بہ ضعف مسلمین ... 139
- آیت الہ جوادی آملی ... 149
- پیش بینی رہبران الہی ... 151
- بخش ہشتم: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ ... (حکمت/110) ... 155
- لَا يُصَانِعُ (سازش نکند) ... 157

سلمان رشدی ... 157

وَلَا يُضَارَع (مقلّد دیگران نباشد) ... 161

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر ... 163

خاطره؛ مهندس بازرگان ... 164

وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ (دنبال طمع نرود) ... 168

ص: 7

خاطره احساس امام از پیروزی ... 169

خاطره زی طلبگی ... 169

خاطره؛ ملاقات خدا ... 170

بخش نهم: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ ... (حکمت 73) ... 171

خاطره؛ تهذیب نفس ... 174

خاطره نان و کباب ... 174

خاطره سخنرانی فخرالدین حجازی ... 175

خاطره شهید فهمیده ... 177

کلام امام ... 177

بخش دهم: وَلَيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ ... 179

خاطره؛ آقای شریعتمداری ... 182

خاطره؛ قتل حاج آقا سید مصطفی پدر امام ... 188

خاطره قتل حاج آقا مصطفی پسر امام ... 189

بخش یازدهم: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ (حکمت 128) ... 191

خاطره؛ آیت اله امامی ... 193

کلام امام ... 194

شعر تقدیم به امام ... 207

ص: 8

بیش از هشت سال است که عصرهای شنبه هر هفته پس از نماز مغرب و عشاء مشتاقانه سر از پانمیشناسم تا به منزل استاد حاج آقا محمد فولادگر برسم استادی فرزانه که به نحوی اعجاب انگیز در اقیانوس بیکران نهج البلاغه غواصی میکند تا در هر جلسه دامان حاضرین مشتاق را از لؤلؤ و مرجان پر نماید

آنقدر کلام شیوای استاد در بیان پندها، هشدارها تاریخ و سرگذشتها مطالب، عرفانی حکمتها و ... که همه از کتاب انسان ساز نهج البلاغه برگرفته و به دلهای ما می نشانند جذّاب و نشاط آور است که همه ی شاگردان در طول هفته روز شماری بلکه لحظه شماری می کنند تا عصر شنبه ای برسد و جان خویش را از سرچشمه زلال آب حیات نهج البلاغه سیراب کنند.

نهج البلاغه کتاب انسان سازی است همانگونه که قرآن این چنین است و عجیب نیست که قرآن ناطق و فرزند کعبه و وصیّ آخرین پیام آور الهی کلامش همانگونه جانهای مشتاق را از شراب معرفت سیراب کند که سخن خدا چرا که او قرآن مجسم است. اما به راستی این دو کتاب انسان ساز تا چه اندازه الگوهای تام و تمام به بشریت عرضه کرده اند و یا به بیان دیگر انسانها تا چه اندازه توانسته اند از این آبشخورهای الهی سیراب شوند و خود را آنگونه بسازند که مورد نظر قرآن و تالیّ تِلْوَان، نهج البلاغه میباشد؟

در مدتی که توفیق یافتم در ساحل نهج البلاغه قرار گیرم و تا آنجا که توانستم با دید محدود خود افق های آن را که تا بینهایت معنویت و انسانیت کشیده شده نگاه کنم، پیوسته در این اندیشه بودم که برآستی گمشده ی امام علی علیه السلام در طول تاریخ کی است؟ تربیت شده ی او کدام است؟ و آیا در حقیقت میتوان انسانی را یافت که به تمام و کمال تربیت شده ی کلام علی علیه السلام باشد؟

مدتها این فکر مرا به خود مشغول کرده بود تا اینکه شبی در جلسه و در حضور استاد بیان یک جمله ی امام علی به من تکانی داد و دریچه ای به رویم باز کرد به نحوی الهام گونه این جمله را با امام خمینی (ره) منطبق و ایشان را نسخه ای برابر با اصل یافتم. آن شب را تا صبح خوابیدم و پیوسته در این اندیشه بودم که گویا امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خویش امام خمینی امروز را میدیده و این جملات را بیان فرموده است.

این توجه مرا بر آن داشت تا پیوسته در جلسات و پای درس استاد سعی کنم ضمن درک صحیح مطالب استاد، پندها هشدارها و کلمات امام علی علیه السلام را با رفتار امام خمینی (ره) منطبق نموده و نتیجه ای از آن استنباط کنم. کم کم دریافتم که اکثر گفتار امام علی علیه السلام در رفتار امام خمینی تجلی پیدا کرده است و چون بیشتر و پیشتر رفتم با خود گفتم گویا گمشده ی امام علی علیه السلام در قرن چهاردهم هجری پیدا شده و مکتب حیات بخش نهج البلاغه یک الگوی تمام عیار به بشریت ارزانی داشته است. هیجانهای روحی خود از دریافت این مهم را با استاد فولادگر که به او عشق میورزم در میان گذاشتم و حضرت ایشان نیز این ایده را پسندیده و تصدیق کردند پس از چندی به استاد پیشنهاد کردم اجازه فرمائید کتابی در چند مجلد بنویسم تحت عنوان «تأثیر گفتار امام

علی در رفتار امام خمینی (ره) «استاد پذیرفتند و تشویق کردند که این مهم همت بگمارم با استعانت از درگاه خداوند متعال و پیشگاه حضرت علی علیه السلام و با مدد گرفتن از روح بلند روح الله کار را شروع کردم، در مدت یک سال، مطالب بسیار ارزنده ای جمع آوری شد. ولی با توجه به حجم زیاد مطالب احصای آن از توان من خارج و طبقه بندی آنها مشکل بنظر میرسید. در ابتدای کار تصمیم بر این بود که کلیه ی مطالب فیش برداری و نگارش شود و به صورت یک جا مثلاً در 10 جلد منتشر گردد. ولی بعداً معلوم شد که مطالب افزون بر 50 جلد خواهد شد و چاپ یک جا و هم زمان آن هم تقریباً ممتنع است. لذا با مشورت استاد تصمیم بر این شد که جلد اول آن را به زیور چاپ آراسته کنیم و از خداوند متعال بخواهیم برای ادامه کار توفیق عنایت فرماید.

برداشت مطالب از برخی حکمت‌های نهج البلاغه (بخش سوم کتاب نهج البلاغه) شروع شد و آنچه اینک پیش روی شما است اولین جلد این کتاب میباشد.

از خداوند متعال می‌خواهم که به بنده ی کمترین توفیق ادامه کار را عنایت فرماید و از دوستان صاحب نظران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه نیز می‌خواهم که نواقص و کمبودهای این اثر را به نویسنده تذکر دهند تا در مجلدات پس از آن و چاپ‌های بعدی انشاءاله از آنها استاد گردد.

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد

سید مهدی طباطبائی

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد خاتم النبيين و آله الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين

برخی خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام را وقتی انسان مطالعه میکند این فکر به ذهنش خطور میکند که این صفات ملکوتی و فضایل عالی انسانی که در مطاوی این خطبه ها و نامه ها و حکمتها آمده است (مانند آنچه در اوصاف اهل تقوی آمده است که «لولا- الأجل الذي كتب الله عليهم لم تستقر أرواحهم في أجسادهم طرفه عين شوقاً الى الثواب و خوفاً من العقاب، عظم الخالق في أنفسهم. فصغر ما دونه في أعينهم» (خ 193 بخش 5)

و یا آنچه در وصف اهل ذکر میخوانیم «ما برح لله عزت آلاءه في البرهه بعد البرهه و في آزمان الفترات، عبادنا جاهم في فكرهم و كلمهم في ذات عقولهم. فاستصبحوا بنور يقظه في الابصار و الأسماع و الأفئده»، (خ 222 بخش یک)

و یا نامه امام علیه السلام را به عثمان بن حنیف (نامه 45) و یا حکمت 432 و ... (را در وصف اولیاء خدا) آیا مصداق و یا مصادیقی در خارج دارد؟

آنگاه که به توده مردم مینگرد و خبری از آن در آنها نمیبیند شاید به فکرش خطور کند که نکند اینها از قبیل همان اخلاق مدینه فاضله ای باشد که حکیمانی مانند افلاطون و فارابی و خواجه نصیر طوسی و امثال اینها ترسیم میکردند؟

ولی از طرفی میبیند گوینده این کلمات (خطبه ها و نامه ها و حکمتها) خود دارای عالیتین درجه انسانیت و مجسمه همه این فضائل و کمالات

انسانی است و تربیت شده و ساخته دست پروردگار است، چنانکه خود می فرماید: «فَأَنَا صَدِّيقُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَدِّيقُ لَنَا» (نامه 28/ بخش 11)

و نیز می فرماید: «أَرَيْتُمْ كَرَامَةَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي» (خطبه 87 بخش 19)

آن فکر باطل که اینها از قبیل مدینه فاضله باشد مردود شمرده میشود. ولی فکر دیگری تجلی میکند که آیا این مکارم اخلاق و فضائل انسانی و درجات عالی عرفان اسلامی تنها از آن پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرین او صلوات الله علیهم اجمعین است و از ایشان که بگذریم باید گفت:

با چنین حسن و ملاحظت اگر اینان بشرند \*\*\* ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

و رسیدن به مقام آنان در توان انسان نیست؟ البته چنین است و چنانکه در زیارت جامعه میخوانیم:

«فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَارْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَا حِقُّ وَ...»

و خود امام نیز می فرماید: «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ أَمَامًا يَتَّقِيهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَإِحْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَسَدَادٍ» (نامه 45)

آری از آنچه گفته شد نتیجه میگیریم این که تشریف تنها بر قامت محمد و آل محمد راست میآید مسلم و قطعی است و جای هیچگونه تردید نیست



ولی در هر صورت آنان مقتدا هستند و بر انسانهاست که تا سر حدّ توان گام در جای گام آنان نهند چرا که رحمت خدا نامتناهی است و در پرتو آن انسان میتواند مراحل را از کمال طی کند. مگر سلمان فارسی از راه اقتدای به محمد و آل او صلوات الله علیهم اجمعین به مقام سلمان محمدی نرسید؟ و تشریف «سَلْمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» بر قامت او راست نیامد؟

مگر خود امام علیه السلام نمیفرماید: «وَلَكِنْ أَعْيُنُنِي بَوَّرَعَ وَاجْتِهَادِي وَعَقْفُهُ وَ سِدَادِي» یعنی درست است که شما نمیتوانید مثل من باشید ولی میتوانید به ورع و پارسائی که بالاتر از تقوی و نزدیک به عصمت است برسید و در حدّ توان خود در کارهای خیر کوشش و اجتهاد ورزید و در مقام عَقْف و پاکدامنی تا آنجا بروید که به گفته خود امام به «كَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَائِكَةَ اللَّهِ» (حکمت) نائل شوید و در راه سداد و درستکاری به آنجا برسید که حتی کار مکروه که سهل است کار مباح هم در طول عمر از شما سر نزنند.

مگر نه این است که خداوند می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (سوره احزاب آیه 21)

و مگر امام علیه السلام نمیفرماید: «فَفَتَّأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ، فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى وَعَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى، وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ» (خطبه 160 بخش 23)

و آیا آن نفعات و نسیمهای روحانی که پیامبر اعظم فرمود: در روزگاران شما هست و خود را در معرض آن قرار دهید، شامل افرادی نمیشود که نمونه اخلاق و رفتار پیامبران الهی و اوصیای ایشان در آنان

مشاهده شود؟ و یا باید گفت: «جَفَّ الْقَلَمُ» و دیگر در صفحه روزگار از آن مکارم اخلاق و فضائل عالی انسانی چیزی نگاشته نمیشود؟

البته بخل در ساحت وجود پروردگار که (دائم الفضل علی البریه) است راه ندارد و اگر محلّهای قابلی پیدا شود فیض حق به اندازه قابلیت آن افزایه میگرد و به قول حافظ:

فیض روح القدس آر باز مدد فرماید \*\*\* دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

آری ما در تاریخ عالمان شیعه به افرادی برخورد میکنیم که عمرشان را در تهذیب نفس و عبادت خدا و خدمت به خلق خدا و سیر در مدارج عرفان گذرانده و به امامان معصومشان تاسی و اقتدا نموده اند. مگر سید بزرگوار شریف رضی مؤلف نهج البلاغه نیست که علامه امینی درباره او مینویسد:

سید ما شریف رضی مفخری از مفاخر عترت طاهره و پیشوایی از پیشوایان علم و حدیث و ادب و دلیری از دلیران دین و مذهب بود. او نخستین کسی بود که در میان وارثان اجداد طاهرین خود دانش سرشار و اخلاق پاک و اندیشه تابناک و مناعت و بلندی طبع و ادب والا و حَسَبِ پاکیزه و نَسَبِ نبوی و شرف علوی و مجد فاطمی و سیادت کاظمی را به

ارث برده بود (الغدیر ج 4 ص 181)

و مگر شیخ صدوق و شیخ مفید و سید مرتضی و علامه حلی و ... نمونه های بارزی از این مکتب علوی نبودند. در زمان ما نیز خداوند بزرگ بر ما منت نهاده و یک نمونه بارز و یک نسخه کامل از تربیت شدگان مکتب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به ملت ایران و جهان موهبت فرموده

ص: 15

که فضائل و امتیازاتی را که امام برای اهل تقوی و یا اهل ذکر و یا اولیای خدا بر می شمارد در این بزرگ مرد تاریخ مشاهده میکنیم.

الحق باید گفت امام خمینی رحمة اله علیه یک نسخه عملی و مصداق کامل گفته های امام در نهج البلاغه درباره مردان خداست. کدام مکرمت از مکارم اخلاق را میتوان مطرح کرد که در معظم له نباشد. در یک کلمه میتوان گفت امام خمینی رحمة اله علیه یکی از مصداق کامل اهل تقوی است که امیرالمؤمنین علی در خطبه ی 193 بیان میکنند مگر ایشان عابد در شب و مصداق کامل «أَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَبْرَارَ أَتْقِيَاءُ» بودند و یکی از مصداق کامل اهل ذکر است که امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ی 222 اوصاف آن را یاد میکنند «إِنَّ لِلذِّكْرِ لَاهِلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا...»

به یقین مردمی هستند که یاد خدا را به جای دنیا برگزیدند و هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد خدا باز نمی دارد ... روزگار خود را با یاد خدا میگذرانند و غافلان را با هشدارهای خود از کیفرهای الهی میترسانند به عدالت فرمان میدهند و خود به عدالت رفتار میکنند از بدیها نهی میکنند و خود از آنها می پرهیزند ...

آنان پرده هائی را که برای اهل دنیاست از جلوی چشم خود برداشتند تا آنجا که میبینند آنچه را اهل دنیا نمیبینند ...

البته شخصیت این پیشوای بزرگ برای ملت ایران که حدود نیم قرن با مجاهدتها، فداکاریها، ایثارها راهنمائیها پند و اندرزها و روحیه مردم نواز ضد استکباری او را دیده اند بسی آشکار و روشن است و از این رو هر جا لازم باشد وفاداری خود را نسبت به معظم له ابراز میدارند.

ولی از آنجا که بسط و تفصیل مکارم اخلاق و مزایای رفتاری که در طول این مدت از آن امام بزرگوار ظهور و بروز کرده به گفتار شاعر عرب:

اعد ذکر نعمان لنا ان ذکره \*\*\* هو المسك ما کّررتہ يتّصّوع

مانند مشک است که هر چه تکرار شود مشام عاشقان او را بیشتر معطر کند.

دوست عزیز و رفیق شفیق ما جناب حاج آقا مهدی طباطبائی ابتکاری به کار برده و بخشی از سخنان امام علی علیه السلام را برگزیده و رفتار امام خمینی رحمة اله علیه را از منابع معتبر با آنها مقایسه نموده و نتیجه گرفته که اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی امام خمینی رحمة اله علیه نسخه عملی گفته های امام علی علیه السلام میباشد.

البته این خود یک تیر و دو نشان است:

1 - بخشی از نهج البلاغه که مشتمل بر سجایای اخلاقی و فضایل انسانی میباشد باز گو شده است.

2 - مصداق عملی این گفتارها را مشخص نموده و تنها به ذکر وصف اکتفا نکرده بلکه موصوف آنها را هم معرفی کرده است.

موفقیت ایشان را از خداوند متعال خواستاریم.

محمد فولادگر

دهه ی اول محرم الحرام 1431

دیماه 1388

ص: 17

فضیلت های اخلاقی وقتی ممدوح و مورد ستایش است که در شخصی پیدا شود و به صورت یک صفت راسخ در آید و در اعمال و رفتار او تجلی کند.

خداوند متعال در قرآن کریم پیوسته عاملان به ایمان و تقوی و عمل صالح را ستوده و انبیاء و اولیاء را به عنوان مصادیق کامل ایمان و تقوی معرفی نموده است. قرآن چون کتاب هدایت است و انسانها تا همیشه تاریخ بایستی از آن درس بگیرند نازل کننده آن برای هر فضیلت اخلاقی مصداقی معرفی میکند تا پیروان خود را به این باور برساند که داشتن این فضیلتها و عمل به آنها شدنی است و این دستور العملهای معنوی و اخلاقی غیر قابل دسترس نمیباشد. نکته حائز اهمیت دیگر این که رحمت و وسعه خداوند متعال جاودانگی دستورات قرآن و اسلام و نیاز انسانها به آن ایجاب میکند که این دستورات عملی و افراد دارای فضائل اخلاقی نیز همواره در میان مردم باشد. و در هر زمان اولیائی از مردان و زنان که دارای این فضیلتها باشند به عرصه وجود بیایند تا هم برای پویندگان راه نمونه و الگو بوده و هم حاجتی باشند تا در محضر پروردگار کسی نتواند بهانه آورد که کسب این مقامات معنوی غیر ممکن و ناشدنی است و از عهده انسان خارج است.

«علامه طباطبائی (ره) در ذیل آیه مبارکه 177 سوره بقره در این باره مطالب ارزشمندی دارند که عیناً از نظر خوانندگان میگذرد.

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»

نیکی این نیست که به هنگام نماز (روی خود را به سوی مشرق یا مغرب کنید) و تمام گفتگوی شما درباره ی قبله و تغییر آن باشد؛ بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران، ایمان آورده و مال خود را با همه ی علاقه ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر و سائلان و بردگان انفاق میکند و نماز را برپا میدارد و زکات را میپردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می کنند؛ و در برابر سختیها و زیانها و هنگام جنگ استقامت می ورزند؛ اینها کسانی هستند که راست میگویند؛ (و گفتار و کردارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها پرهیزگاراند.

در این آیه به جای اینکه کلمه (بِرّ) نیکوکاری را تعریف کند کلمه (بِرّ) نیکوکار را تعریف کرده است تا هم تعریف مردان نیکوکار را کرده باشد و هم اوصافشان را شرح داده باشد و هم بیان کند که مفهوم خالی از مصداق و حقیقت هیچ ارزش و فضیلتی ندارد.

و این خود دأب قرآن در تمامی بیاناتش است که وقتی میخواهد مقامات معنوی را بیان کند شرح احوال رجال دارنده ی آن مقامات را بیان میکند و به بیان مفهوم تنها قناعت نمیکند [ این دأب قرآن در همه بیانات آن هست که هرگاه بخواهد مقامات رجال و احوال آنها را شرح

دهد رجال آن یعنی دارندگان آن مقامات و احوال را تعریف میکند و به بیان مفاهیم اکتفا نمیکند]

و سخن کوتاه آنکه جمله ی (وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ) تعریف ابرار و بیان حقیقت حال ایشان است که هم در مرتبه اعتقاد تعریف آنها را میکند و هم در مرتبه ی اعمال و هم در اخلاق درباره ی اعتقادش میفرماید (مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ) و درباره ی اعمالشان می فرماید: (أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا) و درباره ی اخلاقشان می فرماید: (وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)

این بود بیان علامه طباطبائی (ره) که به صورت بسیار مختصر بیان شد و خواننده ی محترم برای استفاده ی بیشتر میتواند به جلد دوم ترجمه ی تفسیر المیزان صفحه 413 مراجعه کند.

البته معارف الهی و فضائل اخلاقی نیز درجاتی دارد و اولیاء خدا هر یک به مرتبه ای از آنها رسیده اند. کوشش اولیاء الهی و انسانهای مقرب در هر دوران نیز در این راه برای رسیدن به درجات بالاتر پیوسته ادامه داشته است و همواره می گفتند: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» در آیات قرآن اشارات زیادی آمده که انبیاء الهی و اولیاء و خاصان درگاه خداوند در درجات مختلف قرار دارند که در این جا قصد ما پرداختن به این موضوع نیست و این در شأن بزرگان علم و عرفان است که مسئله را تبیین نموده و ما از محضر آنان بهره مند شویم و در اینجا تنها به واسطه ی ارتباط گفتار ما با این موضوع به گفتاری که علامه طباطبائی (ره) در ذیل آیه ی شماره 130 سوره ی بقره «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» آورده اند بسنده میشود.

ص: 20

... از سوی دیگر خواننده‌ی عزیز در این نکته هم دقت کند که ابراهیم چه حال و مقامی داشت؟ پیامبری بود مرسل و اولوالعزم و نیز دارای مقام امامت و مقتدای عده‌ای از انبیاء و مرسلین و به نص (وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ) (انبیاء 72) (که ظهورش در صلاح دنیائی است) از صالحان بود و با اینکه انبیا پائین‌تر از وی به حکم همین آیه از صالحان بودند، مع ذلک او از خدا می‌خواهد که به صالحان پیشی گرفته از او ملحق شود. معلوم می‌شود که صالحان سابقانی بوده‌اند که او پیوستن به ایشان را در خواست می‌کند و خداوند در خواستش را اجابت می‌کند و در چند جا از کلامش او را در آخرت ملحق به ایشان می‌کند. یک جا می‌فرماید: «وَلَقَدْ اصَّ طَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (بقره 130)

او در آخرت از صالحان خواهد بود.

جای دیگر می‌فرماید:

«وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

ما پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان خواهد بود. (عنکبوت 27)

و در جای سوم می‌فرماید:

«وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

ما در دنیا به او حسنه‌ای دادیم و او در آخرت از صالحان خواهد بود. (نحل 122)

اگر خواننده عزیز در آنچه گفتیم دقت کند بسادگی می‌تواند بفهمد که «صلاح دارای مراتبی است که بعضی مافوق بعضی دیگر است.» و آن وقت اگر از روایتی [آیه‌ای] بشنود که ابراهیم علیه السلام از خدا می‌خواسته به



محمد و آل او ملحق شود (1) دیگر هیچ استبعاد نمی کند. مخصوصاً وقتی میبیند که آیات در مقام بیان اجابت دعای او میفرماید:

که او در آخرت ملحق به صالحان میشود

و رسول خدا هم این مقام را برای خود ادعا میکند و قرآن کریم هم میفرماید:

«إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (اعراف 196)

بگو سرپرست من خدائی است که کتاب را بحق نازل کرد و هم او سرپرستی صالحان را دارد.

چون ظاهر این آیه این است که رسول خدا ادعای صلاح برای خود می کند. پس از ظاهرش بر می آید که رسول خدا همان کسی است که دارند صلاح مورد آیه است. و ابراهیم از خدا درخواست میکند به درجه صالحانی برسد که صلاحشان در مرتبه ای بالاتر از صلاح خود او است.

با این بیان و برداشت علامه طباطبائی (ره) مشخص شد که خداوند متعال در هر زمان صالحانی دارد که اگر چه درجات آنها متفاوت است ولی برای افراد دیگر الگو و نمونه میباشند و مؤمنانی که قصد پیمودن راه فلاح و رستگاری را دارند در محیط خود میتوانند با اعمال و رفتار صالحانی مواجه شوند که از مصادیق آیات الهی هستند. و با دیدن آنها به این باور برسند که هدایت های قرآنی عملی و قابل دسترسی است و انسانها هم می توانند و هم بایستی سعی کنند خودشان را در هر مرحله ای که هستند به درجات بالاتری برسانند اگرچه درجات متفاوت و راه طولانی و پرفراز و نشیب است.

ص: 22

---

1- رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ (سوره شعرا/ آیه 83)

به اعتقاد شیعه چنانچه از آیات و روایات استفاده میشود حدّ اعلی این درجات متعلق به پیامبر اعظم اسلام و اهل بیت عصمت و طهارتش میباشد و دستیابی به آن قلّه رفیع برای احدی امکان پذیر نمیشد و این مطلب دهها و صدها شاهد و بیّنه دارد که زیارت جامعه ی کبیره یکی از آنها است. لیکن ما معتقدیم تربیت یافتگان این مکتب و دلدادگان این انوار طیّبه خود مشعلهای هدایت و ستارگان آسمان فضیلت و اخلاق میباشند که الحمدلله و المنة در طول تاریخ تعدادشان هم کم نبوده است. در هر زمان ده ها نمونه برای اتمام حجت در میان مردم ظهور کرده و هادی ملتها بوده و مردم از وجود آنها استفاده کرده و راه را از چاه تشخیص داده اند، اگر چه دشمنان معنویت و اخلاق نیز پیوسته وجود شریف آنها را سدّ راه تجاوزگری و ظلم و بیداد خود دانسته و انواع آزار و اذیتها را در حق آنها روا داشته اند.

اما در زمان معاصر چهره ی جهان افروز علم - تقوی - حکمت - معنویت که توانست عالم را به نور خود روشن کند و به خدا خواهی و خداجویی در شرق و غرب عالم فریاد کند و علیرغم دشمنی های وسیع و گسترده ی استکبار و مخالفان فضیلت و معنویت به اهداف بلند خود برسد و باعث بیداری امت اسلام بلکه مستضعفان جهان شود حضرت آیت اله العظمی امام خمینی (ره) است. او یک الگوی تمام عیار از صالحان روی زمین و از ابرار و اولیاء خداوندی است که با مأموریتی الهی در این زمان ظهور کرد و با نور حیات بخش خود در دل افسرده و بی روح مردم نور و روح تازه دمید.

روشن است که امام خمینی (ره) از سلسله ی علمای شیعه و از وارثان مردان بزرگ و شاگردان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت میباشد که

در طول چهارده قرن پیوسته وجود داشته اند و امر هدایت مردم را به عهده گرفته اند اما شکی نیست که این وجود شریف به لحاظ موقعیت زمانی و جغرافیائی و به دلیل موفقیت‌هائی که به دست آورده است و عنایات خاصّ خداوند متعال و حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عجل اله تعالی فرجه) که منجر به برقراری حکومت اسلامی شد تفاوت‌های بسیار اساسی با دیگر علمای سلف خود داشته و دارد به بیان دیگر جامعیت ایشان را در مسائل فردی - اجتماعی و بخصوص حکومتی تا این اندازه دیگران نداشته اند و از طرف دیگر وسعت نفوذ معنوی ایشان که امروز عالمگیر شده منحصر به فرد است و با قاطعیت میتوان گفت هیچیک از علمای گذشته تا به این اندازه موفقیت نداشته اند. پس شایسته است اعمال - رفتار و منش این ابر مرد تاریخ مورد توجه قرار گیرد و ابعاد وجودی وی برای نسل‌های بعدی تبیین شود.

بدیهی است ابعاد وجودی امام خمینی (ره) را نمیتوان در یک و یا چند جلد کتاب خلاصه کرد هر کس کوچکترین آشنائی با این مرد بزرگ داشته باشد میدانند که تأثیرات وجودی ایشان در قرن حاضر از ابعاد مختلف بر جامعه ی ایران امت مسلمان و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی تا چه حد وسیع و نافذ بوده است. انشاءاله در فصل‌های بعدی به هر مناسبتی برخی از آنها را یادآوری خواهیم کرد تا گوشه ای از آن دریای عظیم و عمیق شناخته شود. اما قصد ما از این کتاب بیان تأثیر گفتار امام علی علیه السلام در رفتار امام خمینی (ره) است. آن هم نه همه ی مطالب امام علی علیه السلام که برای بنده ی کمترین به هیچ وجه بررسی و غور در آنها هم از نظر علمی و هم از نظر فرصت امکان ندارد و لیکن وظیفه ی خود میدانم که آنچه در این موضوع

برداشت کرده ام و لو اندک به یادگار بگذارم و با این بضاعت کم ارادت قلبی خود را به ساحت آن امام راحل (ره) ابراز کنم و امیدوارم برای خوانندگان عزیز و به خصوص نسل جوان مفید باشد. ان شاء الله.

## نهج البلاغه کتاب جامع و نسخه ی کامل

نهج البلاغه را به حق میتوان کتاب جامع و نسخه کامل تربیت انسان تشکیل حکومت مبتنی بر عدالت، و دستورالعمل رستگاری انسان تا سر حد کمال دانست. مجموعه ی مطالب به یادگار مانده از امام علی علیه السلام که تماماً ریشه در قرآن دارد یک منشور جامع و کامل برای سعادت انسان است.

نهج البلاغه در همه ابعاد از این نظر نسخه ی بی بدیل و کاملی است که گوینده ی آن انسان کامل است. دو ویژگی برای این کتاب ارزشمند وجود دارد که پس از قرآن هیچ کتابی را نمیتوان با آن مقایسه کرد، اول اینکه تمامی مطالب آن ریشه در قرآن یعنی بزرگترین و کاملترین کتاب آسمانی دارد و دوم آنکه مطالب ارزنده ی آن از قول انسان کامل بیان شده است. مگر میشود نصیحت و راه و روش زندگی را از کسی آموخت که خود ناقص و محتاج اندرز است مگر امکان دارد کسی که خود انسان کامل نیست بتواند انسانهای دیگر را هدایت کند. زهی خیال باطل که ما بخواهیم از فرد و یا افرادی نسخه ی سعادت بشر را بگیریم که خود طفل راه و محتاج به راهنمایند. ما منکر آن نیستیم که گاهی از ناحیه ی فلاسفه و دانشمندان غیر مسلمان مطالبی در مورد انسان و شناخت آن بیان شده که در مقطعی از زمان و در محدوده ای از جغرافیا مؤثر بوده و برخی از آن سود برده اند اما «انسان» این موجود پیچیده ای را که دارای ابعاد مختلف اخلاقی است و نیاز او به قوانین اخلاقی اجتماعی

حکومتی و ... نامحدود و ناشناخته است را هرگز نمیتوان با نسخه های بشری شناخت و دردهای او را درمان کرد و به راستی اگر انسان شناسی جز از طریق وحی بخواهد در تبیین ابعاد وجودی انسان اظهار نظر نموده و برای سعادت او دستورالعمل صادر کند ممکن نیست.

قرآن کریم میفرماید:

﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِحَقِّ لِحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾

(سوره یونس آیه 35)

بگو آیا از این بتان شما کسی هست که به حق راه نماید؟

بگو خدا به حق راه مینماید.

آیا آن که به حق راه می نماید به متابعت سزاوارتر است یا آن که به حق راه نمی نماید مگر هدایتش کنند. شما را چه می شود؟ چگونه حکم میکنید؟

علاّ مه طباطبائی در تفسیر این آیه در جلد 19 ترجمه ی فارسی تفسیر المیزان مطالب بسیار ارزنده ای بیان کرده اند که تأکید میشود خواننده عزیز به آن مراجعه کند. زیرا ما متأسفانه نمیتوانیم همه ی آن مطالب را در اینجا ذکر کنیم و تنها به چند جمله اکتفا میکنیم و توصیه میشود تشنگان معارف الهی با مراجعه به تمامی مطالبی که علامه در بیش از ده صفحه بیان فرموده ظرف معرفت خود را پُر و کام تشنه خویش را سیراب کنند.

و اینک برداشتی از مطالب علامه (ره):

1 - حق بدون هیچ گونه قید و شرطی واجب الاتباع است و از کسی رهنمون به حق است نیز باید پیروی و اطاعت کرد زیرا حق پیش اوست و باید چنین کسی را بر کسی که هدایت به حق نمی کند و یا هدایت به غیر حق میکند ترجیح داد.

ص: 26

2 - حق اعم از اعتقاد یا کردار یا گفتار وقتی حق است که با سنت و شیوه ای که در نظام خلقت جریان دارد و فعل حق تعالی است مطابقت داشته باشد پس حق در حقیقت بر اثر مشیّت اراده ی حق (خدا) «حق» است (دقت کنید)

3 - کسی که به حق هدایت میکند باید به خودی خود یعنی از طریق درون هدایت شده باشد نه آنکه دیگری او را هدایت کرده باشد و کسی که خود به خود هدایت نشود هیچگاه نمیتواند رهنمون بحق گردد.

4 - مراد از هدایت حق «ایصال الی المطلوب» است نه «ارائه طریق» که منتهی به حق گردد. زیرا ضروری است که توصیف طریق حق از هر کس ساخته است اعم از آنکه به خودی خود یا وسیله ی دیگری به حق هدایت شده و یا اصلاً هدایت نشده باشد.

5 - هدایت حق به معنای «ایصال به حق» فقط شأن کسانی است که به خودی خود هدایت شوند. یعنی واسطه ای بین آنها و خدا در امر هدایت وجود نداشته باشد یا از ابتدای امر و یا به عنایت خاص الهی مثل انبیاء و پیشوایان دینی و اوصیاء آنها. ولی «ارائه ی طریق» و «توصیف راه» مختص به خدا و پیشوایان دینی نیست.

این بود چکیده ی مطالب علامه طباطبائی (ره) که با دقت در آن روشن خواهد شد که هدایت تنها و تنها بایستی از طریق انبیا و اولیاء الهی صورت گیرد. یعنی آنهایی که دست انسانها را میگیرند و به سرمنزل مقصود میرسانند و تنها به ارائه طریق و نشان دادن راه اکتفا نمیکند و این هدایتی است که منطبق بر فطرت و خواست انسان میباشد.

نهج البلاغه و مجموعه ی گفتار امام علی و ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) به این دلیل نسخه ی مفید کامل و مؤثر است که هم از

انسانهای کامل صادر شده و هم ریشه در وحی و کتاب آسمانی دارد. و تنها این انوار مقدس میباشند که دست انسانها را میگیرند و مطابق با فطرتشان آنها را به سر منزل مقصود میرسانند زیرا خود بدون واسطه هدایت یافته اند

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به معرفی افراد صالح - ابرار - متقین علما - حزب اله و ... میپردازند و با بیانی منحصر به فرد ابعاد وجودی هر یک را روشن میکنند، آنچنان کلام امام نافذ بوده و هست که گاهی شنونده ی آن تحت تأثیر قرار گرفته و قالب تهی مینماید. داستان خطبه ی متقین و یار دلداده ی امام «همام» و سرنوشت آن یکی از مصادیق آن است که سید رضی (ره) در نهج البلاغه خطبه ی 193 اینگونه میگوید:

گفته شد یکی از یاران پرهیزگار امام علیه السلام به نام همام: گفت ای امیر مؤمنان، پرهیزگاران را برای من آنچنان وصف کن که گویا آنان را به چشم می نگرم.

امام علیه السلام در پاسخ او درنگی کرد و فرمود: ای همام از خدا بترس و نیکوکار باش که خداوند با پرهیزگاران و نیکوکاران است. اما همام دست بردار نبود و اصرار ورزید تا آن که امام تصمیم گرفت صفات پرهیزگاران را بیان فرماید. پس خدا را سپاس و ثنا گفت و بر پیامبرش درود فرستاد ... و خطبه را ایراد فرمود ...

سخن امام به اینجا رسید (پایان خطبه) ناگهان همام ناله ای زد و جان داد.

امام علیه السلام فرمود: سوگند به خدا من از این پیش آمد بر همام میترسیدم!

سپس گفت پندهای رسا با آنان که پذیرنده ی آنند چنین میکنند؟ (1)

حال باید پرسید آیا ممکن است کسی خود اهل عمل نباشد و مطالبی بگوید که اینگونه در مخاطب اثر بگذارد؟ اثری که چنان در عمق جان وی نفوذ کند که طاقت نیاورده و قالب تهی کند. امروز که در اثر تحقیقات دانشمندان اثرات یک حرف خوب و شایسته بر روی مولکولهای آب ثابت شده و نشان داده میشود که حتی فلزات و جامدات نیز در مقابل الفاظ زشت و زیبا مهربانانه و غیر آن واکنش نشان میدهند و حتی نسبت به نیتهای انسانی بی تفاوت نیستند آیا میتوان پذیرفت که هدایت انسانها را کسانی عهده دار باشند که خود تربیت صحیح نشده و یا کامل و جامع نباشند؟ (دقت کنید)

به نظر ما هر مقدار علوم تربیتی و پیچیدگی های آن روشن شود و به پیش برود اهمیت تربیت های مردان الهی برای انسانها روشن تر و گویا تر خواهد شد و انسان سرگشته و محتاج تربیت بیشتر متوجه خواهد شد که دستورات تربیتی بایستی دو ویژگی داشته باشد.

اول آنکه به مبدأ وحی و آفرینش متصل باشد یعنی از آنجائی که خالق انسان و پدید آورنده ی آن که او را میشناسد صادر شده باشد.

دوم اینکه گویندگان آن بایستی انسانهای کامل جامع و صالح باشند تا پندها و نسخه های ارائه شده با نیتهای پاک و روحانی آن در مخاطبان اثر کرده و مفید واقع گردد. بدین ترتیب برای تربیت بایستی به سراغ مردان الهی رفت که این دو ویژگی را داشته باشند و در میان آنها چه کسی شایسته تر از امام المتقین و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام که هدیه ای

ص: 29

---

1- علامه طباطبائی (ره) در تفسیر شریف المیزان سوره ی دهر در جلد بیست و نهم فارسی صفحه 371 در بخش «روایات» داستان مشابهی را در مورد مرد حبشی در زمان پیامبر اکرم (ص) نقل میکنند علاقمندان به آنجا مراجعه کنند.



«الهی» از جانب خداوند متعال به انسانهای طالب معنویت و حقیقت در طول تاریخ انسانی است که هم خود کامل است و بزرگترین نمونه‌ی ارائه شده عالم خلقت و هم به مبدأ وحی متصل و بدون واسطه از پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مبانی تربیتی را گرفته و به بشریت عرضه نموده است.

ما در اینجا قصد بیان فضائل علی علیه السلام را به هیچ عنوان نداریم و خود را شایسته ورود به این بحث نمیدانیم و صف خورشید از ذره‌ی بی مقدار نیاید و شرح دریا از قطره‌ی شبنم در حال زوال نشاید.

قصد ما این است که بیان کنیم تربیت یافتگان این مرد بزرگ و منحصر بفرد عالم خلقت انسانهای شایسته بزرگ کامل و جامع هستند و بایستی در طول تاریخ از شاگردان و تربیت شدگان مکتب او استفاده کرده و برای پرورش روح و پاک کردن نفوس و طی مراحل کمال از آنها بهره‌جست.

### **امام خمینی (ره) تربیت شده‌ی نهج البلاغه**

یقیناً یکی از شاگردان و تربیت یافتگان مکتب علی علیه السلام امام خمینی (ره) می‌باشد. مردی که توانست با اعمال و رفتار و نفوذ کلام خود بار دیگر ارزشهای انسانی و اسلامی را در دنیای رو به انحطاط بشریت قرن بیستم زنده کند و به فرمایش خود اسلام ناب محمدی را به مسلمانان بلکه جهانیان معرفی نماید.

الحق که ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره) نیز به تمام معنی قابل دسترسی نیست و بایستی سالیان درازی بگذرد تا اثرات وجودی او برای بشریت روشن شود و ما نیز داعیه این مطلب را در این کتاب نداریم.

ما میخواهیم در حد بضاعت خود اثرات تربیتی نهج البلاغه در شکل‌گیری شخصیت امام خمینی (ره) را بیان کنیم آن هم گوشه‌هایی از

آن را. چراکه نه بررسی کامل بحر عمیق نهج البلاغه در توان ماست و نه ابعاد وجودی امام خمینی (ره) و چنانچه قبلاً متذکر شدیم وقتی در نهج البلاغه ویژگیهای یک انسان مسلمان از زبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را می شنویم اکثریت بلکه تمامی آن را در وجود امام خمینی (ره) متبلور میبینیم و در مییابیم که امام خمینی (ره) یک الگوی تمام عیار برابر با اصل است و یکی از شایسته ترین ستارگان آسمان علم و تقوا و فضیلت است آنگونه که امام علی علیه السلام توصیف و توصیه و سفارش فرموده است.

از درگاه خداوند میخواهم که بنده ی کمترین را موفق بدارد که گوشه هائی از شخصیت این مرد الهی را برای نسل جوان امروز و فردا بیان کنم و عاجزانه از درگاهش مسئلت دارم که قلم بنده را به راهی بکشاند که رضای خودش در آن باشد و ما را پیوسته در جهت کسب رضای خویش رهنمون فرماید.

آمین یا رب العالمین

ص: 31

## پیام امام (ره) در 5 مرداد 1357 (در مورد نگارش تاریخ انقلاب)

... لازم است برای بیداری نسلهای آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی پردازند و قیامها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستانهای مختلف با تاریخ و انگیزه‌ی آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسلهای آینده شود. ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را که در پیش چشم همه‌ی ما روشنی اتفاق افتاده است دنبال میکنیم فرصت طلبان و منفعت‌پیشگانی را میبینیم که با قلم و بیان بدون هراس از هرگونه رسوایی مسائل دینی و نهضت اسلامی را بر خلاف واقع جلوه میدهند و به حکم مخالفت با اساس نمیخواهند واقعیت را تصدیق کنند و قدرت اسلام را نمیتوانند ببینند و شکی نیست که این نوشتجات بی اساس به اسم تاریخ در نسلهای آینده آثار بسیار ناگواری دارد. از این جهت روشن شدن مبارزات اصیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه اش تاکنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق می افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و علمای متفکر و متعهد بدان پردازند. درست آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسلهای آینده مبهم می باشد؛ و تاریخ روشنگر نسلهای آینده است و امروز قلم های مسموم در صدد تحریف واقعیات هستند باید نویسندگان امین این قلمها را بشکنند.

(صحیفه نور ج 3 ص 434)

ص: 32

روش ما در این کتاب به این نحو است که ابتدا سخنی از امیرمؤمنان علیه السلام از خطبه ها نامه ها و یا حکمتها و کلمات قصار از دو کتاب شریف نهج البلاغه و غرر الحکم می آوریم و پس از ترجمه ی آن و بیان شرحی مختصر از یکی از شارحین نهج البلاغه (که ذکر خواهد شد) آن کلام را با شخصیت امام خمینی (ره) تطبیق داده و حالاتی از امام را بیان میکنیم. چنانچه واقعه ای پیرامون موضوع آن کلام اتفاق افتاده باشد شرح خواهیم داد. و در پایان نتیجه گیری میکنیم که امام خمینی (ره) که تربیت شده ی مکتب نهج البلاغه بود. چگونه در این امر همان طور که مولی و مقتدای او یعنی حضرت علی علیه السلام فرموده عمل کرده است.

با این روش ما به چند مقصد خواهیم رسید

1 - شرح و بیان کلامی از امیرالمؤمنان علیه السلام از نهج البلاغه

2 - شرحی از زندگانی امام خمینی (ره) مربوط به موضوع

3 - ارائه یک نمونه و الگوی موفق از انسان تربیت شده ی مکتب اهل بیت عصمت و طهارت

4 - تفهیم این مطلب به خواننده که دستور العملهای اسلام و ائمه اطهار همه قابل اجرا و پیاده شدن است و آرمان گرایانه و غیر قابل دسترس نیست و ما نیز موظفیم تا آنجا که میتوانیم در این مسیر حرکت کنیم.

5 - بیان قطعاتی از تاریخ انقلاب اسلامی که خود وظیفه ای است که به عهده همه ی اهل قلم که این زمان را درک کرده اند می باشد.

6 - فراهم نمودن زمینه ی پژوهش و تحقیق برای جوانانی که علاقمندند در این زمینه تلاش و کوشش کنند.

7- ترغیب برادران متعهد و انقلابی که هر کدام در حدّ توان خویش برگی بر تاریخ انقلاب اسلامی از حقایق ناگفته ی آن بیفزایند.

8- و بالاخره هشداری باشد برای آن عده معدود و محدودی که هنوز نتوانسته اند و یا نخواسته اند که عظمت این مرد بزرگ و کاری را که خداوند متعال به دست او در این زمان انجام داده درک کنند. (چه علیرغم اینکه او توانست کوه های یخ منجمد شده ی هفتاد ساله ی کمونیسست را آب کند متأسفانه نتوانست بخار روی شیشه ی عینک این متحجّران را بزدايد!؟)

ص: 34

## بخش اول

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنَ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيَرْكَبُ، وَلَا صَرْعٌ فَيَجْلِبُ

(نهج البلاغه / حكمت 1)

ص: 35

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرٌ فَيَرْكَبُ، وَلَا ضَرْعٌ فَيَحْلَبُ

(نهج البلاغه حکمت 1)

در آشوبها و آشفتگی افکار همچون شتر بچه دو ساله باش که نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی که دوشیده شود.

مقصود از فتنه در این عبارت آشوبهای سیاسی و یا غیر آن است که میان مردم واقع میشود و در هیچ یک دفاع از حق نیست بلکه هر کدام میخواهند از نیروی مردمی به نفع خود بهره برداری کنند و به اصطلاح «كُلُّ يَجْرُ النَّارِ إِلَى قُرْصِهِ» هر کس به فکر سود خویش است که در این گونه موارد انسان خردمند نباید امکانات خود را در اختیار طرفهای فتنه قرار دهد

\*\*\*

در این کلام نورانی امام توصیه میکنند؛ جایی که فتنه گران طمع می ورزند تا از تو سوء استفاده کنند به گونه ای عمل کن که آنها از تو مأیوس شده و از تصمیم خود بازگردند و به تو دل نبندند. این تشبیه امام بسیار گویا و روشنگر است. بچه شتر دو ساله اگرچه وجود دارد ولی نه هنوز پشتی برای

ص: 36

بار بردن دارد و نه پستانی برای دوشیدن. این پند گرانها به خصوص برای رهبران دینی و سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. برای کسانی که وقایع انقلاب اسلامی را از سال 42 به بعد دنبال کرده و موضع گیریهای علمای دین و سیاسیون سرشناس را دیده و شنیده اند این کلام امام علی علیه السلام و چگونگی رفتار امام خمینی (ره) بسیار دلنشین و شیرین است.

بسیاری از علما بودند که متأسفانه نتوانستند سوء استفاده ی فتنه گران را تشخیص داده و خود را از دام آنها خلاص کنند. گاهی آنچنان سودجویان از شخصیت آنها استفاده کردند که آبروی آنها را بردند و حتی از مسیر انقلاب و همراهی با امام و امت باز داشتند.

یکی از نمونه های بارز آن قصه ی سراسر عبرت آموز مهدی هاشمی معدوم و آقای منتظری است. به راستی اگر آقای منتظری به این نصیحت حضرت علی علیه السلام توجه میکرد به این سرنوشت دچار نمیشد. کسانی که به درستی از وقایع اطلاع دارند، میدانند که این فتنه گر (مهدی هاشمی) چگونه از موقعیت قائم مقام رهبری سوء استفاده کرد و شخصیتی چون آیت اله منتظری با آن سوابق درخشان را به روزی نشاند که امروز شاهدیم. و صد افسوس که بیگانگان نیز در ایشان طمع کردند به طوری که بوق های ضد انقلاب در داخل و خارج از کشور مکان پخش صحبتها و اظهار نظرهای خلاف انتظار از ایشان شد.

ما در اینجا قصد بیان وقایع مربوطه به مهدی هاشمی را نداریم و تنها به این نکته بسنده میکنیم که در این فتنه ها آقای منتظری به مهدی هاشمی هم شیر داد و هم سواری و آنگاه که امام خمینی وظیفه خود دانستند، برای نجات انقلاب و کشور هم فتنه گر را از سر راه برداشتند و هم فریب خورده را از مصادر مهم و کلیدی انقلاب کنار زدند.



در دوران عمر پر برکت امام بارها و بارها افراد، جریانها گروهکها خواستند با ظاهری فریبنده امام را فریب دهند و ایشان را در فتنه ای وارد کنند، آنگاه برای مقاصد شوم خود سوء استفاده نمایند و یا به خیال خام خود ایشان را بی آبرو و کم ارزش جلوه دهند. اما در تمام این مراحل این مرد الهی استثنائی به نصیحت مولای خویش عمل کرد و نه به کسی سواری داد و نه اجازه داد از آبروی او فتنه گران شیر بدوشند. که همه تحسین آفرین است و ما از صدها نمونه تنها به دو مورد اشاره کرده و متذکر میشویم تنها همین بصیرت امام (ره) که در بین علما و سیاستمداران گذشته و حال بی نظیر است کافی است که ارادت ما را به این مرد الهی دو صد چندان کند.

### **خاطره: سازمان مجاهدین خلق**

سازمان مجاهدین خلق که پس از پیروزی انقلاب در مقابل امام و نهضت اسلامی ایستادند و تا امروز هر مقدار توانسته اند توطئه و فتنه گری کرده اند برای اینکه از امام سوء استفاده کنند زمان اقامت امام در نجف به محضر امام رفتند و با بیان اقدامات به ظاهر اسلامی و انقلابی، خود قصد داشتند از امام برای مقاصد و افکار التقاطی خود تأییدیه بگیرند و آنگاه خودشان را از امام و امام را از خودشان معرفی کنند اما امام با بصیرت نافذ خود دست رد بر سینه ی آنها زدند و خود را گرفتار فتنه و فریب آنها نکردند. جالب توجه اینکه این گروه برای نفوذ در امام از بزرگان مورد علاقه ی امام هم سوء استفاده کردند اما امام، امام بود و هرگز خدعه ی آنها کارگر نیفتاد و همه دیدیم که پس از انقلاب نقاب از چهره ی این گروه ملحد و منحرف کنار زده شد و آنها عملاً در مقابل امام و انقلاب و مردم ایستادند اسلحه کشیدند و نخبگان این ملت را شهید کردند و هنوز نیز فتنه های آنها ادامه دارد.

## کلام امام؛ فریبکاری منافقان

امام خود در این باره می فرماید:

فریب کاری منافقان و ساده اندیشی بعضی افراد آن مسئله ای که همه کس می گفت هرکس میرسید می گفت که نمی شود نکند، خونریزی می شود چه می شود بعضی از آقایان از قم به من نوشتند که «آقا دیگر بس است - دیگر - این شاه ماندنی است دیگر بس است رها کنید» خوب اینها نمیدانستند قضیه را و معذور بودند از این رو خیرخواه بودند معذور هم بودند اما حتی برای منافقین. منافقین خوب بعضیها را بازی داده بودند اینها، خوب این همه جوانان ما را بازی دادند، هیچ بعضی از علمای ما را بازی داده بودند، بعضی از ریش سفیدهای ما را بازی داده بودند که به من سفارش نوشته بودند راجع به اینها و من آن آدمی که آمد با آنکه سفارش نوشته بودند، اینها گوش کردم حرفهایش را دیدم آدم معوجی است؛ از زیاد مسلمان بودنش من این را ادراک کردم؟

(صحیفه نور ج 17 ص 287)

### خاطره: دکتر علی شریعتی

آقای علی شریعتی معروف به «دکتر شریعتی» گوینده ای توانا بود که در سالهای خفقان ستم شاهی با سخنرانی های خود جوانان مذهبی دانشگاهی و روشنفکر را که در رژیم سلطنتی استحاله نشده بودند را جذب کرد و در تنویر افکار عمومی نقشی مؤثر ایفا کرد نوشته ها و سخنرانی های شریعتی اگرچه جذاب شیرین و محرک بود ولی برخی از نظرات وی کاملاً با اسلام ناب محمدی و سیره ی ائمه اطهار تطبیق نداشت مورد تأیید امام قرار نگرفت به طوری که همه ی کسانی که مُرید و ارادتمند امام بودند و شریعتی را نیز دوست میداشتند در حیرت بودند که چرا امام رسماً و علناً از شریعتی حمایت نمی کنند انقلابیون خواهان چنین موضعی از سوی امام بودند اما امام هرگز در این فتنه وارد نشدند جالبتر اینکه در اوج محبوبیت، شریعتی و

ص: 39

آنگاه که فوت کرد انجمن اسلامی دانشجویان اروپا و آمریکا به مناسبت فوت وی پیام تسلیتی برای امام فرستادند و امام نیز جواب آنها را دادند، ولی به هیچ وجه و تحت هیچ عنوان حتی به صورت اشاره و کنایه شریعتی را تأیید نکردند. البته با توجه به باورهای دانشجویان از شریعتی او را تکذیب هم نکردند بلکه به همان پند مولا و مقتدای خود عمل کردند که:

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرَ فَيَرْكَبُ، وَلَا صَنْعَ فَيَحْلَبُ

(نهج البلاغه حکمت 1)

### کلام امام؛ پیام به مناسبت فقدان دکتر علی شریعتی

و اینک متن کامل پیام امام به مناسبت فقدان دکتر علی شریعتی:

بسمه تعالی

شعبان المعظم 97

جناب آقای دکتر یزدی - ایده الله تعالی

پس از اهدای سلام، تلگرافهای زیادی از اروپا و آمریکا از طرف اتحادیه ی انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا و انجمنهای اسلام دانشجویان در آمریکا از بخشهای مختلف و از سایر برادران محترم مقیم خارج از کشور - ایدهم الله تعالی - در فقد دکتر علی شریعتی واصل شد و چون جواب به تمام آنها از جهاتی میسر نیست و تفکیک صحیح نمی باشد از جنابعالی تقاضا دارم تشکر اینجانب را به همه ی برادران محترم - ایدهم الله تعالی - ابلاغ نمایید.

اینجانب در این نفسهای آخر عمر امیدم به طبقه ی جوان عموماً و دانشجویان خارج و داخل اعم از روحانی و غیره می باشد. امید است دانشمندان و متفکران روشن ضمیر مزایای مکتب نجات بخش اسلام که کفیل سعادت همه جانبه ی بشر و هادی سبیل خیر در دنیا و آخرت و حافظ استقلال و آزادی ملتها و مریی نفوس و مکمل تقیصه های نفسانی

ص: 40

و روحانی و راهنمای زندگی انسانی است. برای عموم بیان کنند. مطمئن باشند با عرضه ی اسلام به آن طور که هست و اصلاح ابهامها و کجرویها و انحرافها که به دست بدخواهان انجام یافته، نفوس سالم بشر که از فطرت الله منحرف نشده و دستخوش اغراض باطله و هوسهای حیوانی نگردیده یکسره به آن روی آورند و از برکات و انوار آن بهره مند شوند.

من به جوانان عزیز نوید پیروزی و نجات از دست دشمنان انسانیت و عمال سر سپرده ی آنها میدهم.

طبقه ی جوان روشن بین در خارج و داخل روابط خود را محکم و در زیر پرچم اسلام که تنها پرچم توحید است یکدل و یکصدا از حق انسانیت و انسانها دفاع کنند تا به خواست خداوند متعال دست اجانب از کشورهای اسلامی قطع شود و باید با کمال هوشیاری از عناصر مرموزی که در صدد تفرقه بین انجمنهای اسلامی هستند و مطمئناً از عمال اجانب هستند احتراز کنند و آنها را از جمع خود طرد نمایند.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.

و السلام علیکم وعلیهم ورحمه الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

(صحیفه نور ج 3 ص 207)

نکات برجسته:

1 - ارج گذاری به جوانان تحصیل کرده بخصوص روحانی

2 - اسلام کفیل سعادت همه جانبه بشر

3 - عرضه ی اسلام آن طور که هست (دقت کنید)

4 - اشاره به کجرویها و انحرافها

5 - امید به فطرتهای پاک

6 - نوید پیروزی و نجات (انقلاب چند سال بعد پیروز شد)

ص: 41

7- یک دلی و یک صدائی ضرورت دفاع از حق

8- ترد عناصر مرموز و نفوذی

9- روی آوردن بشریت به اسلام با اطمینان

10- هیچ کجا در اصل بیانیه نامی از شریعتی نفیا و اثباتا برده نشده.

در پایان این بخش بار دیگر تأکید میکنیم که این تیز بینی و بصیرت امام در تمام طول عمر ایشان به چشم میخورد که بیان صد یک آنها هم در اینجا برای ما مقدور نیست و برای حُسن ختام به توصیه ی ایشان به مراجع تقلید در مورد بیوتات آنها اشاره می کنیم.

... شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم الشان می دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزاران به ملتهای ستمدیده میدانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت، شما با چهره های صد در صد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواستہ فاجعه به بار آورند و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله، الله، در انتخاب اصحاب خود. الله، الله، در تعجیل تصمیم گیری. خصوصاً در امور مهمّه و باید بدانید و میدانید که انسان از اشتباه و خطا مأمون نیست. به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید؛ که آن کمال انسانی است و توجیه و پافشاری در امر خطا نقص و از شیطان است. در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید، و جانب احتیاط را مراعات نمایید.

(صحیفه نور ج 18 ص 6 / بخشی از رهنمودهای به نمایندگان خبرگان رهبری و رهبران آینده به مناسبت گشایش مجلس خبرگان رهبری)

ص: 42

## بخش دوم: اَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعِ

اَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعِ، وَرَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضُرِّهِ، وَهَانَ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ.

(نهج البلاغه حکمت 2)

خود را سبک و مورد سرزنش قرار داده هر کس طمع را شعار خود سازد

و ذلت و خواری را برای خود پسندد هر کس رنج و ناراحتی خود را آشکار سازد

و آن کس که زبان خود را بر خود حاکم سازد خود را پیش خود سبک و بی ارزش ساخته است.

(البته دو جمله بالا را میتوان چنین ترجمه کرد)

هر کس طمع را شعار خود سازد خود را سبک و مورد سرزنش قرار داده است

و هر کس رنج و ناراحتی خود را آشکار کند ذلت و خواری برای خود پسندیده است.

و درباره ی طمع امام علیه السلام کلمات کوتاه دیگری دارند مانند: «الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الذُّلِّ» (طمعکار در بند خواری است) و یا «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَيَّدٌ» (طمع بردگی همیشگی است).

و در جمله سوم مشتمل بر نکته ظریفی است و آن اینکه خوار شدن پیش خود بدتر از خواری پیش مردم است چرا که این خوار طلبی و ذلت پذیری است. در مقابل این معنی آن است که امام علیه السلام به فرزندشان امام مجتبی علیه السلام میفرماید: «أَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَيْتَةٍ»

## 1 - آن که طمع را شعار خود گرداند

1 - آن که طمع را شعار خود گرداند خود را خرد نمایاند.

طمع که از اخلاق رذیله می باشد هرگز در انسانی چون امام راه نیافته است.

امام نه تنها به هیچ امری از امور دنیا طمع نورزیده که خدای ناکرده خود را خرد کند، بلکه با زهد و بی رغبتی از آنچه حد معمول یک زندگی ساده هست نیز، بزرگی و بزرگواری خویش را در طول زندگی به اوج رسانده اند.

نظر به اینکه وجود چنین رذیله ای در امام تصور نمیشود ما تنها به یک خاطره بسنده میکنیم.

### خاطره: چاپ رساله امام

این خاطره اوج شخصیت امام را در پرداختن به امور مهم و بی اعتنائی و طمع ورزی به امور کوچکتر را نشان میدهد. چنانچه میدانیم صفت رذیله ی طمع گاهی به مال و دارائی است. گاهی به پُست و ریاست و زمانی به کشورگشائی و دست اندازی به سرزمینهای دیگران. هر کسی در سطح فکر و اندیشه ی خود به چیزی طمع می ورزد و بیش از حق و سهم خود برای به دست آوردن، آن حقوق دیگران را تضییع و پامال می کند.

امام در جائی فرمودند: اگر تمام کره ی زمین را هم به رئیس جمهور آمریکا بدهی باز به فکر توسعه ی نفوذ خود است و می خواهد کرات دیگر را هم بگیرد. اخلاق حمیده ای که میتواند با این صفت ناشایست مقابله کند مناعت طبع است یعنی بلندی طبع و بی اعتنا بودن به امور کوچک و زودگذر و توجه به اهداف بزرگتر و والاتر. البته باز برای هر سطحی از افراد اجتماع کاری کوچک و اموری بزرگتر و مهمتر است و این بستگی به فکر بلند و مناعت طبع افراد دارد.

پس از فوت آیت اله العظمی بروجردی که برای مدت کوتاهی مرجعیت عامه معلوم نبود و مجتهدین زیادی اقدام به چاپ رساله کردند تا بعنوان مرجع شناخته شوند عده ای از علما در قم خدمت امام میرسند و از

أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعِ، وَرَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضُرِّهِ، وَهَانَ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ

(نهج البلاغه حکمت 2)

ص: 45



ایشان میخواهند که با توجه به درجه بالای علمی و فقهی خود اجازه دهند رساله ایشان چاپ و در اختیار مردم و علاقمندان به ایشان قرار گیرد. امام میفرمایند: رساله زیاد است، چاپ رساله امروز نیاز نیست. بروید به داد اسلام برسید. اصل اسلام در خطر است.

و این همان دیدگاه امام بود که نهایتاً منجر به مبارزه با رژیم شاه پیروزی انقلاب اسلامی شد. (دقت کنید)

## 2 - و کسی که زبان و سختی های خود را آشکار سازد

2 - و کسی که زبان و سختی های خود را آشکار سازد به ذلت و پستی خود راضی شده است.

به این کلام گهربار علی علیه السلام توجه کنید و در امور شخصی خود مصادیقی برای آن به ذهن بیاورید و سپس به اثرات خوار شدن خود در بیان مشکلات شخصی برای دیگران ببینید، آن گاه در مقام و مسئولیت یک پدر خانواده و یا مسئول یک سازمان در ابعاد گسترده تر مثالهایی برای خود بزنید و خود را در حالتی قرار دهید که وقتی مشکلات سازمان خود و یا خانواده خود را به زبان خودتان برای دیگران بیان می کنید، قضاوت دیگران را ارزیابی کنید و درک کنید که چه مقدار از ارزش و اعتبار خود را از دست می دهید.

اکنون این حالت را به یک شهر و به یک کشور و به یک انقلاب توسعه و گسترش دهید و سعی کنید و لو برای لحظاتی و اگر چه گوشه ای از مشکلات جامعه نوپای انقلابی ایران را بیاد بیاورید و اگر چه بسیار مشکل است، خود را بجای امام خمینی (ره) در دوران رهبری انقلاب قرار دهید، آن گاه اگر این جایگزینی را درست انجام داده باشید متوجه میشوید که شما سوار بر یک کشتی عظیم، پر از مسائل سیاسی، اجتماعی نظامی و اقتصادی شده اید که بر موج های بلند و طوفان های سهمگین در حال حرکت است، افراد کشتی هر لحظه با توجه به مشکلات داخلی و توطئه های خارجی انتظار

غرق شدن کشتی را دارند و با وسوسه های شیطانی دشمنان و ستون پنجم آنها لحظه شماری میکنند که با طوفان های بیدادگر و امواج پیاپی، کشتی را به قعر دریا فرو برده و اثری از آن باقی نگذارد.

حال بیائید در اطاق فرماندهی کشتی و ببینید که سکان کشتی در دست نوح انقلاب است، او با وقار، وقامت بلند و با تبسمی که حاکی از رضایت از امدادهای غیبی است با قلبی مطمئن ایستاده و کشتی را هدایت میکند، هر موجی از شرق و یا غرب بیاید با تدبیر رد میکند، هر طوفانی که از بالا و پائین کشتی را تهدید می کند، به خوبی می شناسد، با آن برخورد منطقی میکند و گاهی نیز خطاب به ساکنین کشتی با صدای رسا و بلند و با گفتاری که از اولیاء خویش به ارث برده اهالی کشتی را به آرامش دعوت میکند. امدادهای غیبی و عنایات خداوندی را متذکر میشود و سفارش می کند: «بجای ترسیدن، نق زدن، آب به آسیاب دشمن ریختن دست و آستین بالا بزنید امور داخلی کشتی انقلاب را سامان دهید و امیدوار باشید که خدا با ماست و پیروزی از آن ما خواهد بود.»

در این بحران آن کس که بیش از همه مشکلات را میداند، دریا را می شناسد موج ها را میبیند طوفانهای موجود و گذشته و در حال رسیدن را درک میکند، کند بایستی دلهره و خوف بیشتری داشته باشد و چون لب بگشاید بایستی از مشکلات بیشتر سخن بگوید، سختیها را آشکار کند و بقول معروف با بیان آن خود را تخلیه کند. اما هیئات که خمینی کبیر لب به شکوه بگشاید و چیزی بگوید که امت را مأیوس و دشمنان را خوشحال کند، او فرزند علی علیه السلام است شاگرد علی علیه السلام است و جانشین علی علیه السلام است و خوب می داند که: «کسی که سختیهای خود را آشکار سازد خود را خوار کرده است»

و صد البته خواری و ذلت از همچون مردی دور است هیئات مِّنَ الدَّٰلَةِ او

تا آخر عمر حسرت یک آه کشیدن و یک گله و شکوه کردن را به دل دشمن گذاشت و با قامتی به بلندای تاریخ ایستاد و هرگز از سختی ها و مشکلات سخنی به میان نیاورد. اگر بخواهیم تنها خاطراتی که از آن امام بزرگوار درباره همین یک جمله به ذهن می آید را بگوئیم بایستی اقرار کنیم که در ازای هر روزی از انقلاب یک واقعه شکننده و یک حادثه ناگوار داشته است.

### **خاطره: توطئه های بیشمار**

در سال 1363 یک روز در حزب جمهوری اسلامی ایران در تهران با عده ای از دوستان جلسه داشتیم یکی از برادران آماری ارائه کرد از توطئه هائی که تا آن روز بر علیه انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی توسط دشمنان داخلی و خارجی طراحی و بعضاً اجرا شده است. خوب به یاد دارم که یکی از آقایان گفت تقریباً به ازای هر روز که از انقلاب گذشته است یک توطئه علیه ما طراحی شده است. حال بیندیش که تمام اطلاعات و اخبار محرمانه و سرّی این توطئه ها نزد امام خمینی است هر یک از مسئولین مملکتی بخشی از آنها را میدانستند و تنها کسی که همه آن اطلاعات را داشت امام بود و امام اما هرگز از وجود شریفش کسی نشنید که از سختیها و دشواریها لب به شکایت بگشاید.

### **خاطره: مشکلات کشور**

«روزی عده ای از علمای قم «جامعه مدرسین» خدمت امام رسیدند و به صورت مبسوط مشکلات مملکت را بیان کردند جلسه تقریباً خصوصی و محرمانه بود پس از صحبتهای آقایان، امام فرمودند: آنچه شما گفتید من میدانستم و چیزهائی هم من میدانم که شما نمیدانید بروید به دولت کمک کنید خدا با ماست مشکلات حل خواهد شد.»

### 3 - هر کس زبانش را بر خود فرمانروا ساخت خود را از بها انداخت.

این کلام پر بها بر این نکته تأکید دارد که اگر کسی بخواهد با لفاظی و پرگویی عقاید خود را به دیگران تحمیل و یا علم و هنر خود را به رخ دیگران بکشد برعکس خویش را خوار کرده و این وراجی نه تنها بر ارزش و اعتبار او نمی افزاید که در نظر مردم حقیر و کوچک نیز میشود.

امام خمینی در تمام دوران زندگی چه در خانواده و چه در اجتماع چه در زمان تحصیل و زمان مرجعیت و چه در دوران حکومت بسیار کم صحبت میکردند و پیوسته به همان مقداری که برای مخاطب مفید میدانستند بسنده میکردند. و این در حالی بود که در تمام این دورانش اطرافیان و مخاطبین امام دوست داشتند که امام برای آنها بسیار صحبت کنند. زیرا هر کلامی که از ایشان صادر میشد حاوی حکمتها و پندهای آموزنده بود همه به آن نیاز داشتند آنگاه که مردم و مسئولان برای شنیدن بیانات امام به حسینیه جماران میرفتند سر از پا نمیشناختند تا امام بیایند و آنها را نصیحت کنند یا مطالبی از موقعیت انقلاب و کشور برای آنها بگویند در آن جلسات نفسها به عشق شنیدن کلام نور در سینه ها حبس میشد و همه سراپا گوش میشدند بلکه یک کلام از امام خویش بیشتر بشنوند زیرا هر چه از این مراد و مرشد خود می شنیدند منطبق بر فطرت انسانی و مورد نیاز خود و جامعه ی خویش می دانستند ولی علی رغم این همه اشتیاق مخاطب و شنونده امام در تمام این جلسات حتی برای یکبار لفاظی و زیاده گویی نکردند از این رو هرگاه امام سخن را به پایان می بردند حاضرین آه سردی از سینه خارج می کردند که وا اسفا در حکمت بسته شد زمان ملاقات به آخر رسید و دیگر کجا و کی از این بحر حکمت و عرفان استفاده میتوان کرد. بنده که بارها در جلسات عمومی و حتی خصوصی محضر آن یگانه ی دوران را درک نموده ام همیشه در پایان دیدار افسوس خورده و حتی گریان شده ام به راستی او چه داشت؟ و که بود؟ که اینگونه با دل های

مردم عاشق و واله ارتباط برقرار میکرد و با گفتارهای خود آتش بر جانها میزد واقعاً سر این جذبه و ارادت چه بود که از هیچ فرد دیگری چنین احساس نمیشد؟

### خاطره: سلونی قَبْلَ أَنْ تَقْدُونی

همه میدانیم که امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام تنها کسی است در طول تاریخ که این جمله را فرمود: «سلونی قَبْلَ أَنْ تَقْدُونی» از من از هر چه می خواهید پرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید، این ادعای بحق را در تاریخ اندیشمندان و بزرگان به هیچ کس جز علی علیه السلام نسبت نداده اند (که البته دلائلی دارد که در جای دیگر خواهیم گفت).

ولی در زمان ما آیت اله جوادی آملی که شخصیت ایشان برای همگان روشن است. در زمان امام خمینی در جلسه ای در مشهد مقدس و در حضور علما و دانشمندان این جمله را بیان کردند که «سَلِّوْهُ قَبْلَ أَنْ تَقْدُوْهُ» از امام خمینی پرسید قبل از آنکه او را از دست بدهید.

این جمله ی آیت اله جوادی آملی مُشْعِر بر این حقیقت است که ابواب حکمتی که خداوند در این زمان در سینه ی این عبد صالح قرار داده به دیگران نداده و ما بایستی از او که در قلّه ی فضائل اخلاقی است استفاده کرده و آنچه را از او میتوان شنید و از دیگران نمیتوان شنید بشنویم و چراغ راه سعادت خویش قرار دهیم حال با همه ی این احوال کلام امام خمینی پیوسته گزیده و کوتاه بود ولی چون دُزّی گرانها همه خواهان آن بودند.

امام خمینی چند مرتبه در مورد پرگویی مسئولین هشدار داده و برای آنها پیغام فرستاده بودند که زیاده از حد صحبت نکنید که براساس همین نظر خطبه های نماز جمعه نیز توصیه شد که کوتاهتر برگزار شود.

## بخش سوم: البخلُ عازٌّ، والجبنُ منقصةٌ

البخلُ عازٌّ، والجبنُ منقصةٌ، والفقرُ يخرسُ الفطنَ عن حجته، والمقلُّ غريبٌ في بلدته.

(نهج البلاغه حکمت 3)

ص: 51

الْبُخْلُ عَاژٌ، وَ الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ، وَ الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفِطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ، وَ الْمُقْلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ.

(نهج البلاغه / حکمت 3)

بخل مایه ی ننگ و ترس مایه نقص است و تهیدستی انسان زیرک را از آوردن برهان کند زبان می سازد و نادار در شهر خود غریب و تنهاست.

امام علیه السلام در گفتار دیگری میفرماید:

الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ، وَهُوَ زِمَامٌ يُقَادُ إِلَى كُلِّ سُوءٍ.

(حکمت 378)

بخل گرد آورنده همه زشتیهاست و آن به منزله افساری است که آدمی را به سوی هر بدی میکشاند و درباره جبن میفرماید:

ص: 52

«الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا الشُّوْءُ الظَّنُّ بِاللَّهِ»

(نامه 53 بخش 28)

بخل و ترس و آز خویهای پراکنده که بدگمانی به خدا آنها را گرد می آورد.

و درباره ی فقر میفرماید:

«فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ فِي الدِّينِ مَدَهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ!»

(حکمت 319)

به یقین فقر مایه نقص در دین و سرگردانی عقل و موجب دشمنی است. (دشمن تو نسبت به مردم و یا بغض تو نسبت به خدا یا همه)

\*\*\*

پندهای امام علی علیه السلام برخی فردی بعضی اجتماعی، گاهی صرفاً دنیوی و زمانی اخروی و در نهایت عده ای از آنها تمام ابعاد را شامل می شود. گاهی به کلامی از امام در نهج البلاغه برخورد میکنیم که در کمال اختصار از دنیائی معنی و معرفت برخوردار است که انسان را متحیر می کند. همه ی اندیشمندانی که از زمان امام تا امروز با کلام گهربار ایشان آشنا شده اند بر این مطلب اذعان دارند حتی مخالفان امام و این موضوع آنقدر فراگیر و عمیق است که ما را یارای ورود به آن نیست. علمای بزرگ شیعه سنی، مسیحی یهودی و ... همه در مقابل کلام امام سر تواضع فرود آورده و از اینکه بتوانند کلامی در حد کلام و یا حتی نزدیک بدان بیاورند اظهار عجز و ناتوانی کرده اند و این برای همه مسلم است اما بحث ما این است که این کلام آنجا که به مسائل فردی توجه دارد در رفتار امام خمینی بروز و ظهور دارد و آنجا که به مسائل اجتماعی و یا حکومتی عنایت دارد در تصمیمات و تدابیر امام خمینی به خوبی دیده

ص: 53



می شود. جایی که از عرفان صحبت میشود امام خمینی شاگرد شایسته ی علی علیه السلام است. آنجا که از فلسفه و حکمت سخن به میان می آید امام خمینی برجسته ترین است و این در همه حوزه ها و حیطه ی همه ی فضائل اخلاقی چنین است. اینک به حکمت شماره 3 که دارای ابعاد فردی و اجتماعی است نظر می افکنیم.

## 1 - بخل ننگ است.

بدیهی است که این صفت رذیله جرأت ورود به ساحت شخصیتی چون امام خمینی را ندارد. امام چه در مورد اموال شخصی و چه در اجتماع و مسائل حکومتی پیوسته دستی گشاده و روحی بلند داشتند.

در مورد مسائل فردی کافی است اشاره کنیم به تقسیم اموال خود بین فقرا و ضعفای منطقه «خمین» که با فرمان امام به آقای جلالی خمینی صورت گرفت و ما تنها اکتفا میکنیم به آوردن متن حکم امام و خواننده خود آنچه را باید، دریافت خواهد کرد. (1)

در مورد مسائل اجتماعی و حکومتی امام پیوسته بر کمک به اقشار ضعیف با گشاده دستی تکیه داشته اند به نحوی که در پیامها و سخنرانیها پس از دعوت به مسائل معنوی و توحیدی هیچ موضوعی را امام به اندازه ی کمک و مساعدت به مردم تکرار نکرده اند.

بخل از صفات ناپسندی است که هرگز در اولیاء خدا راه ندارد. و امام خمینی یقیناً از این صفت رذیله بدور بوده اند.

ص: 54

## 2 - ترس نقصان است.

چنانچه امام علی علیه السلام می فرمایند ترس در وجود مرد یک نقص و عیب است. و انسان خود ساخته هرگز چنین نقصی را بر خود نمی پسندد. در مورد عدم ترس امام مطالب زیاد است و همه ی آنها نیز عجیب و شنیدنی است.

در این جا به پنج مورد بصورت اختصار اشاره میکنیم؛

الف: در زمان طاغوت و آن شبی که امام را از قم در منزلشان دزدیدند و به تهران منتقل کردند، آنقدر جورعب و وحشت در مملکت حاکم بود که هر شیردلی و هر مرد مبارزی قالب تهی میکرد و به پناهگاهی پناه میبرد. در آن شب امام را به تنهایی و بدون هیچ همراهی از خانواده ی ایشان به تهران بردند و معلوم نبود دیکتاتور زمان که امام را بزرگترین دشمن خود میداند ایشان را به چه سرنوشتی دچار کند؟ اما امام در تمام این مراحل هرگز نترسیدند و خوفی به دل راه ندادند. خود امام میگوید مأموران شاه میترسیدند و من به آنها دلداری میدادم خواننده بایستی خود را لحظاتی در آن جو ترور و خفقان حس

کند تا عظمت روحی این مرد الهی تا اندازه ای برایش قابل لمس باشد.

ب: امام در جائی با صیغه قسم می فرمایند «در تمام عمرم نترسیدم.»

ج: امام یک روز در جمع برخی از اعضا خانواده خود از آنها می پرسند: وقتی کسی میترسد چه حالاتی به وی دست میدهد؟ و وقتی آنها تشریح کنند امام میگویند من تا امروز این حالات که شما میگوئید را تجربه نکرده ام یعنی تاکنون نترسیده ام که بدانم از نظر روحی و جسمی برایم چه اتفاقی پیش می آید؟

د: آنجائی که امام با صلابت فرمودند: «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.»

احتمال هرگونه توطئه و خطر از جانب این ابرقدرت خون آشام بود کما اینکه به طیس حمله کرد و قصد تجاوز به خاک ایران را داشت همه ی سیاسیون عقیده داشتند باید تندروی نکرد ولی امام حسابش از دیگران جداست امام در همین شرایط این جمله ی تاریخی را بیان کردند.

### خاطره؛ ترسیدن امام

ه:- در اولین بمباران صدام در تهران که فرودگاه مهرآباد را بمباران کرد امام در واکنش به این عمل جنون آمیز و برای آرامش بخشیدن به افکار و روان جامعه فرمودند:

«دیوانه ای آمده سنگی انداخته و رفته»

و این جمله در آن زمان که ناشی از قدرت روحی امام بود به جامعه ی ایران آرامش بخشید.

و: بشنوید از شبی که در دوران خفقان کماندوهای شاه از تهران به قم آمده به منزل امام حمله کرده و ایشان را به تهران بردند.

امام خود می گوید: مأموران پس از آنکه مرا گرفتند. در اتومبیل انداختند و به سرعت خیابانهای قم را پشت سر گذاشتند و به سمت تهران راه افتادند ولی پیوسته با نگرانی پشت سر خود و این طرف و آن طرف نگاه میکردند و وقتی من پرسیدم از چه میترسید؟ و نگران چه هستید؟ گفتند: میترسیم مردم ما را تعقیب کنند و به دنبال ما بیایند.

چون مردم شما را دوست دارند ...

سپس امام این عبارت را میفرمایند:

و الله من ترسیدم، ولی آنها ترسیدند:

امام ادامه میدهند: آن قدر میترسیدند که اجازه ندادند برای نماز صبح پیاده شوم و گفتند میترسیم مردم برسند و نمی توانیم چنین

اجازه ای بدهیم و از این رو من ناچار شدم همان گونه که در بین دو مأمور در اتومبیل نشسته بودم نماز خود را نشسته بخوانم. (1)

موارد بسیار زیاد است و ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم

### 3 - تهیدستی مرد زیرک را در برهان کند میسازد.

در مورد این کلام بایستی به مشی امام در حکومت و مملکت داری اشاره کنیم. امام از همان روزهای اول قیام پیوسته بر خود باوری پیشرفت و رشد جامعه تأکید داشتند امام بارها فرمودند: برای مقابله با ظالمان و ستمگران و مستکبران بایستی از هر نظر قوی بود تا بتوان در مقابل آنها ایستاد.

تشکیل سپاه پاسداران بسیج مستضعفین و ... در همین راستا بوده است.

امام در حالی که سران بی‌خرد و کم‌فهم کشورهای جهان را مورد نکوهش قرار می‌دادند و بخصوص شیوخ حاکم بر کشورهای اسلامی را سرزنش میکردند پیوسته تأکید داشتند که کشور بایستی از نظر قدرت، علمی اقتصادی نظامی و سیاسی به گونه ای باشد که در مذاکرات و تعاملات با کشورهای دیگر پیوسته دست بالا را داشته باشد.

ما به یک نمونه از هزاران مورد اشاره میکنیم. و متذکر میشویم امام همانگونه که نظر داشتند کشور ایران با قدرت اقتصادی و علمی در مقابل کشورهای دیگر ظاهر شود در مورد جهان اسلام نیز تأکید میکردند که کشورهای اسلامی بایستی با تکیه بر منابع انسانی و ذخائر خدادادی خود محکم در مقابل مستکبرین بایستند.

### کلام امام

به کلام امام توجه کنید:

از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده بیگانه نمودن

ص: 57

کشورهای استعمار زده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیر قابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه ی این امر غم انگیز طولانی و ضربه هایی که از آن خورده و اکنون نیز میخوریم کشنده و کوبنده است.

و غم انگیز تر اینکه آنان ملتهای ستمدیده ی زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرت های شیطانی شان ترسانده اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده ی بی فرهنگ آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناگوئی آنها را به خورد ملتها داده و میدهند فی المثل اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه ی فرنگی باشد بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده ی آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می آورند و از گهواره تا قبر به هر چه بنگریم اگر با واژه ی غربی و شرقی اسم گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی

محسوب و اگر واژه های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپسزده خواهد بود.

(صحیفه نور ج 21 ص 414)

#### 4 - انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است.

در این کلام امام علی علیه السلام نیز به ابعاد اجتماعی آن توجه کرده و گفتاری از امام خمینی می آوریم. امام هرگز تهیدستی جامعه را نمی پذیرفتند و پیوسته سفارش میکردند بایستی اقشار ضعیف با حمایت های مالی دولت بالا بیایند و تهیدستی و فقر در جامعه اسلامی ریشه کن شود وابستگی ها به بیگانه از بین برود و جامعه اسلامی از هر نظر مستقل باشد.

#### کلام امام

به چند فراز از گفتار امام توجه کنید:

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند؛ و با اراده ی مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی ها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشد در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسانهای شبیه به اینان به آن

رسیده اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختیها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه ی اجانب.

و بر دولتها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و

ص: 59

معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود به کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.

(صحیفه نور ج 2 ص 417)

... و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است. و بحمدالله تعالی حوزه های علمیه و دانشگاه ها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفخه ی الهی غیبی برخوردارند؛ و این مراکز در بست در اختیار آنان است و به امید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خود کفایی و استقلال با همه ی ابعادش به پیش و بی تردید دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید.

(صحیفه نور ج 21 ص 450)

ص: 60

## بخش چهارم: صدرُ العاقلِ صندوقُ سرِّه

صدرُ العاقلِ صندوقُ سرِّه

(نهج البلاغه حکمت 6)

ص: 61



سینه خردمند مخزن اسرار اوست. رازپوشی یکی از امور با ارزش در زندگی خردمندان است.

امام همین نکته را با عبارت دیگر بیان میفرماید: «وَالْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ» (نامه 31 بخش 91) انسان بهترین نگهبان نسبت به راز خویش است و نیز میفرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ» (حکمت 162) هر کس راز خود را بپوشاند خیر به دست اوست و خلاصه «رازی را که نماند خواهی با کسی در میان منه اگرچه دوست مخلص باشد که مر آن دوست را نیز

دوستان مخلص باشد.»

\*\*\*

الحق که این صندوق سِرّ چه گنجایشی دارد؟ این سینه چه پنهانی دارد؟ تصور آن برای فردی چون من مقدور نیست. به این نکته توجه کنید و به این سؤال پاسخ دهید؟

براستی امام خمینی میدانستند با وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی چه مشکلاتی سر راه آن خواهد بود؟ یا نمیدانستند؟!

اگر فرض را بر این بگذاریم که از مشکلات احتمالی خبر نداشتند و تصور نمی کردند که این حادثه بزرگ قرن و این اعجاز اسلام با این همه حوادث روبرو خواهد شد خود را راحت کرده و به دنبال سئوالات مشکل بعدی نمیرویم به بیان دیگر با این جواب صورت مسئله را پاک کرده ایم که این قطعاً صحیح نیست!

اما اگر جواب مثبت باشد که هست زیرا:

یک فقیه، عالم، حکیم، عارف، فیلسوف سیاستمدار متفکر جامعه شناس و در یک کلام «امام» هرگز بدون آگاهی به راهی قدم نمی گذارد و دور از شأن و منزلت اوست که ناآگاهانه دست به اقدامی بزند که از ابعاد آن مطلع نیست. پس جواب درست این است که «امام با آگاهی کامل از مشکلات انقلاب اسلامی را رهبری کردند و به پیروزی رساندند.» حال خوب فکر کن و فکر کن! که سینه ای که این همه رمز و راز. این همه دشواری و ناگواری این همه سختی و شدت را بایستی در خود جای دهد. با آنها مبارزه، کند لب نگشاید و درب صندوق سر سینه را باز نکند چه وسعتی باید داشته باشد.

براستی این چه سری است که اولیاء خدا صندوق سر سینه خویش را هرگز باز نمی کنند و این چه ظرفی است که هر مقدار بیشتر پر میشود بیشتر ظرفیت پیدا میکند.

حکمت 205 نهج البلاغه:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.

هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می شود جز ظرف دانش که هر چه در آن جای دهی وسعتش بیشتر می شود.

آنکه را اسرار حق آموختند \*\*\* مهر کردند و دهانش دوختند

ص: 63

شکی نیست که ظرفیت وجودی امام (ره) قبل از پیروزی و بعد از پیروزی تفاوت هائی داشته است و این موضوع برای کسانی که از نزدیک با ایشان آشنایی داشتند مشهود بوده است ولی در هر زمان آنقدر ظرفیت مدیریت و رهبری امام بالا بوده که درک آن برای انسانهای معمولی میسر نیست.

### **خاطره: مسائلی که هرگز گفته نخواهد شد**

عده ای از دانشمندان خدمت امام رسیدند و عرض کردند ما قصد داریم تاریخ انقلاب را بنویسیم و بهتر دیدیم که از شما درخواست کنیم اول جنابعالی مطالبی از تاریخ انقلاب مرقوم فرمائید و آنگاه ما ادامه دهیم.

امام در جواب فرمودند: مسائلی هست که هرگز گفته نخواهد شد. شما کارتان را شروع کنید و صادقانه مطالب را بنویسید

### **یک خاطره: اتفاقات و حوادث مهم**

«امام یک رادیوی کوچک داشتند که پیوسته اخبار و به خصوص مطالب رادیوهای بیگانه را که اکثراً علیه انقلاب و شخص امام بود گوش میدادند.

حاج احمد آقا نقل می کردند من سعی میکردم در اتفاقات و حوادث بزرگ ناراحت کننده مثل انفجارها و شهادتها از جمله شهادت آیت اله دکتر بهشتی و 72 تن یاران انقلاب رادیوی امام را بردارم تا امام از آن خبر دهشتناک مطلع نشوند ولی امام وقایع را می دانستند از کم و کیف آن مطلع بودند و بجای اینکه ما رعایت حال امام را بکنیم این امام بودند که ما را دلداری میدادند.

## بخش پنجم: خالطوا الناس مخالطةً

خالطوا الناس مخالطةً إن مِتُّم مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عِشْتُمْ (غَيْبْتُمْ) حَنُّوا إِلَيْكُمْ

(نهج البلاغه حکمت 10)

ص: 65

خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّم مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عِشْتُمْ (غَيْبْتُمْ) حَنُّوا إِلَيْكُمْ

(نهج البلاغه حکمت 10)

با مردم آن گونه آمیزش کنید که اگر با آن حال مُردید بر شما بگریند و اگر زنده ماندید با اشتیاق به سوی شما آیند.

از عوامل اشتیاق مردم نسبت به انسان احسان به آنها حسن خلق نسبت به آنها دلسوزی و محبت نسبت به آنها و گشاده روئی در برخورد با آنهاست امام علیه السلام می فرماید: «البشاشةُ حبالَةُ المودَّةِ» (حکمت 6) گشاده روئی دام و وسیله دوستی است.

\*\*\*

به راستی در زمان معاصر چه کسی را سراغ داریم که برای ورودش به کشور بیش از پنج میلیون نفر سر از پا نشناسند و به استقبال او بروند آن هم با طی مسافتهای زیاد و در فوتش نیز بیش از 10 میلیون نفر اشک بریزند و او را تشییع کنند شاید بتوان گفت نه تنها در عصر حاضر و قرن فعلی بلکه در طول تاریخ چنین استقبال و مشایعتی سابقه نداشته است. منظور ما جمعیت حاضر در تهران است وگرنه در 12 بهمن

1357 تمام

ص: 66

ایران به استقبال امام امت رفتند و در 14 خرداد 1368 در تمام کشورهای دنیا عده ای به سوگ نشستند.

اما باید به چند نکته در این رابطه اشاره کرد:

- 1 - این استقبال و مشایعت صد در صد مردمی بوده و هیچ نیروی دولتی و حزبی و سازمانی آن را هدایت نکرده است.
- 2 - از شخصیت های سیاسی دنیا و بخصوص کشورهای اروپائی کمتر کسی در این مراسم (مشایعت) شرکت کرد بلکه (جز تعدادی کم) لیاقت اینکه پیام تسلیت هم بدهند نداشتند و این خود از حقانیت امام بزرگوار ما است.
- 3 - مردم اکثر کشورهای دنیا و بخصوص کشورهای اسلامی و شخصیت های دینی و فرهنگی از ارتحال امام متأثر و متأسف شدند و علاقه قلبی خود را به این مرد الهی ابراز کردند.
- 4 - ملت ایران که تربیت یافتگان امام بودند با رحلت ایشان نه تنها راه و یاد او را فراموش نکردند بلکه خود را برای هرگونه فداکاری بیشتر آماده کردند و تنها افراد معدودی که هنوز با انقلاب آشتی نکرده بودند و بهتر بگوئیم لیاقت همراهی را نداشتند به خیال خود منتظر دگرگونی و بهم ریختگی مملکت بودند.

### **خاطره: سلطان قلبها**

«بنده زمان ارتحال امام (ره) در تهران زندگی میکردم و روز تشییع پیکر مطهر آن محبوب قلبها از مصلاهی تهران تا نزدیکی های بهشت زهرا با جمعیت همراه بودم در برخی از مناطق شهر صف های طولانی از بعضی انسان های کج باور برای گرفتن نان و ذخیره کردن برای روزهای قحطی «خیالی» تشکیل شده بود و البته آنهایی که در صف نان بودند با چشم های بهت زده به سیل خروشان جمعیت مشایعت کننده نگاه می کردند، و در

جنوب شهر نانوایان آنها را روی پیشخوان ریخته و دنبال مشتری بودند و کسی برای خرید نان مراجعه نمی کرد این تفاوت ملت پیرو امام را با مردم تربیت شده دوران ستم شاهی نشان میداد در طول مسیر صدها بلکه هزاران ایستگاه صلواتی به مردم آب غذا، آش شربت و ... می دادند و از مشایعت کنندگان پذیرائی میکردند همچنان که در استقبال از امام نیز این شور و هیجان در مردم وجود داشت.

### **خاطره: همه گلها پیش کش امام**

در روز استقبال از امام در 12 فروردین 1357 یک نفر از اهالی تهران وارد یک گل فروشی می شود و همه گلهای مغازه را یکجا خریداری میکند و از صاحب مغازه میخواهد هر کس که وارد مغازه شد شما یک شاخه گل به او بدهید تا به پای رهبر انقلاب اسلامی که قدم به خاک میهن گزارد است بریزد.

در اینجا ما به نقل قول برخی از خبرگزاریها و شخصیتهای سیاسی جهان اکتفا می کنیم علاقمندان که خواهان اطلاعات بیشتری از این استقبال و مشایعت هستند بایستی به منابع دیگر از جمله روزنامه های آن زمان مراجعه کنند ذکر این نکته هم در اینجا ضروری است که مشایعت از شخصیتهای مذهبی و روحانی و شهدای محراب و شهدای جنگ تحمیلی نیز توسط مردم خداجوی ایران چشمگیر بوده است. سیل خروشان مردم وفادار به انقلاب و امام در مشایعت پیکرهای پاک مردان بزرگی چون شهید مطهری طالقانی شهید مظلوم بهشتی و 72 تن شهدای حزب جمهوری اسلامی شهید چمران شهید رجائی و شهید باهنر شهدای محراب در شهرستانها و شهدای جنگ تحمیلی ... هزاران مورد از این قبیل هر کدام نمونه ای از این کلام گهر بار امام علی ال است که:

خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثَّم مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عِشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ.

چند نقل قول درباره ورود امام و استقبال از ایشان:

### خاطره؛ ورود امام و استقبال از ایشان

ابتدا لازم است سخنان امام در فرودگاه مهر آباد را یادآوری کنیم.

\* امام در فرودگاه مهر آباد گفتند:

پیروزی به واسطه وحدت کلمه مسلمین بوده است من از عواطف طبقات مختلف مردم تشکر میکنم و بار ملت ایران بر دوش من بار گرانی است که نمیتوانم جبران کنم.

من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جانفشانی کردند تحمل زحمت، کردند از طبقه دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسایل خون دادند از اساتید دانشگاه از قضات دادگستری از همه طبقات از کارمندان از کارگران از دهقانان از همه طبقات ملت تشکر کنم آن زحمت های فوق العاده بود که با وحدت کلمه پیروز شدید البته در قدم اول پیروزی شما الان یک قدم است و اینکه خائن اصلی را که محمد رضا نام دارد از صحنه کنار برده اید که اگر چه گفته میشود در خارج از کشور به دست و پا افتاده است و حالا هم که اربابها دست رد بر سینه او زده اند و او را راه نمی دهند متوسل شده است به هم جنسان خودش و این خیال خامی است که بعد از 50 سال خیانت های او و سلسله اش و بعد از سی و چند سال جنایات این شخص خائن این مملکت ما را به عقب رانده مملکت ما را استثمار کرد زراعت ما را به باد فنا داد مملکت را ویران کرد همچنین ارتش را تابع ارتش و مستشاران غیر کرد و پیروزی ما وقتی است که دست تمام این اجانب کوتاه شود و تمام

ریشه های رژیم سلطنتی از این مرز و بوم بیرون برود این چیزهایی که



اخيراً واقع میشود دست و پا میزنند که عمال این اجانب شاه سابق را برگردانند و یا رژیم دیگری و یا رژیم سلطنتی را حفظ کنند باید بدانند گذشته است. دست و پایی بیش نیست و چنانکه تسلیم ملت نشوید، ملت شما را بجای خودتان می نشاند ما باید از همه طبقات ملت تشکر کنیم پیروزی به واسطه وحدت کلمه مسلمین بوده است وحدت کلمه اقلیتهای مذهبی و وحدت طبقه روحانی طبقه روحانی سیاسی همه این رمز را می فهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است آنرا از دست ندهیم و خدای نخواستہ شیاطین بین صفوف شما تفرقه نیندازند. من از همه شما تشکر میکنم و از خدای تبارک و تعالی قطع دست اجانب و ایادی وابسته به آنان را خواستارم.»

اکنون که بیانات امام را در بدو ورود در فرودگاه مهرآباد تهران خواندیم میبینیم که او چه زیبا رنجها را احساس کرده است و چه بهاء سنگینی به قشرهای مختلف مردم داده است. او در همان بدو ورود میدانست که انقلاب روزهای پیروزی را طی میکند و باز میدانست که برای این پیروزی چه بهاء سنگینی پرداخت شده است. زمانی امام این حرفها را در فرودگاه مهرآباد بر زبان آورد که شهدای انقلاب جایشان خالی بود امام می دانست به برکت خون شهدا این پیروزی نصیب ملت ایران شده است و باز می دانست که استکبار جهانی هرگز دست از مطامع خود بر نخواهد داشت. او میدانست راه دشواری در پیش است ولی بدون هراس از همه مشکلات و مصائب قدم در راه گذاشت و وقتی جنگ را بر ما تحمیل کردند دریافتیم که درست حدس زده است.

استکبار چشم دوخته بود که خیلی سریع و در مدتی کوتاه نقشه های شوم خود را در ایران اسلامی پیاده کند اما سازش ناپذیری امام تار و بود استکبار را به هم ریخت و اکنون به یاد بیاوریم که تنها در سایه وحدت

کلمه» است که میتوان به آرزوی دیرینه امام جامه عمل پوشاند. باشد که با تعمق از گفتار آغازین امام در خاک وطن و عمل به آرزوهای او روح بلندش را شاد کنیم. (1)

## خاطره: 12 بهمن

در 12 بهمن سال 57 حضور جمعیت استقبال کننده از حضرت امام بحدی بود که ساعتها طول کشید تا اتومبیل حضرت امام به بهشت زهرا رسید.

در بدو ورود به بهشت زهرا به علت ازدحام بیش از حد دریای خروشان جمعیت حضرت امام را توسط یک فروند هلیکوپتر به محل ایراد نطق تاریخی شان رساندند و در اینجا بود که حضرت امام طی بیاناتی تاریخی به ملت ایران اعلام کردند با پشتیبانی ملت من توی دهن این دولت میزنم. (2)

## روز شمار بازگشت امام به وطن از نجف تا تهران:

بدنبال اوج گیری تظاهرات مردم ایران در شهرهای مختلف اخبار و گزارش روزنامه ها که حاکی از حرکت امام برای آزادی ایران از چنگال دژخیمان بود آنچنان به سرعت در رسانه های گروهی منتشر میشد که این امر باعث تسریع در پیروزی انقلاب اسلامی بود.

آنچه مسلم است قلم از بیان شوق و هیجان و التهاب و تشویش در آن روزها عاجز است و شاید تنها بدینوسیله بتوان خاطره آنروزها را آنگونه که شایسته است تشریح کرد نه شوق و هیجان را اما با توجه به سیر تحولات در آن روزها نمیتوان آسان از این روزهای پرشکوه گذشت چرا که به هر

ص: 71

---

1- روزنامه کیهان - 14 خرداد 1368 ص 2

2- روزنامه کیهان - 14 خرداد 1368 صفحه 3

حال این روزهایی از تاریخ با عظمت انقلاب و سیر حرکت رهبری ایران برای نجات مردم است ما در اینجا تنها روز شمار وقایع مهاجرت امام به پاریس و ورودشان به ایران را از قول روزنامه ها فهرست وار میآوریم:

57/7/1 - منزل امام در نجف به وسیله قوای بعثی محاصره شد.

57/7/2 - خبر محاصره منزل امام به ایران رسید و سیل تلگراف اعتراض آمیز مراجع علما و مردم به رئیس جمهور عراق حسن البکر سرازیر شد.

57/7/4 - محاصره ی منزل حضرت آیه الله العظمی خمینی در نجف توسط ارتش عراق پایان یافت و مقامات عراق گفتند سوء تفاهم رفع شده است

57/7/2 - کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زدند.

57/7/3 - کارکنان مخابرات دست به اعتصاب زدند.

57/7/5 - کارکنان تأسیسات نفتی خارک و بقیه ی سازمانهای مهم دولتی دست به اعتصاب زدند.

57/7/12 - آیت اله العظمی خمینی نجف را ترک کرد. ایشان احتمالاً به الجزایر یا سوریه میروند

57/7/13 - امام از مرز کویت به بغداد باز گشتند.

57/7/14 - در کویت مسلمانان که از جلوگیری دولت کویت از ورود امام به این کشور به خشم آمده بودند، دست به تظاهرات زدند و از دروازه ی عبدالرزاق به سوی مرزکویت اقدام به راهپیمائی کردند.

57/7/14 - امام با هواپیما به پاریس پرواز کردند.

57/7/15 - آیت اله خمینی دیروز وارد پاریس شدند و احتمالاً مقری در فرانسه ایجاد میکنند یاد آور میشویم که ایشان قصد عزیمت به کویت را داشتند که ممانعت بعمل آمد.

57/7/15 - دولت ایران چند روز پیش اعلام کرد که آیت الله خمینی میتوانند به ایران برگردند مشروط بر اینکه چهارچوب قانون اساسی را بپذیرند.

57/7/17 - خبرگزاری فرانسه و آسوشیتدپرس:

همزمان با هجرت امام و انتشار خبر محدودیت های ایجاد شده از سوی فرانسه مجمع علمای اندونزی مسلمانان لیبی و دولت الجزایر آمادگی خود را برای پذیرائی و اقامت امام خمینی در کشور خویش اعلام کردند.

57/7/18 - امام: از پاریس به 25 کیلومتری پاریس نوفل لوشاتو در حوالی این شهر رفتند

57/7/18 - دولت فرانسه از طریق وزارت کشور به امام خمینی اطلاع داد که ایشان حق فعالیت سیاسی ندارند در این رابطه و بعنوان واکنش احتمالاً ایشان فرانسه را ترک خواهند کرد.

57/7/18 - امام برای بیان خواسته های خود از این فرودگاه به آن فرودگاه میروم

57/7/1 - کارکنان مطبوعات در اعتراض به اعمال سانسور اعتصاب کردند.

57/7/22 - دولت شریف امامی لغو سانسور و آزادی مطبوعات را اعلام کرد.

57/7/23 - کارتر رئیس جمهور آمریکا در تأیید شاه گفت: از لحاظ استراتژیک وجود روابط حسنه با یک ایران نیرومند و مستقل یک موضوع حیاتی است.

57/7/23 - امام «اینجانب در اولین فرصت به یکی از کشورهای اسلامی که بتوانم به فعالیتهای اسلامی خود ادامه دهم خواهم رفت و انشاء اله تمامی عمرم را در راه خدای تعالی که خدمت به شماست به آخر میرسانم.»

57/7/24 - امام به مناسبت چهلمین روز فاجعه ی میدان ژاله 57/7/24 را عزای عمومی اعلام کردند

57/7/24 - امام سه بار در محل اقامت خود سخنرانی کردند در حالی که پلیس فرانسه تدابیر شدید امنیتی در اطراف خانه امام برقرار کرده بود

57/7/24 - سیصد و چهل تن از استادان دانشگاههای تهران اصفهان و شیراز طی تلگرامی خطاب به ژیسکار دستن رئیس جمهور فرانسه خواهان آزادی بیان آیت اله خمینی در مدت اقامت در فرانسه شدند.

57/7/26 - در سراسر ایران اعتصاب کارمندان - تظاهرات مردمی - کشتار مردم بیگناه به دست عوامل شاه و اعتراض زندانیان سیاسی به اوج رسید

57/7/26 - امام پیام مهمی برای زائران حج خانه ی خدا میفرستند

57/7/28 شاه تمام سردمداران رژیم را به کاخ سعدآباد فراخواند. بلکه چاره ای برای آن بی چاره بیندیشد

57/7/28 - دولت فرانسه از سخنرانی امام در جمع طرفدارانشان جلوگیری به عمل آورد

57/7/29 امام در سخنرانی خود در پاسخ به سخنان کارتر رئیس جمهوری آمریکا که شاه را به دلیل ایجاد دموکراسی ستوده بود به باد تمسخر گرفتند.

57/8/2 مذاکرات سیاسی برای بازگرداندن امام و ایجاد موضعی نرمتر انجام میگیرد

57/8/4 امام خمینی برنامه سازش با حکومت را رد کرد و اعلام نمود مخالفانی که با حکومت مذاکره کنند طرد میشوند.

57/10/16 - شاپور بختیار به نخست وزیری از جانب شاه منصوب شد.

57/10/26 - شاه رفت.

57/10/26 یونایتد پرس آیت اله خمینی احتمالاً اوایل هفته آینده به ایران باز میگردند آیت اله خمینی گفته اند: وقتی که صلاح بدانند به ایران باز خواهند گشت.

57/11/1 - اطلاعیه امام:

شاه رفت و رژیم شاهنشاهی فروریخت و دزدان بیت المال سرمایه ها را خارج کردند و یکی پس از دیگری گریختند ملت شجاع در اولین فرصت به حساب آنها خواهد رسید.

اینجانب انشاء اله تعالی بزودی به شما میپیوندم تا در خدمت شما باشم تا با همت شجاعانه به رفع مشکلات کوشا بوده و با هم صدا و هم قدم شدن همه اقشار ملت بر فشارها غلبه کنیم دوستان عزیزم خود را برای خدمت به اسلام و ملت محروم مهیا کنید.

کمر بخدمت بندگان خدا که خدمت به خداست ببندید من با توفیق خداوند تعالی پس از چند روز در خدمت شما خواهم بود و در پشت سر شما به سربازی خود ادامه خواهم داد.

57/11/1 - خبرگزاری فرانسه - امام خمینی روز جمعه با یک هواپیمای ایر فرانس وارد تهران خواهند شد.

57/11/1 - رویترز آیت اله خمینی رهبر نیرومند مذهبی ایران روز جمعه از تبعید به تهران باز میگردد با این قصد که ایران را از یک کشور پادشاهی به یک جمهوری اسلامی مبدل سازد.

57/11/22 - خبرگزاری ها جمهوری اسلامی ایران ممکنست تا سه هفته دیگر تشکیل شود.

57/11/3 - امام خمینی حدود ساعت 8 بامداد فردا وارد تهران میشوند.

57/11/4 - با استقرار تانکها و زره پوشها فرودگاه مهرآباد اشغال نظامی شد.

57/11/4 - با پخش خبر اشغال فرودگاه مهرآباد مردم دسته دسته بطرف فرودگاه در حرکت هستند و هر دقیقه بر تعداد آنها افزوده می شود. (دقت کنید)

57/11/5 - امام خمینی هنگام خداحافظی به همراهان خود گفتند: من باید به ایران بروم شما لازم نیست خود را به خطر بیندازید.

57/11/6 - خبر بستن فرودگاه به اقامتگاه امام رسید، با این وجود ایشان قصد دارند بطرف ایران پرواز کنند.

57/11/11 - امروز اعلام شد که فردا امام در میان ملت ایران خواهند بود.

57/11/12 - امام آمد.

این تیتراژ تمام روزنامه های داخلی بود و مردم ایران طی یک استقبال کم نظیر از امام خود تجلیل کردند و دهه فجر انقلاب اسلامی با پیروزی انقلاب در 22 بهمن به عمر ننگین 2500 سال شاهنشاهی پایان داد.

و بالاخره با استقبال و پیوستن مردم به امام خویش این کلام امام علی علیه السلام تفسیر شد که:

وإن عِشْتُمْ حَتَّىٰ أَلَيْكُمُ أَكْرَ زَنْدَةً مَانِدِيدٌ بَا اِشْتِيَاقِ سَوِي سَمَا آيِنْد.

و اینک جمله:

إِن مَّتَّم مَعَهَا بَكُّوَا عَلَيَكُمُ أَكْرَ مَرْدِيدٌ بَر سَمَا اِشْك رِيْزَنْد.

در اینجا برای اینکه حال و هوای ایران و جهان در زمان ارتحال امام تا اندازه ای مشخص شود، چند نقل قول را میآوریم:

ص: 76

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ

یا ایته‌ها النفس المطمئننه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی

روح بلند پیشوای مسلمانان و رهبر آزادگان حضرت امام خمینی به ملکوت اعلی پیوست و دل مالا مال از عشق به خدا و بندگان رنج کشیده صالحش از طپش ایستاد اما دل‌های دردمندی که لبریز از عشق به خمینی است تا ابد خواهد تپید و خورشید رهبری امام تابناک تر از گذشته در عالم و آدم خواهد تابید.

خدایا اگر اینک بنده ی عاشق تو در جوار رحمت متعالیت مأوا گرفته است و طوفان عشق دل دریائیش بر کرانه غربت به اطمینان و سکون رسیده است اما تو خود میدانی که این مصیبت عظمی طوفان غم ارتحال پیامبر عظیم الشان اسلام را در دل‌ها برپا کرده است و مصیبتی این چنین با عظمت را تنها لطف تو میتواند تسلی بخش باشد.

خدایا به جان واصل امامی که شهادت و عزّت و سربلندی را در سیاه‌ترین دوره حاکمیت استکبار به امت مظلوم بخشید به دل دردمند بندگان خوبت که حق رهبری امام بزرگ خویش را بخوبی ادا کرده و می‌کنند صبر و صلابت عنایت فرما.

خمینی روح بود در کالبد زمان و روح خدا جاودانه است و این سنت تغییر ناپذیر ربوبیست که مردان بزرگ که مظهر حقیقت ناباند چون در گذرند خورشید وجودشان در افقی بالاتر بر آسمان جان انسانهای



حقیقت جو طلوع خواهد کرد. و اندیشه و آرمانشان سلسله جنبان تاریخ خواهد شد.

شباهنگان کوردل که چشم دیدن خورشید را ندارند در عالم سیاه ذهن خویش انتظار غیبت آفتاب امام را میکشیدند اما اینک نوید مرگ همیشگی خویش را در قیامت سهمگین حضور مردمی خواهند دید که زندگی شرافتمند خود را وام دار رهبری جانبخش خمینی بزرگاند و عشق متقابل امام امت که بزرگترین حماسه دوران را آفرید ضامن تداوم راه و آرمان بلند امام تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و امت استوار دعای همیشگی خود را در ماندگاری انقلاب بزرگ اسلامی که حاصل عمر پر برکت امام خمینی بود به وضوح مستجاب می بیند.

طپش قلب امام اینک در قیام اوج گیرنده و مهار ناپذیر مستضعفان موحد و محرومان عدالت خواه علیه مستکبران ستمگر زمان تداوم خواهد یافت. مستضعفان تازیانه خورده ای که امام ما یک لحظه از فکر آنان نیاسود و محرومانی که کرامت سرکوب شده خود را در صلابت نهیب امام خویش بر سر کاخ های کفر و بیداد باز یافتند آفتاب وجود پر برکت امام برای همیشه از آئینه اسلام ناب محمدی که امام خمینی آگاه ترین و شجاع ترین بیانگر آن بود بر قلب تاریخ خواهد تابد و ابرهای تردید و زبونی را از آسمان دل پابرهنگان زمین خواهد زدود و جنگ همیشگی میان فقیر و غنی و اسلام و کفر و عدالت و بیداد را گرم و شورانگیز نگاه خواهد داشت.

رهبری امام خمینی از کانون جوشان حوزه های علوم اسلامی تداوم خواهد یافت و عارفان و حکیمان و فقیهانی که سینه شان گنجینه وحی خداست و اسلام را بعنوان دین انسان در همه مکانها و زمانها عرضه خواهند داشت.

و زنگار خرافه و تحجر را از چهره مقدس حوزه ها پاک خواهند کرد ضامن جاودانگی اندیشه بلند امام اند.

راه و اندیشه امام در چهره مظلوم جمهوری اسلامی که امروز کانون حقیقت اسلام و پایگاه شکست ناپذیر مبارزه علیه کفر و نفاق و اسلام امریکائی خواهد بود باشکوه فزاینده ادامه خواهد یافت.

امروز پیکر رشید بسیج مستضعفان که مردمی ترین ارتش توحید در سراسر تاریخ است به بلندای تاریخ انقلاب توحیدی انسان در برابر امواج توطئه های دشمنان امام و اسلام ایستاده است و دو بازوی توانمند مسلح امت یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش سرافراز اسلام که از حمایت و عنایت مداوم امام خویش قوت و سربلندی جاودانی یافته اند ضامن تداوم رهبری خمینی و امتداد خط روشن او تا ظهور بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

دشمنان سیاه دل که مرگ خود را در حیات امام می دیدند گرچه غافل از حیات جاودانه امام از تهدید و توطئه دست نخواهد کشید، اما مطمئن باشند که با وجود امتی بیدار که پرورده دست سخاوتمند امام خمینی است سیاه بختی خود را در ادامه حیات رهبری امام همیشه زنده امت خواهند آزمود.

هنگامی امام از میان امت رخت بر می بندد که وجود مقدسش در جریان انقلاب جهانی اسلام امتداد یافته است انقلابی که از مرزهای ایران شهید پرور فراتر رفته است و نه تنها در فلسطین اشغالی و لبنان و افغانستان و دیگر سرزمینهای اسلامی که در کانونهای سلطه کفر جهانی چون انگلستان ناقوس مرگ استکبار بویژه شیطان بزرگ را به صدا در آورده است.

کاروان سالار انقلاب اسلامی که عهد خویش را با خدای خویش به پایان برده است پیشاپیش کاروان بلند شهیدان انقلاب در پیشگاه حضرت حق با سربلندی ایستاده است و شاهد ادامه نهضت شکست ناپذیر اسلامی است که از 15 خرداد 1342 به رهبری خود او آغاز شد و تا قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه خواهد یافت و همچنان امت را به

برادری و وحدت پیرامون اهداف و مصالح انقلاب اسلامی و تسلیم ناپذیری در برابر فشارها و توطئه های دشمنان فرا میخواند و از امت رهبری جز پاسداری از اسلام و انقلاب اسلامی نمی طلبد.

در پایان این مصیبت عظمی را به پیشگاه ولی الله الاعظم حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف و به مردم بزرگوار و قهرمان پرور ایران و همه مسلمانان و مستضعفان جهان تسلیت می گویم و از خداوند بزرگ مسئلت میکنم که همه ما را در پاسداری اندیشه های والای امام و ادامه راه او توفیق بدارد. (احمد خمینی)

بیان حال و هوای کشور ایران در روزهای اولیه ارتحال امام (ره) بسیار مشکل و درک حالات میلیونها انسان سوگوار غیر ممکن است به یقین ثبت همه وقایع آن روزها آن هم جلوه های ظاهری آن نه جنبه های باطنی و روحی عزاداران امام در ایران و خارج از ایران دهها جلد کتاب خواهد شد که از حوصله این مجموعه قطعاً خارج است ما تنها به برخی جملات کوتاه که در جراید آن روز آمده است اکتفا می کنیم و متذکر میشویم در تاریخ تا آنجا که ما اطلاع داریم چنین شور و هیجانی نبوده و این خود یک صفحه زرین تاریخ ایران و اسلام است که نظیری برای آن نخواهد بود.

## سوگواری یکپارچه مردم در سراسر کشور

\* با انتشار خبر رحلت جانگداز امام امت و بنیانگذار جمهوری اسلامی سراسر کشور را موجی از اندوه و ماتم فرا گرفت این مصیبت عظمی میلیونها مسلمان را در صدها شهر و هزاران روستای کشور به مساجد و تکایا و زیارتگاهها کشاند. در این مصیبت بزرگ گروه های عزادار با سینه زنی و نوحه خوانی به سوگواری رهبر فقید انقلاب اسلامی نشستند این مراسم همچنین با راهپیماییهای وسیع و اجتماع گسترده مردم سوگوار در خیابانها و میدان های شهرهای کشور مان همراه بود.

تعطیل بازار ادارات و نهادها و برافراشته شدن پرچمهای سیاه در سراسر شهرها چهره کشور را عزادار نموده است.

گزارشهای رسیده خبرنگارانمان از سراسر کشور حاکی از سوگواری تاریخی امت امام فقید است.

\* 3 هزار نفر از سوگواران ایلامی بیهوش شدند. خبرگزاری جمهوری اسلامی از ایلام نیز گزارش داد: بیش از 3 هزار تن از مردم استان ایلام در پی شنیدن خبر رحلت جانگداز امام خمینی از شدت تأثر بحال اغما افتادند. این گزارش همچنین حاکیست، از بامداد دیروز بمحض انتشار خبر رحلت جانگداز امام امت اقشار مردم و عشایر ایلام در مساجد و تکایا به سوگواری پرداختند تراکم بیش از حد جمعیت عزادار در مراسم سوگواری بحدی بود که بیش از سه هزار تن به دلیل ناراحتی و اندوه فراوان نسبت به از دست دادن رهبر محبوب و آزاده جهان اسلام به حالت اغما بیهوشی در آمدند این گروه توسط اکیپ های امدادی به بیمارستانهای سطح استان انتقال یافتند و بستری شدند.

\* بر اثر ازدحام جمعیت در مصلی تهران متأسفانه 8 نفر جان خود را از دست دادند.

\* آیت اله خوانساری نماینده امام و امام جمعه اراک روز گذشته از شدت تألمات وارده روحی دچار عارضه قلبی شد در پی بستری شدن نماینده امام در بخش سی سی یو بیمارستان ولیعصر اراک گروه کثیری از مردم داغدار اراک در مصلای بیت المقدس این شهر اجتماع کردند و برای بازگشت سلامتی نماینده امام دست به دعا برداشتند.

\* مردم عزادار شبانه روز در مصلی تهران حضور دارند و با نماز و راز و نیاز به درگاه خداوند متعال برای علو درجات «روح خدا» دعا میکنند و با امام مقتدای خود وداع میکنند در روز جمعیت آنقدر زیاد بود که تا شعاع 10 کیلو متری اطراف مصلی رفت و آمد بسختی صورت میگرفت حتی شخصیت‌هایی چون آیت اله خامنه ای رهبر انقلاب نتوانستند به جایگاه نزدیک شوند و مجبور شدند مصلی را ترک کنند.

\* جامعه روحانیت مبارز تهران با انتشار اطلاعیه ای ضمن تسلیت ارتحال جانسوز بنیانگذار جمهوری اسلامی از عموم ائمه جماعات و امنای مساجد و تکایا درخواست نمود جهت پذیرایی از میهمانان شرکت کننده در مراسم تشییع و عزاداری حضرت امام که از اطراف و اکناف بطرف تهران سرازیر میشوند با مأمورین کمیته امداد امام که مسئولیت مهمانداری را بعهده دارند مساعدت و همکاری لازم را بعمل آورند.

ارسال یکصد تن نان از استانهای مختلف به تهران

بمنظور تامین نیازهای جمعیت میلیونی امت حزب اله که برای شرکت در مراسم تشییع و تدفین حضرت امام خمینی در تهران اجتماع خواهند کرد یکصد تن نان از 12 استان کشور به تهران ارسال میشود. این مقدار نان با توجه به نیاز مبرم مناطق از طریق گروه های کار نخست وزیری بطور هماهنگ توزیع میشود در این زمینه استانهای مرکزی، اصفهان، سمنان، خراسان آذربایجان شرقی، گیلان، مازندران همدان، کرمان، فارس زنجان و یزد اعلام آمادگی کرده اند.

عدم برگزاری عید نزول تورات

مرجع دینی جامعه یهودیان ایران طی اطلاعیه ای ضمن عرض تسلیت به مناسبت ارتحال حضرت امام خمینی به کلیه هموطنان کلیمی در سراسر ایران ابلاغ نمود که امسال از برگزاری هرگونه مراسم جشن و سرور به مناسبت عید نزول تورات خودداری نمایند.

### **حضور بی سابقه خبرنگاران خارجی برای شرکت در با شکوه ترین تشییع جنازه تاریخ**

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی

بمنظور پوشش گسترده واقعه بسیار مهم خبری رحلت جانگداز قائد اعظم محرومان و مستضعفان جهان طی دو روز گذشته بیش از 70 تن از خبرنگاران عکاسان و فیلمبرداران رسانه های گروهی کشورهای سوریه، هلند برزیل، ژاپن، کانادا استرالیا، فنلاند، ایتالیا فرانسه انگلیس آمریکا آلمان غربی وارد تهران شدند.

ص: 83

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در میان این جمع خبرنگاران و فیلمبرداران تلویزیون ژاپن تلویزیون برزیل تلویزیون هلند تلویزیون کانال دو و پنج فرانسه تلویزیونهای کانادا شبکه های تلویزیونی ای بی سی، سی ان وان بی سی آمریکا و بی بی سی و شبکه تلویزیونی ای تی ان انگلیس، رورنامه گاردین - دیلی تلگراف ساندی تایمز پاری ماچ تایمز لندن، رویتر

فرانس پرس و رادیو فرانسه وجود دارند.

بنا به آخرین گزارش واصله امروز سه شنبه نیز شمار دیگری از خبرنگاران و فیلمبرداران رسانه های گروهی بین المللی وارد تهران خواهند شد.

### **پیام تسلیت رهبران کشورهای جهان به مردم و مسئولان ایران**

پیامهای تسلیت به مناسبت رحلت دردناک امام امت از سوی مقامات سیاسی، مذهبی و علمی کشورهای جهان به مردم و مقامات ایران در سطحی وسیع ارسال شد.

نام برخی از کشورهای تسلیت دهنده از این قرار است ژاپن، چین، کره جنوبی کره شمالی هند سومالی، قطر، بحرین گابن شارجه اندونزی، لبنان، سوریه پاکستان، عمان آلمان شرقی، نیکاراگوئه الجزایر، تانزانیا، لیبی، بلغارستان، بنگلادش، امارات شارجه و ترکیه و نیز جبهه آزادیبخش مورو و مجاهدین انقلاب اسلامی عراق امام جماعت مسجد اردوگاه فلسطینی رشیدیه در جنوب لبنان و دارالسلام، میخائیل گورباچف از شوروی اجلاس اپک با یک دقیقه سکوت و پاپ اعظم طی پیامهای جداگانه مراتب عمیق تأسف و تألم خود را نسبت به فوت حضرت امام خمینی اعلام داشتند.

برخی از شخصیت های علمی دینی و سیاسی که برای شرکت در مراسم تشییع پیکر پاک امام خمینی به تهران آمدند:

\* نخست وزیر سوریه

\* وزیر امور خارجه سوریه

\* معاون اول نخست وزیر و وزیر کشور لبنان

\* عده ای از علمای طراز اول و رهبران مجاهد لبنان و فلسطین

\* عده کثیری از شیعیان پاکستان - لبنان - و دیگر کشورها

\* نماینده ویژه کشور ژاپن

\* رئیس جمهوری پاکستان

\* از رهبران افغانستان

\* وزیر امور خارجه هند

\* وزیر مشاور کویت

\* وزیر مشاور ترکیه

\* رئیس کنگره خلق لیبی

\* وزیر دادگستری عمان

\* اندیشمندان انگلیسی

### **کشورهائی که عزای عمومی اعلام کردند**

\* شیعیان پاکستان 40 روز

\* دولت لبنان 3 روز

\* دولت سوریه 7 روز

\* دولت پاکستان 10 روز

\* دولت هند (راجیو گاندی - نخست وزیر) 3 روز



\* دولت سريلانكا 1 روز

ص: 85

\* حزب اله لبنان 7 روز

\* مسلمانان تاناریو 3 روز

\* مسلمانان کنیا یک هفته

## ارزیابی محافل خبری بین المللی از شخصیت امام

ارزیابی محافل خبری بین المللی از شخصیت تاریخی رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی پس از ارتحال خمینی هرگز سازش نکرد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس بنقل از یکی از خبرنگاران خود که ده سال پیش نیز به اخبار بازگشت حضرت امام به خاک ایران پوشش میداد نوشت: عامل ممتاز بودن (موفق بودن) رهبری امام خمینی (ره) اراده ی او بود که مخالفت های عمومی را متمرکز و هدایت و شاه مورد حمایت آمریکا را سرنگون کرد. این نویسنده اضافه کند (امام) خمینی هرگز سازش نکرد. در چهره او (امام) هیچ نشانی از تردید و آشفتگی درونی دیده نمی شد در تمامی دوران ملتهد انقلاب ایران پیام (امام) خمینی ساده باقی ماند: «شاه باید برود» و هیچ کدام از پیشنهادات متعدد سازش در این زمینه به جایی نرسید.

انگلیس

\* تایمز لندن

خمینی مردی بود که توده ها را با کلام خود مسحور می کرد وی به زبان مردم عادی سخن میگفت و به طرفداران فقیر و محروم خود اعتماد به نفس می بخشید این احساس آنها را قادر ساخت تا هر کسی را که سر راهشان بایستند با مشت از بین ببرند وی به مردم نشان داد که حتی میتوان در برابر قدرتهایی مثل آمریکا ایستاد و نهراسید.

ص: 86

\* دیلی تلگراف

آیت اله خمینی با اتکا به ارزشهای اسلامی و رد نفوذ سیاسی غرب، بخصوص نفوذ آمریکا بود که به این مقام رسید.

\* ایندی پندنت

کمتر دیده شده است که تغییر مسیر تاریخ به عهده یک مرد آن هم دست تنها گذاشته شود و این مأموریتی بود که به عهده آیت اله خمینی گذاشته شد (دقت کنید!)

\* گاردین

نقش آیت اله خمینی در انقلاب عظیمی که در ایران رخ داد بی اندازه مرکزی و مهم بود آیت اله سنگ بنای اصلی این انقلاب بود.

\* هرالد تریبون

آیت اله خمینی انقلابی خستگی ناپذیری بود که تا آخرین لحظه حیات به آرزوی خود برای پیروزی یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در ایران وفادار ماند. امام خمینی در آنچه برای سرزمین باستانی اش میخواست لحظه ای درنگ نکرد، وی خود را مأموری می دانست که می باید ایران را از آنچه فساد و انحطاط غربی میدید، پاک کند و خلوص اسلامی را به ملت بازگرداند.

ژاپن

\* ژاپن تایمز

آیت اله خمینی که در سال 1979 قدرت را بدست گرفت دنیای اسلام را به لرزه درآورد. او توانست ایران را به یک جمهوری مذهبی مبدل سازد و هر دو ابر قدرت را به مبارزه طلبد.

ص: 87

\* هایچی

آیت اله خمینی نه تنها بنیانگذار و راهنمای مذهبی انقلاب اسلامی ایران بود بلکه وی به عنوان نیروی محرکه تجدید حیات بنیادگرایی اسلامی در جهان به شمار میرود.

لبنان

\* السفیر

دهه کنونی را باید عصر خمینی نامید و انشاءاله این عهد پس از رحلت امام نیز باقی بماند، جهان پس از رحلت خمینی جهان قبل از این رحلت نیست چه جهان بدون خمینی جهان دیگری است. خمینی امروز از جهان رخت بر بست ولی خمینی انقلابی باقی است.

\* الدیار

مردی که از عظیمترین رجال قرن حاضر محسوب میشود چشم از جهان فرو بست مردی که با ساده ترین زندگی دنیا را بلرزه در آورد و انقلابی عظیم در ارکان جهان ایجاد نمود که صدای آن همچنان در اذهان تاریخ باقی خواهد ماند.

تانزانیا

\* دیلی نیوز

امام خمینی رهبر و پیشوای مستضعفین ایران و جهان بود همه میدانند که ایشان شخصیتی خستگی ناپذیر برای احقاق حقوق مردم بود انقلابیون ترقی خواه دنیا فقدان این شخصیت بزرگ را در قیام خود برای آزادی مستضعفین احساس میکنند.

ص: 88

امام خمینی با روح بلند و با درک عمیق مسئولیت خود در برابر تاریخ انقلاب بزرگی را علیه شاه که هم پیمان امپریالیزم و صهیونیزم بود به ثمر رساند. امام خمینی با قدرت خلاقه خود کلیه توطئه های استکبار جهانی و صهیونیزم بین المللی را خنثی ساخت.

ترکیه

\* روزنامه زمان

رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی جهان فانی را وداع کرد. وی بدون شک پدر انقلاب ایران بود و در مقام ولایت فقیه به مردم انقلابی ایران راه و رسم چگونه بودن را نیک آموخت. انقلاب ایران به جهان ثابت کرد که دین نیز میتواند پایه های یک انقلاب بزرگ را پی ریزی کند.

\* روزنامه ملی گازته

امام خمینی توانست با حمایت مردم ایران سلطنت 2500 ساله شاهان در ایران را با خاک یکسان کند. او رهبری بود که طی ده سال گذشته نامش بیش از هر رهبر دیگر و با تقدیر شنیده شد امام خمینی در داخل ایران به عنوان ریسمان عشق و محبت تا زنده بود برای ایرانی ها افتخار آفرید و اکنون رحلت وی پنجاه میلیون ایرانی را در ماتم فرو برده است.

امام خمینی رهبری انقلابی دانشمندی مذهبی و یکی از مخالفان راستین ظلم و ستم و بی عدالتی در جهان بود نقش حضرت امام خمینی نه تنها در سقوط رژیم پهلوی پر قدرت ستم شاهی در ایران تبلور یافت بلکه قدرت فکری امام از مرزهای ایران اسلامی نیز به مراتب فراتر رفته و جهانگیر شد.

امام خمینی رهبری بود که زیر بار زور استعمار نرفت و رهبری بود که زمان نظیرش را نخواهد دید وجود امام خمینی نشانه وحدت بین مسلمین بود.

### **پیام روسای جمهور نخست وزیران و شخصیت‌های مذهبی سیاسی جهان**

\* تلگراف شیخ سعید شعبان

شیخ سعید شعبان رهبر جنبش توحید اسلامی در پیامی: گفت امام خمینی عالم عالی مقام قهرمان قرن و معجزه آفرینی است که ایران را از چنگال استعمار و استکبار نجات داد و جنبش بیداری اسلامی جهانی را آغاز و رهبری کرد.

\* بیانات پاپ

پاپ ژان پل دوم؛ روز یکشنبه در مورد شخصیت امام خمینی خاطر نشان کرد که امام یک مرد شایسته احترام و تفکر است. پاپ که در چارچوب دیدار از پنج کشور اروپای شمالی: گفت در مورد شخصیت آیت اله خمینی رهبر سیاسی و مذهبی ایران باید درباره ی آنچه که او در

کشورش و در بخش وسیعی از جهان انجام داده با احترامی عظیم و تقکری عمیق اظهار نظر کرد.

\* پیام وزیر آموزش نیجریه

پرفسور جبر تیل امینو وزیر آموزش نیجریه ضمن مراجعه حضوری به سفارت ایران: گفت امام خمینی رهبر اسلامی همه در این قرن بود.

\* پیام رئیس جمهوری هند

رئیس جمهوری هند: گفت آیت اله خمینی یک ملهم بزرگ و یک رهبر روحانی است.

\* سخنان سید حسن نصراله

سید حسن نصراله از اعضای شورای حزب اله لبنان در حومه جنوبی لبنان گفت ما هرگز از خط جهادگرا نه جدا نخواهیم شد.

\* پیام تراب زمزعی

تراب زمزعی نویسنده ی مسلمان تونس با انتشار پیامی نهضت امام خمینی را روزنه امید صدها میلیون مسلمان و میلیاردها انسان تحت ستم در سراسر جهان دانست این نویسنده در پیام خود افزود وظیفه ی هر مسلمانی مشخص است چرا که راه امام که همانا راه اله بود بر هیچ مؤمنی پوشیده نیست.

\* پیام رهبر حزب راست ترکیه

سلیمان دمیرل رهبر راه راست ترکیه نخست وزیر اسبق این کشور که در آنکارا با خبرنگاران سخن می گفت اظهار داشت: آقای خمینی رهبری نامش طی ده سال گذشته بیش از هر رهبر دیگر جهان شنیده میشد را

شنیدم او همه چیز ایران را در دست داشت و درباره ی او تاریخ قضاوت خواهد کرد.

\* جبهه مبارز خلق فلسطین

جبهه مبارز خلق فلسطین با ارسال تلگرامی به سفارت کشورمان در لبنان عهد بست که راه جهاد امام را در آزادی قدس شریف و تمامی مقدسات اسلام ادامه دهد.

\* اظهارات مفتی بلگراد

مفتی شهر بلگراد امام خمینی را یکی از جذابترین شخصیت‌های این قرن معرفی کرد.

حمدی یوسف اسپاهیچ در این مصاحبه افزود امام خمینی تلاش کرد اسلام را به جهانیان عرضه و از آن حمایت کند

\* پیام رئیس جمهوری تانزانیا

علی حسن مووینی رئیس جمهوری متحده تانزانیا در پیامی امام خمینی را معمار و مشخصه ی انقلابی توصیف کرد و نیز در ادامه افزود که امام در عصر حاضر پیروزی مستضعفان بر مستکبران را به منصفه ظهور رسانده است.

\* تلگرام شیخ محمد مهدی شمس الدین

شیخ محمد مهدی شمس الدین نائب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان با ارسال تلگرامی ادامه پایبندی خود را به خط امام اعلام کرد.



\* ارسال پیامهای مسلمانان هند

حجت الاسلام سید علی نقوی پسر مرحوم سید نقوی از مراجع مشهور هند با حضور در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی اظهار داشت ما شیعیان و مسلمانان هند عهد میکنیم که همیشه به پیام امام خمینی وفادار بمانیم.

\* پیام بینظیر بوتو

پیام بی نظیر بوتو خطاب به مهندس موسوی (نخست وزیر وقت): رهبرانی چون امام خمینی شاید در طول قرنهای یکبار دیده به جهان بکشایند.

\* پیام یکی از علمای برجسته الجزایر

شیخ سحنون یکی از علمای برجسته الجزایر طی پیامی با تأکید کرد بیداری مسلمین مرهون رهبریت امام خمینی در جهان اسلام است.

\* پیام رهبر شیعیان پاکستان

علامه سید ساجد علی نقوی رهبر شیعیان پاکستان اظهار داشت: در این زمان یقیناً نظرات روشن و حیات بخش حضرت امام برای امت اسلامی بعنوان مشعل هدایت بوده و حرکت انقلابی امت اسلام تا اعتلای کلمه الله در جهان ادامه خواهد داشت.

\* اطلاعیه سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب

از سوی کمیته مرکزی حزب اله کرد عراق تلگرامی به محضر حاج سید احمد خمینی مخابره شد به این مضمون که آمادگی حزب اله کرد عراق جهت حراست از اسلام عزیز و مقابله با دشمن اسلام مورد تأکید قرار گرفته است.

ص: 93

این بود گوشه ای از حال و هوای روزهای استقبال از ورود و مشایعت ارتحال امام که با کمال عجز و ناتوانی اعلام می کنیم به هیچ وجه نتوانستیم و نمیتوانیم هزاریک آن را بیان کنیم. الحق این دو واقعه بزرگ تاریخ ایران دو تابلوی بزرگ نقاشی مینیاتور است که اگر چه ما از دور آنها را زیبا و با عظمت میبینیم اما هر چه نزدیکتر میشویم در هر بخشی از آن صدها و هزاران نکته هنری می یابیم که عظمت و شکوه آن را بیشتر و بیشتر می کند. جوانان ایران زمین در طول تاریخ آینده این کشور بایستی بخود ببالند که در کشورشان دورانی گذشته است که مردی از ایران توانسته دنیا را متوجه ایران و اسلام کند و نه تنها در کشور ایران و منطقه که در سراسر دنیا توانست تحولی عمیق در سرنوشت انسانها بوجود آورد. مستضعفین و پابرهنگان را نجات دهد و مستکبرین و ظالمان را به خاک مذلّت بنشانند آیا برای یک ایرانی غرور و افتخاری بالاتر از این هست؟

## بخش ششم: أفضلُ الزُّهدِ إخفاءُ الزُّهدِ

أفضلُ الزُّهدِ إخفاءُ الزُّهدِ

(نهج البلاغه حکمت 28)

ص: 95

أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ

(نهج البلاغه حکمت 28)

بهترین زهد (بی رغبتی به دنیا) پنهان نمودن زهد است.

علامه شهید مطهری (ره) می گوید: «زهد اسلامی در عین اینکه مستلزم انتخاب زندگی ساده و بی تکلف است و براساس پرهیز از تنعم و تجمل و لذت گرائی است در متن زندگی و در بطن روابط اجتماعی قرار دارد و عین جامعه گرائی است و [زهد] برای خوب از عهده ی مسئولیتها برآمدن است.

البته چنین زهدی را زاهد واقعی اظهار نمیکند و چه بسا ظاهر آراسته او مردم را به اشتباه می اندازد و امام در جمله دیگر می فرماید  
«أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْإِمْحَارِمِ»

(خطبه 81)

ای مردم زهد کوتاهی آرزو و سپاسگذاری هنگام نعمت و پارسائی نسبت به محرّمات است.

\*\*\*

ص: 96

یقیناً یکی از زاهدترین مردان زمان معاصر حضرت امام خمینی (ره) بودند که علیرغم تسلط بر قلب میلیون‌ها انسان در سراسر کره خاکی در کمال سادگی زندگی میکردند، نکته حائز اهمیت این است که امام خمینی (ره) زهد واقعی اسلامی را همچون دیگر فضائل اخلاقی در چهار چوب اسلام ناب محمدی تعبیر و تفسیر و عمل کردند و از مسیر غیر حق آن که کناره‌گیری کورکورانه از دنیا است خارج نمودند به این نکته بایستی خوب توجه کرد که امام خود مبارزه سختی با زهد به معنی عُزَلت و گوشه نشینی را آغاز کردند و بخصوص در ابتدای نهضت از این گونه زهد انتقاد کردند و آن را غیر اسلامی و غیر شرعی خواندند.

## کلام امام

به این جملات دقت کنید:

امام در بخشی از نامه ای خطاب به آقای ناطق نوری می فرمایند:

«باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجرگرایی اسلام آمریکائی جدا کرده و به مردم و مستضعفان نشان دهیم ما اگر توانستیم نظامی برپایه ی نه شرقی نه غربی و اسلام پاک منزّه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نمائیم انقلاب پیروز شده است. (صحیفه امام ج 21 ص 143)

در جائی دیگر میفرمایند:

«چه بسا یک آدم زاهد متقی در طول عمرش به زهد و تقوا معروف باشد و شیطان یک گوشه ای از دل او را ربوده باشد که همه ی این اعمال و این زهد و تقوا همه و همه نابود بشوند.» (صحیفه امام ج 1 ص 462)

امام هیچ توجهی به دنیا برای بهره برداری مادی بِنفع خودشان نداشتند و در کمال سادگی زندگی می کردند خاطرات فراوانی در این زمینه هست که ما از صدها، نمونه تنها به چند خاطره کوتاه اکتفا می کنیم.

ص: 97

## خاطره: امام در نجف

«حاج آقا احمد (رحمة اله عليه) فرزند برومند امام می گفت امام در نجف وقتی وارد اطاق کوچک خودشان میشدند عبا و قبای خود را «تا» میکردند و در گوشه اطاق روی هم گذاشتند و سپس عمامه را روی آن قرار میدادند جورابه‌های خود را میشستند و در گوشه ای قرار میدادند تا خشک شود این رویه امام بود در دروران زندگی ایشان در نجف به تهران و جماران هم که آمدیم عیناً به همین صورت عمل میکردند در اطاق کوچک خود لباسها را به همین صورت قرار میدادند.

یعنی خمینی دوران طلبگی دروان مرجعیت و رهبری و امامت و حکومت از نظر مسائل شخصی هیچ تفاوتی نکرد و این به معنی زهد واقعی اسلامی است

## خاطره: اطاق کوچک امام

بنده منزل امام در نجف اشرف را پس از سقوط صدام و در یک سفری که به نجف مشرف شدم دیدم منزل امام در جماران تهران را هم که چند جلسه ملاقات با امام داشتم دیدم میتوان گفت تقریباً از نظر مساحت یکی بود و حتی منزل جماران گرچه ساختمان بهتری داشت ولی از نظر مساحت کمتر بود که بیشتر نبود من افتخار پیدا کردم که چند مرتبه در همین خانه کوچک به دیدار آن خورشید عالمتاب بروم و از فیض وجودی وی بهره بگیرم این خانه ای که از نظر مساحت کوچک و محقر بود از نظر معنویت پایگاهی عظیم به شمار میرفت قلب میلیونها انسان آزاده و آزادیخواه از سراسر دنیا متوجه این کلبه زاهدانه و عارفانه بود.»

## خاطره: خرید گوشت

«در روزهای نخستین سکونت امام در جماران تهران روزی خادم منزل امام برای خرید گوشت به مغازه قصابی محل مراجعه و در نوبت قرار می‌گیرد قصاب به احترام امام گوشت درخواستی ایشان را زودتر می‌دهد خادم مطلب را به امام منتقل میکند امام خمینی قصاب را می‌خواهند و به او میگویند تا زمانی که من در این محله و این خانه هستم اگر کوچکترین تفاوتی بین من و دیگران قرار دادی تو را در قیامت نمی‌بخشم. با ما بایستی همانگونه رفتار کنی که با دیگر اهالی جماران رفتار میکنی.»

سراسر زندگی امام (ره) همین گونه بوده است و اگر بخواهیم مطالبی از این دست را بنویسیم بایستی تمامی لحظات عمر شریف آن رادمرد تاریخ بشریت را نگارش کنیم ما در ذیل این حکمت مولایمان امیرمؤمنان علی که فرمودند: برترین زهد پنهان کردن زهد است.

میخواهیم عرض کنیم امام خمینی با این زهد و تقوا هرگز در اجتماعات و برخوردهای شخصی تظاهر به زهد نکردند، بلکه آن گونه ظاهر میشدند که افراد بیگانه با مشی امام تصور میکردند ایشان در بهترین شرایط مادی زندگی می‌کنند.

## خاطره: تحت تاثیر شخصیت امام

یکی از آشنایان بنده که میانه خوبی با انقلاب و امام نداشت در سال 1367 به من گفت رادیوهای بیگانه گفتند یک بیمارستان چند میلیارد تومانی اختصاصی در جماران برای [امام] خمینی ساخته اند، و بجای اینکه این هزینه را صرف مستمندان و فقرا بکنند در کنار کاخ [امام] خمینی در دهکده جماران صرف بیمارستان خصوصی او کرده اند.

همین شخص در سال 1384 همراه با عده ای از شخصیت های اصفهانی از منزل امام در جماران دیدن کرد پس از این بازدید بشدت تحت تأثیر قرار گرفته بود و میگفت من هرگز تصور نمی کردم کسی که توانست دنیا را تغییر دهد در خانه ای به این کوچکی زندگی کند

### **خاطره: حسینیه جماران**

حسینیه جماران در کنار منزل امام قرار داشت تا شیفتگان جمال دل آرای او در این مکان با ایشان ملاقات، کنند بنده مرتباً در ملاقاتهای عمومی همراه با مسئولین به خدمت امام در این محل شرفیاب میشدم کف حسینیه با گلیم فرش شده بود و دیوارهای حسینیه بصورت گچ و خاک بود هنوز سفید نشده بود امام تا در قید حیات بودند اجازه ندادند کوچکترین هزینه ای برای این حسینیه انجام شود فیلمهای بجا مانده از آن زمان گویای صادق این مطلب است.

### **خاطره: امام و عصا**

امام بیش از 90 سال عمر کردند و طبیعی است که یک فرد عادی بدون دغدغه های سیاسی و حکومتی در این سن و سال شکسته میشود و در رفت و آمدها از «عصا» استفاده می کند امام نیز در زندگی شخصی و پیاده رویهای خود از «عصا» استفاده می کردند اما تا آخرین روزهایی که برای دیدار با مردم در حسینیه جماران حاضر میشدند از «عصا» استفاده نکردند مبادا دوستان افسرده و دشمنان دلشاد شوند که خمینی قهرمان در حال ضعف و ناتوانی است (دقت کنید)

ص: 100



«تَقْيِدُ امام به عطر زدن تا آخرین روزهای عمر نمونه دیگری از اخفای زهد امام بود بنده خاطره خود با امام در یکی از ملاقاتهای خصوصی را در کتاب «خاطرات آموزنده» ذکر کرده ام که بسیار شنیدنی و آموزنده است و از تکرار آن در اینجا خودداری میکنم»

حدیث

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ زَيَّنَكَ بِزِيَّةٍ - لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، بَغَضَ إِلَيْكَ الدُّنْيَا، وَزَهَّدَكَ فِيهَا، وَحَبَّبَ إِلَيْكَ الْفُقَرَاءَ فَرَضِيَتْ بِهِمْ أَتْبَاعاً - وَرَضُوا بِكَ إِمَاماً

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ای علی! خدای تعالی تو را به زیوری آراسته که محبوب ترین زیور بندگان نزد اوست: تو را به دنیا بی اعتنا کرد و آن را منفور تو ساخت و محبت تهیدستان را در دل تو نهاد؛ پس تو به داشتن پیروانی چون آنان خرسندی و آنان به داشتن امامی چون تو.

(میزان الحکمه ج 5 / 7689)

چنانچه با دقت به این کلام نورانی پیامبر عظیم الشان اسلام توجه کنیم در می یابیم که هر چهار مورد در باره امام خمینی (ره) نیز صادق است اگرچه درجات آن متفاوت است

ص: 101

جمله ی اول: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَيَّنَّكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ هِيَ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْهَا

خدای تعالی تو را به زیوری آراسته که محبوبترین زیور بندگان نزد اوست

در این جمله موضوع زیور و زیبایی زاهد واقعی در پیشگاه خداوند متعال است که ما از تشخیص و درک آن عاجزیم و نمیدانیم این زینت چی است؟ اما هر چه باشد چون اثرات و نشانه های مردمی و دنیوی نیز دارد ما از ظواهر امر درک میکنیم که محبوبیت مردان بزرگ الهی در دل مردم نشانه ایست از محبوبیت آنها در درگاه ربوبی و این چیزی است که در زمان امام خمینی (ره) همه ی مردم ایران بلکه جهانیان نسبت به ایشان ابراز کرده و می کنند.

خاطراتی از مردم و دانشمندان و مبارزین کشورهای دیگر

### خاطره: خانم هندی

در سال 1362 یکی از دوستان نقل کرد؛ ما به کشور هندوستان رفتیم. در آنجا از مرکز دهلی به قصد یکی از شهرهای هند با اتومبیل سواری حرکت کردیم. من یک عکس از امام همراه داشتم با اظهار علاقه ی راننده هندی عکس را به راننده دادم. وی عکس امام را پشت شیشه اتومبیل نصب کرد در بین راه در محلی برای استراحت ایستادیم و به داخل یک فضای سبز رفتیم پس از دقایقی وقتی برگشتیم که سوار اتومبیل شویم دیدیم یک زن هندی جلو اتومبیل ایستاده و با شیوه ی احترام هندوها به اتومبیل تعظیم می کند ابتدا فکر کردیم اتومبیل برای او تازگی دارد و او به اتومبیل احترام میگذارد. از راننده و مترجمی که همراه

ما بودند مسئله را جويا شدیم خانم هندی گفت من به این عکس احترام می گذارم این عکس امام خمینی است.

از وی پرسیدم مگر شما ایشان را میشناسی؟

گفت: بلی او را میشناسم.

گفتم: به چه دلیل او را دوست داری و احترام میگذاری؟

خانم هندی گفت: ما معتقدیم او آمده تا همه ی انسانها را از فقر و فلاکت نجات دهد و او ما را هم نجات خواهد داد و به این دلیل او را دوست داریم و به او احترام میگذاریم

جمله یدوم: زَهْدَكَ فِيهَا، وَبَعْضَهَا إِلَيْكَ

تورا به دنیا بی اعتنا کرد و آن را منفور تو ساخت

بی اعتنائی امام خمینی (ره) به دنیا و زر و زیور آن آنقدر مشهود است که نیازی به بیان ندارد. امام در تمام عمر زی طلبگی خود را حفظ کردند و هیچگاه فریب دنیا را نخوردند، و پیوسته به دیگران بخصوص روحانیون و مسئولین مملکتی توصیه میکردند که زی طلبگی را از دست ندهند.

### کلام امام: ساده زیستی

به این جملات توجه کنید:

یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند آن چیزی که روحانیت را پیش برده و تا حالا حفظ کرده است این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی ساده زندگی کردند آنهایی که در بین مردم مورد توجه بودند که حرف آنها را میشنیدند آنها ساده زندگی کردند.

## خاطره: تقسیم دارایی امام بین مستمندان

تنها دارایی امام خمینی مقداری زمین کشاورزی در اطراف شهر خمین بود که از پدر به ایشان به ارث رسیده بود امام طی حکمی از آقای جلالی خمینی خواستند که این اراضی را بین فقرا و مستمندان منطقه تقسیم کنند.

نامه ی آقای جلالی خمین به امام و دستور امام به ایشان به این شرح است. [بسمه تعالی محضر مکرم حضرت آیت الله العظمی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (مدظله العالی)

پس از سلام زمینهایی که در خمین متعلق به حضرتتعالی میباشد خانه در او ساخته نشده چنانچه رهنمود و دستوری هست

بیان فرماید الأحقر، جلالی خمینی ]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای جلالی - دامت افاضاته

جنابعالی وکیل هستید زمینهای متعلق به اینجانب را هر چند ناقابل است هر طور صلاح میدانید تقسیم کنید بین فقرا و تملیک آنان نمایید چه ساختمان شده باشد یا نشده باشد.

30 رجب 1405 / 1 اردیبهشت 64

روح الله الموسوي الخميني

حضرت آیه الله العظمی خمینی دام ظلّه العالی با تقدیم سلام به عرض میرساند: اینکه در شهر کاشمر مسلمانی به نام محمد علی قدس تمام دارایی خود را اعم از منقول و غیر منقول به حضرتتعالی اهدا نموده و اسناد رسمی هم تنظیم شده است. فعلاً احتیاج به امضای خود یا وکیل و نماینده ی حضرتتعالی دارد و نسبت به مصرف آن به هرکس و به هر نحو دستور فرماید.

شهر صیام - سید کاظم حسینی میانجی

ص: 104

بسمه تعالی بعد التّحیة. او مردی است پیر و فرتوت و صاحب ثروت بی‌شمار؛ لکنّه جَمَعَهُ مِنْ حلاله و حرامه، به فکر افتاده اموال خود را طبق اراده ی آن جناب بذل کند. اگر صلاح بدانید آقای حسینی را که مردی فاضل و متقی و اعزازی جامعه مدرسین است یا کس دیگر را وکالت دهید اموال را به نام هر کسی که امر میفرماید به ثبت برساند. 58/5/11. الأقداد علی مشکینی ]

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین آقای آقا سید کاظم حسینی میانجی از طرف اینجانب وکیل هستند اسناد مزبور را امضا نموده و اموال فوق را صرف امور خیریه و عمران و آبادی و مستضعفین محل بنمایند.

روح الله الموسوي الخميني

جمله سوم؛ وَ حَبَّ إِلَيْكَ الْفُقَرَاءُ

محبت تهیدستان را در دل تو نهاد

امام خمینی (ره) در مورد دوستی و محبت نسبت به فقرا و تهیدستان مطالبی دارند که انصافاً بینظیر و بی بدلیل است. امام خمینی (ره) در حدّ عشق به فقرا و مستمندان پیش رفتند و یکی از اصلی ترین اصول انقلاب خویش را رسیدگی به حال نیازمندان جامعه می دانستند در بیانات امام و همچنین نوشته ها و فرامین آن بزرگوار این موضوع موج میزند. به طوری که می توان گفت پس از دعوت به معنویت و خدا پرستی در هیچ امری به این اندازه تأکید و اصرار نداشته اند.

ص: 105

به این جملات که یکی از هزاران مورد است توجه کنید:

... اسلام نیامده که ظلم به ضعفا بکند اسلام آمده است که ضعفا را پرستاری بکند خدمت به ضعفا بکند اسلام از توی ضعفا پیدا شده است از اغنیا که پیدا نشده از این گداهای مدینه و مکه اسلام پیدا شد؛ از این بیچاره ها و ضعیفها اسلام پیدا شده است و انبیای دیگر هم همین طور بودند؛ هیچ کدام اشراف نبودند که طرفدار اشراف باشند. اینها از همین ضعفا هستند و از بین همین توده ها پیدا شدند و طرفدار همین توده ها هم هستند و نمیگذارند ظلم به اینها بشود.

صحیفه امام ج 5 ص 216

جمله چهارم؛ فَرَضِيَتْ بِهِمَّ اَتْبَاعًا

پس تو به داشتن پیروانی چون آنان خرسندی

امام خمینی (ره) پس از اتکال به خداوند متعال بر نیروی عظیم توده های مردم تأکید بسیار داشتند و بخصوص با یک مرزبندی مشخص توده های فقیر (پابرهنه) را از مرفهین بی درد جدا کردند و پیوسته به این توده های عظیم مردمی توجه داشتند و به آنها عشق می ورزیدند و همیشه خرسندی و رضایت خویش را از همراهی مردم ابراز می کردند.

خاطره: سفر مقام معظم رهبری به کشورهای جهان

مقام معظم رهبری حضرت آیه اله خامنه ای خلف صالح امام خمینی می فرمودند: در برگشت از یک سفر خارجی که از چند کشور بازدید کرده بودم خدمت امام رسیدم و در ضمن گزارش سفر عرض کردم تقریباً هیچ دولتی از دولتهای دنیا با ما نیست.

ص: 106

امام فرمودند: ولی ملتها با ما هستند (و ما با ملتها)

به این جملات توجه کنید:

امام خطاب به شاعری که شعری در مدح ایشان سروده بود

می فرماید

بہتر است شما برای پابرنه ها شعر بگوئید و آنان کہ فداکاری کرده اند.

(صحیفه امام ج 6 ص 218)

در جائی دیگر میگوید:

به نظر من بیشتر انقلابیون؛ یعنی آنها که نیروی عظیم و کوبنده ی این انقلاب بودند مردم غیر مرفه بودند؛ کسانی که بیشترین کشته ها را دادند و با نیروی ایمان واقعی و اعتقاد راسخ باعث پیروزی انقلاب شدند همان کسانی بودند که به هیچ وجه اشرافی و مرفه نبودند و از طبقه ی پابرنه بودند من دستور دادم که اموال شاه، چه آنها که در داخل ایران است و چه آنها که در خارج پس از مصادره؛ فقط و فقط بین بی بضاعتها و مستمندان تقسیم شود و این پولها را صرف خانه سازی و دیگر وسایل رفاهی این مردم بکنیم

(صحیفه امام ج 6 ص 297)

ص: 107

جمله پنجم؛ و رَضُوا بِكَ إِمَاماً

و مستمندان به داشتن امامی چون تو راضی هستند.

به یقین می توان گفت در طول تاریخ هیچ پیامبری و هیچ رهبری به اندازه ی امام خمینی (ره) طرفدار هواخواه و فدائی نداشته است بخصوص که توده های میلیونی طرفدار امام تا آخرین لحظات عمر شریف امام و حتی بعد از ارتحال آن روح الهی به میثاق و عهد خود پایبند ماندند و از دست آورد او که انقلاب عظیم اسلامی بود دفاع و پاسداری کردند.

### خاطره: شبی با شهریار

در سال 1362 شبی با شهریار شاعر بزرگ و غزلسرای توانمند معاصر بودم از وی پرسیدم زیباترین شعری که در طول عمر خود خوانده و دیده ای چی است؟ سری تکان داد و گفت:

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

به او گفتم استاد براستی این زیباترین شعری است که شنیده اید.

شهریار: گفت مگر نه این است که حرف چون از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

شما چه حرف دل و چه شعری را در طول تاریخ ادبیات ایران و جهان می شناسید که میلیونها انسان از سویدای دل بسرایند پس زیباترین شعر همین است.

«خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.»



هزاران بلکه میلیونها بیان عاشقانه از مردم سراسر جهان در مورد امام بیان شده است که خود ادبیاتی سرشار از عشق و محبت و ایمان به آن مرد بزرگ و آن رهبر فرزانه است.

بدیهی است که نمیتوان هزار یک آنها را در یک مجموعه جمع آوری کرد آنچنان توده های مردم در سراسر جهان به خمینی عزیز عشق می ورزیدند که با هیچ شخصیتی بعد از پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت و امام حسین قابل قیاس نیست و صد البته که خود این عشق و ابراز محبت بدان جهت است که امام خمینی (ره) خود عاشق و واله ی حسین علیه السلام است و خود را شیعه و جیره خوار خوان گسترده ی امام حسین علیه السلام می داند. هزاران نفر در سراسر جهان اسم فرزندان خود را خمینی گذاشتند.

اسم روح اله در سالهای انقلاب و بعد از آن فراوان بر نوزادان پسر گذارده شد.

بنده افتخار میکنم که قبل از پیروزی انقلاب تنها پسر خود را روح اله نامیدم.

اینک به چند جمله از سخنان مردم گوشه و کنار جهان توجه: کنید

جرج جرداق درباره امام خمینی (ره) می گوید در عظمت شخصیت این بزرگ هیچ تردیدی ندارم در واقع ایشان با ویژگی های بارز خویش جهان اسلام و عرب را با اقدامات آزادی خواهانه و نهضت اسلامی خود که اینک همه پایتخت های جهان اسلام و عرب را در نوردیده تحت تأثیر قرار داده است.

امام خمینی (ره) نیروی عظیمی در ایجاد خود باوری در انسانها بود. او اندیشه ای آزاد و گسترده داشت که ملت و امتی را در جهت برقراری حکومت عدل الهی رهنمون ساخت.

امام خمینی (ره) در مدت کوتاهی توانست میراث عظیمی از خاطرات عواطف، آمادگی ها و روحیات انقلابی به یادگار گذارد. (1)

منبع: ویژه نامه عید سعید فطر (راه مردم)

جرج جرداق دانشمندی است مسیحی که در سال 1926 میلادی در جنوب لبنان به دنیا آمد. قبیله ی او از

ارادتمندان به حضرت علی می باشد و بر سر در خانه های خود جمله ی لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار را بر روی سنگ حک کرده و نصب میکنند.

ص: 110

---

1- جرج جرداق در دوازده سالگی با نهج البلاغه آشنا شد و بخش هائی از آن را حفظ کرد. در 13 سالگی اولین اثر ادبی خود را منتشر کرد در 17 سالگی چند جلد کتاب در زمینه موسیقی و فلسفه نوشت. در 27 سالگی کتاب ارزشمندی امام علی صدای عدالت را نوشت که در سال 1958 میلادی منتشر شد این کتاب در جهان اسلام اعم از شیعه و سنی پر آوازه شد بنحوی که استاد توفیق ابراهیم درباره ی آن نوشت این کتاب عالیترین شاهکاری است که به جهان عرب اهدا گردیده و بزرگترین خدمتی است که به لبنان و میراث عرب شده است. وی تا حال کتابهای زیادی تألیف نموده است و از نظر علمی و ادبی شخصیتی است مورد احترام تمام جهان عرب و مسیحیت.

در این بخش شایسته است که این بیان نورانی پیامبر اکرم را که در مورد علی علیه السلام فرمودند و در شأن امام خمینی (ره) نیز صادق است بیاوریم که فرمودند:

یا علی دوست نمیدارد تو را مگر مؤمن و دشمن نمیدارد تو را مگر منافق.

و صد البته نایستی انتظار داشت که مستکبران و ظالمان و منافقین در مورد امام خمینی (ره) کلامی به شایستگی بگویند و از آن مرد الهی به نیکی یاد کنند زیرا آنها شایسته ی آن نیستند و در مقابل آینه ی تمام نمای حق و حقیقت امام خمینی (ره) بایستی ماهیت زشت و فطرت ناپاک خویش را نشان دهند تا مرز بین حق و باطل روشن شود.

در پایان این بخش به عنوان حسن ختام به این حدیث شریف پیامبر اکرم توجه فرمائید و آنگاه بیندیشید که چقدر مفاد این کلام نورانی در وجود امام خمینی بروز و ظهور داشته است. (دقت فرمائید)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: في قوله تعالى: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» - : إن النور إذا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انْفَسَحَ لَهُ و انشَرَخ. قالوا: يا رسول الله، فهل لذلك علامةٌ بها؟ قال: التَّجَافَى عَنِ دَارِ الْغُرُورِ و الإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ، و الاستعدادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَوْتِ

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: درباره ی آیه ی آیا کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام فراخ گرداند و در نتیجه نوری از سوی پروردگارش دارد»، فرمود: این نور هرگاه در دل بیفتد دل برایش باز شود و فراخ گردد.

عرض کردند ای رسول خدا آیا برای شناخت این امر نشانه ای هم هست؟

فرمود دوری کردن از سرای فریب و روی آوردن به سرای جاودانی و آماده شدن برای مرگ پیش از فرارسیدن مرگ

(میزان الحکمه ج 5 / ح 7752)

ص: 112

**بخش هفتم: رَسُولُكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ، وَكِتَابُكَ ...**

رَسُولُكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ، وَكِتَابُكَ أْبْلَغُ مَا يَنْطِقُ عَنْكَ!

(نهج البلاغه حکمت 301)

ص: 113

رَسُولُكَ تَرْجَمَانُ عَقْلِكَ، وَكِتَابُكَ أْبْلَغُ مَا يَنْطِقُ عَنْكَ!

(نهج البلاغه حکمت 301)

فرستاده تو بیانگر عقل تو و نامه تو گویا و رساترین گفتار توست.

در مثل آمده که «الرسول علی قدر المرسل» مرتبت فرستاده به اندازه فرستنده است و ابن ابی الحدید در شرح این دو بیت را آورده است:

تَخَيَّرَ إِذَا مَا كُنْتَ فِي الْأَمْرِ مُرْسِلًا \*\*\* فَمَبْلُغُ آدَاءِ الرِّجَالِ رَسُولُهَا

وَرَوَّ وَفَكَرَّ فِي الْكِتَابِ فَأَنَّمَا \*\*\* بِأَطْرَافِ أَفْلَامِ الرِّجَالِ عَقُولُهَا

هرگاه برای کاری رسولی می فرستی نیکو برگزین که رسول مردان تعیین کننده ارزش آراء آنان است و در نامه ای که مینویسی خوب بیندیش که خرد مردان در اطراف خامه های آنان است.

در تاریخ اسلام داستان فرستادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیات سوره براءة را برای کفار قریش به وسیله ابی بکر و ابلاغ فرمان الهی به پیامبر اکرم که باید این آیات را یا خودت و یا کسی که به منزلت توست بر کفار قریش بخواند شاهد رسائی برای این کلام مولی است.

\*\*\*

ص: 114

فرستادن نامه بین رهبران و سیاست مداران و علما امری است مرسوم که اکثراً به دست رهبران و بزرگان در طول تاریخ صورت گرفته و نمونه های آن ثبت شده است این نامه ها گاهی برای ترساندن حریف و هشدار برای حمله نظامی بوده. گاه برای به اطاعت کشاندن قدرتی دیگر و در مواقعی نیز نشان دهنده ی دوستی و حسن همجواری و ابراز محبت بین دول و سران آنها بوده است. بسیاری از آنها از اهمیت زیادی برخوردار نبوده ولی گاهی هم منشأ تحولات - جنگها - لشکر کشی ها و حتی تغییر مرزهای جغرافیائی شده است. در بین همه ی آنها نامه هایی که رهبران الهی و پیامبران و امامان فرستاده اند بیش از همه تحوّل ایجاد کرده و گرچه مواقعی در ابتدا با مخالفت هائی هم روبرو شده ولی پس از مدتی منشأ تحولات و دگرگونی های اساسی شده است و یا در طول تاریخ راهنمای اهل حق و رهروان راستین آنها شده است.

در تاریخ اسلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم بارها نامه هایی برای رؤسای قبائل و افراد متنفذ فرستاده اند و آنها را به دین اسلام دعوت کرده اند که معروفترین آنها شش نامه ای است که برای دو ابر قدرت زمان خود یعنی ایران و روم و نیز استاندار مصر نجاشی زمامدار حبشه و حاکمان شام و یمامه فرستادند.

آیت اله جعفر سبحانی در کتاب ارزشمند «فروغ ابدیت» تعداد نامه های ارسالی پیامبر را 185 نامه ذکر میکند که مهمترین آنها شش نامه ای است که ذکر شد. (1)

امام خمینی (ره) در زمان خود نامه های متعددی به علما - دانشگاهیان - اصناف مردم و سران کشورها فرستادند که بررسی این نامه ها نیز بسیار

ص: 115

---

1- علاقمندان برای بررسی بیشتر به کتاب فروغ ابدیت جلد 2 مراجعه کنند.

جالب است و دستیابی به دیدگاه های امام از طریق نامه های ایشان خود موضوعی قابل بررسی و تعمق می باشد.

یکی از مهمترین نامه هایی که امام خمینی (ره) ارسال کردند نامه ای است که به «گورباچف» رهبر وقت کشور جماهیر شوروی فرستادند. شوروری در آن زمان یکی از دو ابرقدرت بزرگ جهان بود و تنها نیروی نظامی مقابل آمریکا به شمار میرفت.

نامه ی امام خمینی (ره) در سال 1367 به رهبر شوروی از جهاتی با نامه های پیامبر عظیم الشان اسلام در سال هفتم هجری که برای ابر قدرتهای زمان خود در یک روز فرستادند شباهت دارد که در خور تأمل است.

اول: پیامها حاوی مطالب و معارف الهی است و دعوت به یکتاپرستی نموده و هیچ جنبه ی مادی ندارد.

دوم: نامه ها پس از قبول یک صلح صورت گرفته در زمان پیامبر «صلح حدیبیه» و در زمان امام خمینی (ره) قبول «قطعنامه 598 سازمان ملل» و پایان جنگ تحمیلی.

سوم: پیامها در زمانی نوشته شده که مردم ظاهر بین تصوّر می کردند مسلمین و رهبران آنها (پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم و امام خمینی(ره)) در موضع ضعف می باشند.

چهارم: هر دو واقعه (صلح حدیبیه و قبول قطعنامه) مخالفینی داشت و عده ای را به واکنش منفی در مقابل رهبر الهی واداشت.

پنجم: نامه ها توسط شخصیت های ارزنده ای با ویژگیهای مناسب زمان ارسال شده است.

ششم: در نامه ها پیش بینیهای رهبران الهی از آینده ی حکومت ها شده است.



هفتم: خداوند متعال در نامه ها اثری قرار داده که منافع آن به زودی شامل حال بشریت شده است.

هشتم: مفاد نامه ها دعوت به اسلام به عنوان آئین برتر و دین مورد نظر خداوند متعال و بهترین راه رستگاری انسانها می باشد.

نهم: مفاد نامه ها طرفداری اسلام از صلح جهانی - همزیستی مسالمت آمیز و عقاید منطبق بر عقل و استدلال را بیان می کند و نظریه ی دشمنان اسلام که آنرا یک مذهب جنگ طلب و خشونت آمیز معرفی می کند را رد می کند.

دهم: و بالاخره جواب های مخاطبین نامه ها به فرستنده ی نامه حائز اهمیت است.

و ما اینک هر مورد را به صورت اختصار بیان میکنیم و پژوهش بیشتر را به عهده خوانندگان میگذاریم

## اول: محتوای معنوی نامه ها:

نامه ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم اسلام به «هرقل» قیصر پادشاه روم

(نامه ایست) از محمد فرزند عبدالله به «هرقل» بزرگ روم، درود بر پیروان هدایت، من ترا به آئین اسلام دعوت میکنم؛ اسلام آور تا در امان باشی، خداوند به تو دو پاداش میدهد (پاداش ایمان خود و پاداش ایمان کسانی که زیر دست تو هستند) اگر از آئین اسلام روی گردانی گناه «اریسیان» نیز بر تو است؛ ای اهل کتاب ما شما را به یک اصل مشترک دعوت می کنیم: غیر خدا را نپرستیم کسی را انباز او قرار ندهیم بعضی از ما بعضی دیگر را به خدائی نپذیرد (هرگاه ای محمد) آنان از آئین حق سر برتافتند بگو گواه باشید که ما مسلمانیم. (1)

(آل عمران /64)

نامه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اسلام به خسرو پرویز کسری بزرگ ایران

از محمد فرستاده خداوند به کسری بزرگ ایران؛ درود بر آن کس که حقیقت جوید؛ و به خدا و پیامبر او ایمان آورد؛ و گواهی دهد که جز او خدائی نیست و شریک و همتائی ندارد و معتقد باشد که «محمد» بنده و پیامبر او است. من به فرمان خداوند ترا به سوی او میخوانم او مرا به هدایت همه مردم فرستاده است تا همه مردم را از خشم او بترسانم و حجت را بر کافران تمام کنم،

اسلام بیاور تا در امان باشی و اگر از ایمان و اسلام بر تافتی گناه ملت مجوس برگردن تو است.» (2)

ص: 118

---

1- متن عربی را میتوانید در متون اسلامی بیابید. همچنین جلد دوم «فروغ ابدیت» صفحه 211 و ص 616

2- همان منبع

نامه ی پیامبر رحمت به حاکم مصر

به نام خداوند بخشنده مهربان: نامه (ایست از محمد فرزند عبدالله به «مقوقس» بزرگ قبطیان درود بر پیروان حق من ترا به آئین اسلام دعوت میکنم اسلام آور (تا از خشم خداوند) در امان باشی، اسلام آور تا خداوند بتو پاداش بدهد و اگر از آئین اسلام روی گردانی گناه قبطیان نیز بر تو است:

«ای اهل کتاب ما شما را به یک اصل مشترک دعوت می کنیم: غیر خدا را نپرستیم کسی را انباز او قرار ندهیم و نباید برخی از ما بعضی دیگر را به خدائی بپذیرد (هرگاه ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم) آنان از آئین حق سر بر تابند، بگو گواه باشید که ما مسلمانیم. (1)

\* نامه ی پیامبر اسلام به نجاشی زمامدار حبشه

به نام خداوند بخشنده مهربان؛

نامه ایست از محمد رسول خدا به نجاشی زمامدار حبشه درود بر شما! من خدائی را که جز او خدائی نیست ستایش میکنم خدائی که از عیب و نقص منزّه است و بندگان فرمانبردار او در امانند و او به حال بندگان ناظر و گواه است. گواهی میدهم که عیسی فرزند مریم روحی است از جانب خدا و کلمه ایست که در رحم مریم زاهد و پاکدامن قرار گرفته است. خداوند با همان قدرت و نیروئی که آدم را بدون پدر و مادر آفرید او را نیز بدون پدر در رحم مادرش به وجود آورد.

ص: 119

من ترا به سوی خدای یگانه که شریک ندارد دعوت می کنم، و از تو می خواهم که همیشه فرمانبردار او باشید و از آئین من پیروی نمائید؛ ایمان به خدائی آورید که مرا به رسالت خود مبعوث فرمود.

«زمامدار حبشه» آگاه باشید که من پیامبر خدا هستم من شما و تمام لشگریان ترا به سوی خدای عزیز دعوت میکنم من به وسیله این نامه و اعزام سفیر به وظیفه خطیری که بر عهده داشتم عمل کردم و ترا پند و اندرز دادم، درود بر پیروان هدایت.

این بود متن نامه های پیامبر اسلام و اینک نامه ی فرزند و پیرو آن نامه های پیامبر الهی که به دنبال همان مأموریت و رسالت در دعوت سران به پیروی از مکتب حیاتبخش اسلام و تنها ضامن رستگاری بشریت برای ابر قدرت بزرگ زمان خود یعنی میخائیل گورباچف رهبر شوروی فرستادند:

## نامه امام به گورباچف

متن نامه امام خمینی (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای گورباچف صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شوروی

با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی از آنجا که پس از روی کار آمدن شما چنین احساس میشود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته اید، و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان چه بسا منشأ تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد لازم دیدم نکاتی را

ص: 120

یادآور شوم، هر چند ممکن است حیطة ی تفکر و تصمیمات جدید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره ای از مشکلات مردمتان باشد ولی به همان اندازه هم شهامت تجدید نظر در مورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است و اگر به فراتر از این مقدار فکر میکنید، اولین مسئله ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر «خدازدایی» و «دین زدایی» از جامعه که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است تجدید نظر نمایید؛ و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست البته ممکن است از شیوه های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه ی اقتصاد باغ سبز دنیای غرب بنماید ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید نه تنها دردی از جامعه ی خویش را دوا نکرده اید که دیگران باید ببینند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن بست رسیده است دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور اعتقاد شما مسئله ی مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.

جناب آقای، گورباچف برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است، مادی و با مادیت نمیتوان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است به در آورد.

حضرت آقای گورباچف ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این هم در مصاحبه ها اعتقاد کامل خودتان را ابراز کنید؛ ولی خود میدانید که ثبوتاً اینگونه نیست رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد و شما دومین و علی الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً میخواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه های پوسیده ی هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهره ی تاریخ و کشور خود بزدايید امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت، کمونیسم که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندانسان رسیده است مصرف کنند.

آقای گورباچف وقتی از گلدسته های مساجد بعضی از جمهوریهای شما پس از هفتاد سال بانگ الله اکبر و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم به گوش رسید تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی

بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون میدانند؛ و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی دانند قهراً جهان، غیب مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسره افسانه می دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از «حس و عقل» می باشد و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد میتواند موجود باشد. و همان طور که موجود مادی به مجرد استناد دارد شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است.

قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد میکند و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می شد. لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً می فرماید: لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

از قرآن عزیز و کریم و استدلالات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم، که از نظر شما اول بحث است، اصولاً میل نداشتیم شما را در پیچ و تاب مسائل فلاسفه به خصوص فلاسفه ی اسلامی بیندازم. فقط به یکی - دو مثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم میتوانند از آن بهره ای ببرند بسنده میکنم. این از بدیهیات است که ماده و جسم هرچه باشد از خود بیخبر است. یک مجسمه ی سنگی یا مجسمه ی مادی انسان هر طرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان میبینیم که انسان و حیوان از همه ی اطراف خود آگاه است. میدانند کجاست؛ در محیطش چه میگردد؛ در جهان چه غوغایی است، پس در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمیمیرد و باقی است.

انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق خواهد. و شما خوب میدانید که انسان میخواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد.

انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست. فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم گرچه خود ندانیم انسان میخواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسانی نشانه وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است. اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه ها تحقیق، کنید میتوانید دستور دهید که

صاحبان اینگونه علوم علاوه بر کتب فلاسفه ی غرب در این زمینه به نوشته های فارابی و بوعلی سینا - رحمه الله علیهما - در حکمت مشاء مراجعه کنند تا روشن شود که قانون علیت و معلولیت که هرگونه شناختی بر آن استوار است معقول است نه محسوس؛ و ادراک معانی کلی و نیز قوانین کلی که هرگونه استدلال بر آن تکیه دارد معقول است نه محسوس و نیز به کتابهای سهروردی - رحمه الله علیه - در حکمت اشراق مراجعه نموده و برای جنابعالی شرح کنند که جسم و هر موجود

مادی دیگر به نور صیرف که منزله از حس می باشد نیازمند است؛ و ادراک شهودی ذات انسان از حقیقت خویش میرا از پدیده ی حسی است و از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه ی صدر المتألهین - رضوان الله - تعالی علیه و حشره الله مع النبیین و الصالحین مراجعه نمایند تا معلوم



گردد که: حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده و هرگونه اندیشه از ماده منزه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمیکنم و از کتب عرفا و به خصوص محی الدین ابن عربی نام نمیبرم که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این گونه مسائل قویاً دست دارند راهی قم گردانید تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر از موی منازل معرفت آگاه گردند که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.

جناب آقای گورباچف اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما میخواهم درباره ی اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما که به جهت ارزشهای والا جهان شمول اسلام است که میتواند وسیله ی راحتی و نجات همه ی ملتها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسئله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوری های شوروی نشان دادید که دیگر اینگونه فکر نمی کنید که مذهب مخدر جامعه است.

راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار کرده است مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی کشورهای اسلامی در اختیار ابرقدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است و مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب آمریکایی» مینامند.

در خاتمه صریحاً اعلام میکنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید. و در هر صورت کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می شمارد. والسلام علی من اتبع الهدی.

67/10/11

روح الله الموسوی الخميني

حال به محتوای نامه ها توجه کنید اگرچه مطالب نامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کوتاه است و نامه ی امام خمینی نسبتاً مطوّل است ولی از نظر محتوایی به خوبی نشان میدهد که امام خمینی (ره) همان پیرو راستین پیامبر و مأموریتش به دنبال همان مأموریت الهی پیامبر عظیم الشان اسلام بوده است که خود فرمود:

العلماء وَرَثَةُ الانبياء

علما وارثان پیامبرانند.

و در عظمت علمای امت خود فرمود:

علماء امتی افضل من انبياء بنی اسرائیل

ما تنها با آوردن متن نامه ها مقایسه ی محتوایی را به عهده ی خواننده ی محترم میگذاریم و در اینجا مطالب فرستاده ی امام حضرت آیت اله جوادی آملی را بدلیل اهمیت زیاد آن نقل میکنیم و از خواننده محترم میخواهیم به دقایق و ظرائف این نوشتار توجه کنند. همانطوری که پیدایش اصل انقلاب اسلامی با هدایت فکری بود دوام آن نیز با تداوم دعوت فرهنگی خواهد بود و چنانکه بیداری مردم

ص: 126

مسلمانان ایران با رهبری دینی آغاز شد نهضت مردم خارج از این مرز و بوم نیز با هدایت مذهبی انجام پذیر است؛ و این همان صدور انقلاب اسلامی به خارج از کشورمان میباشد (دقت کنید) صدور «انقلاب» به معنای دخالت در شئون مردم کشورهای دیگر نیست؛ بلکه به معنای پاسخ دادن به سئوالهای فکری بشر تشنه معارف الهی است و از آن جهت که مبدأ فاعلی همه - انسان و جهان - خداست و مبدأ قابلی همه ی انسانها فطرت خداجو و خداخواه است، وظیفه ی رهبران الهی اقتضا دارد ندای هاتف غیبی را که برای گوش دل آشناست به سمع همه ی صاحبان منتظر برسانند و هیچ فرد یا گروهی را از این موهبت الهی محروم نکنند.

انقلاب اسلامی ایران تداوم راه پیام آوران الهی عموماً و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان راستین آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم خصوصاً بوده و رهبری حضرت امام خمینی قدس سره الشریف همانا وراثت نایبان عمومی آن پیشوایان دینی بوده است؛ بنابراین حضرت امام همه خطوط هدایت را از رهنمودهای دینی دریافت کرده اند. (دقت کنید)

گرچه رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همان آغاز بعثت، جهانی بود، لیکن نحوه ی اجرای آن از خویشان پیامبر شروع شد تا به بزرگترین امپراطورهای عصر خود نه آنکه رسالت آن حضرت از اول محدود بود، سپس توسعه یافت. و تمایزی که بین آیه ی وَ انذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعراء/ 214)

(خویشان نزدیک خود را از تمرد در برابر خدا بیم ده) و آیه ی فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ (حجر/ 94) (مأموریت تبلیغی خود را علنی کن.) وجود دارد، در نحوه ی اجرای تدریجی رسالت است، نه نمو خود نبوت؛ چنانکه امتیاز بین آیه ی قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ (توبه/ 123) (با کافران موعظت ناپذیر نزدیکتان مبارزه

کنید.) و آیه ی هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (صف 9) (اوست خدایی که پیامبر خود را با هدایت و دین حق و منزله از بطلان فرستاده تا آن دین حق را بر همه ی مکاتب باطل پیروز کند گر چه مشرکان کراهت داشته باشند. فقط در مسیر تدریجی اجرای مأموریت است نه در رشد اصل رسالت که قبلاً اصل رسالت محدود بود و بعداً گسترش یافت. هدف اصلی نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه جهانی بوده و هست، و تفاوت بین پیامهای امام خمینی (ره) برای شاه معدوم و مسئولان سلسله ی منحنی پهلوی. و بین پیام آن حضرت برای میخائیل گورباچف رهبر کنونی اتحاد جماهیر شوروی، فقط در نحوه ی اجرای این وراثت عمومی اولوالعزم های الهی است؛ و گرنه مأموریت دینی نسبت به درون مرز ایران و بیرون آن یکسان است و امتیاز در تدریج اجرا خواهد بود. (دقت کنید)

محتوای نامه امام (ره) معارف عمیقی است که تبیین همه ی آن شرح مبسوط را می طلبد؛ لیکن ایجاز اصل متن اجازه اسهاب و تطویل را به شرح نمی دهد و گرنه هماهنگ نخواهد بود چون شرح گسترده شایسته ی متن کوتاه نمی باشد، لذا شارحان نهج البلاغه برای تبیین کلمات قصار سید الاولیاء و الاوصیاء حضرت علی بن ابیطالب علیه أفضل صلوات المصلین، اسهاب و گسترش را روا ندانستند از این جهت به شرح بعضی از جمله های دقیق متن بسنده شده و در ذیل هر فصلی به متن منظور اشاره شده است.

ابتکار امام خمینی در دین و فقه شناسی نه مانند اخباریون بود که از روزنه ی زبون تحجر و ثقبه ی کم نور جمود و خمبول به آن مینگرند و نه مانند سایر اصولیون بود که از تنگنای مباحث الفاظ و اصول عملیه در آن

نظر می نمایند، و نه همّتای سایر حکیمان و عارفان بود، که گرچه از جایگاه بلند علمی جامع غیب و شهادت اند ولی از جهت عملی در صراط مستقیم انس بین آن دو به سر نمی برند، بلکه غالباً به نشأه ی غیب و مأنوس تر از قلمرو شهادت اند؛ بلکه دین شناسی او در «فقه اصغر» و «اوسط» و «اکبر» تابع دین شناسی امامان معصوم علیهم السلام بوده است که آن ذوات مقدس دین را در همه ی مزایای غیب و شهودش می شناختند و در صدد اجرای همه آن بودند و تنها راه عملی نمودن آن تأسیس حکومت اسلامی است. و آن وقتی مقدور مییابد که رابطه ی فقیه عادل با مردم نظیر رابطه ی محدث و مستمع نباشد، چنانکه اخباری های مفرط می پندارند. و در حد ارتباط مرجع تقلید صرف و مقلد نباشد، چنانکه سیره ی برخی از اصولی ها بر آن بوده و هست و در مرز تعلیم معارف و تهذیب نفوس و اقامه ی براهین عقلی برای وحدت تشکیکی یا «شخصی» هستی خلاصه نگردد. چنانچه دأب بعضی از حکیمان و عارفان بر آن بوده و می باشد؛ بلکه با حفظ همه ی خوبی های گذشته که آن مشایخ و اعظام داشته و دارند افزون بر آن پیوند فقیه جامع عادل با مردم رابطه ی امام و امت باشد؛ چنانکه منوبان معصوم علیهم السلام این چنین بوده و هستند.

نبوغ امام خمینی در فقه شناسی در طرح اصل مسأله ی «ولایت فقیه» نبود زیرا این مسئله سابقه ی طولانی دارد؛ و نیز در جمع آوری ادله ی عقلی و نقلی بر آن نبود، چون استدلال بر آن نیز کم و بیش بیسابقه نیست؛ و همچنین در تدوین رساله مستقل در این زمینه نبود، زیرا آمار رساله هایی که در این باره به طور مستوفی نگاشته شد قابل توجه است؛ بلکه مزیت آن حضرت امام خمینی (ره) در این بوده که اولاً

تمام پهنه‌ی زمین از کران تا کران و همه سینه باز زمان از عصر تا عصر را قلمرو «ولایت فقیه» نائب امام عصر ارواحنا فداه میدانست؛ و ثانیاً عقل عملی او با «ولایت» متحد بود چنانکه عقل نظری او با فقهات متحد شد. (دقت کنید) و چون در افق ولایت مجرد قرار داشت حجاب بین نظر و عمل رخت بر بست و فقهات آمیخته با ولایت و ولایت عجین شده با فقهات با روح این انسان متکامل متحد شد؛ چنانکه نفس در مقام مجرد تام عقلی خود با معقول متحد می‌گردد.

ممکن است کسی درباره‌ی امامت فقیه عادل نائب ولی عصر ارواحنا فداه کتاب بنویسد و همانند امام از نظر علمی گفتار یا نوشتار داشته باشد ولی از نظر عملی مانند امت رفتار کند. چنین فقیهی گرچه امامت فقیه تفوه دارد، لیکن چون قدمی در این وادی نمی‌نهد و همه‌ی شرایط تحصیلی آن را شرایط حصولی می‌پندارد و همه‌ی مقدمات واجب را مقدمات وجوب می‌انگارد تفکر امامت ندارد؛ بلکه آن را همتای مسأله‌ی «عبید» و «اماء» برای تشحیذ اذهان و بدور از ابتلا طرح مینماید البته بین تفوه به امامت و تفکر امامی داشتن فرق بوده و نیز بین قائل به ولایت فقیه بودن و «فقه ولایتی» داشتن تمایز تام است و امتیاز این دو هم در کیفیت نگرش به فقه است و هم در صدد اجرای همه‌ی احکام آن، از این رهگذر... امام خمینی گاهی کاخ سفید غرب را مورد قهر ولایتی خود قرار داده و میگوید آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند و زمانی کاخ کرملین شرق را چون کوخ محروم نشین مورد تفقد ولایتی قرار داده و صدر هیئت رئیسه و دیگران را به دین مبین اسلام دعوت میکند تا از شراره الحاد برهند و به نور توحید برسند.

هیئت اعزامی از طرف حضرت امام خمینی روز سیزدهم دی ماه 1367 هـ- ش تهران را به مقصد مسکو ترک و روز چهاردهم به تهران

برگشت؛ و مدت توقف این سفر تاریخی در مسکو بیست و سه ساعت بود.

و در فرودگاه بین المللی مسکو با استقبال نماینده ویژه ی صدر هیئت رئیسه شوروی و برخی از مسئولین بلند پایه سیاسی و امام جمعه مسکو و نیز با شرکت سفیر محترم وقت ایران در شوروی و تنی چند از برادران محترم سفارت ایران در مراسم استقبال روبرو شد.

قبل از ملاقات رسمی هیئت اعزامی با رهبر شوروی و بعد از آن، هیچگونه تماس سیاسی با فرد یا گروهی از طرف سرپرست هیئت حاصل نشد زیرا این سفر فقط برای ابلاغ پیام و تبیین محتوای عمیق آن بود؛ لیکن سخنان مبسوطی پیرامون توحید و نفی الحاد گاهی به زبان برهان و زمانی با لسان فطرت با استقبال و بدرقه کننده در ذهاب و ایاب ارائه شد و فاصله ی چهل کیلومتری فرودگاه تا شهر مسکو هم در رفتن و هم در برگشتن جز به یاد حق و نشر آثار آن و دعوت به خدا و احیای فطرت ملحدان مارکسیست سپری نشد.

وقت ملاقات با رهبر شوروی ساعت یازده روز چهاردهم دیماه بود؛ و مدت آن دو ساعت و پنج دقیقه به طول انجامید.

هنگام ورودمان به کاخ کرملین صدر هیئت رئیسه و دو نفر از مسئولین بلند پایه ی سیاسی که قبلاً حضور یافته بودند، تا چند قدم در همان اطاق به استقبال آمدند و با گرمی آماده شنیدن پیام امام خمینی شدند.

هیئت اعزامی مصمم بود ضمن حفظ احترام متقابل و رعایت کمال ادب که از وظایف بین المللی اسلام به شمار می آید و اختصاصی به گروه خاص ندارد لسان پیام امام (ره) را با زبان تعلیم و ارشاد ادا کند نه با لسان دیپلماسی و هرگز قول فصل الهی را با هزل مجاز در عرف

دیپلمات نیالاید و صلابت دعوت به توحید را در پای تعارف رایج سیاست بازان به دهن و وهن ذبح نکند؛ بلکه به عنوان رسول امین مضمون پیام والا را با آهنگ تدریس القا نماید نه به صورت قرائت الفاظ و گزارش صورت و بدین منظور قبل از خروج از اقامتگاه نمازی خوانده شد و از ذات اقدس خداوند با نیاز تقاضا شد ربّ اشرح لی صدري و یسرلی امری

و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی (طه) / (25) و با احساس آرامش روح و عدم اعتنا به کاخ کرملین و با ابلاغ پیام در چهره ی تعلیم و تبیین مضامین بلند آن در کسوت تدریس سرورش هاتف غیبی اینچنین شنیده شد قال قد اوتیت سؤلک یا موسی (طه 36) و هم اکنون با سقوط قدرتهای سیاسی احزاب کمونیستی در مدت کوتاه و انحلال بسیاری از مراکز اقتدار آن صلاهی سفیران الهی به گوش همگان میرسد.

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (ذاریات / 40)

کیفیت ابلاغ پیام به این سبک بود که تمام کلمات آن همراه با توضیح ضروری برخی از موارد بخوبی قرائت می شد؛ سپس ترجمان ویژه ی کرملین آن را برای جناب گورباچف و دو نفر دیگر که حضور داشتند ترجمه می کرد؛ و اگر مطلبی برای خود ترجمه کننده قابل درک نبود سؤال می کرد و با تبیین و تفسیر لازم بعد از درک، کامل آن را با ترجمه ی روسی به رهبر شوروی منتقل می کرد؛ و در خلال قرائت پیام و ترجمه ی آن که شصت و پنج دقیقه طول، کشید نکات مهم پیام را شخص گورباچف یادداشت می کرد چه اینکه آن دو نفر دیگر نیز یادداشت می نمودند.

نحوه ی استماع رهبر شوروی در تمام مدت قرائت پیام در کمال توحید بود نه گزارش صرف لذا گاهی نشانه ی فُبِهتَ الذی کَفَر (بقره/258)



همراه با انفعال در رخسارش مشهود بود که میرفت فطرت «مرتکز» را زنده نماید.

چون صدور این نامه تاریخ ساز بعد از پذیرش قطعنامه 598 بود و کشور اسلامی ایران وارد مرحله ی بازسازی و ترمیم خرابیهای جنگ تحمیلی هشت ساله شد و از طرف دیگر مضمون نامه کاملاً سری بود و جز اوحدی از مسئولین گرانقدر جمهوری اسلامی ایران کسی به آن آگاه نبود لذا رهبران روسیه عموماً و صدر هیئت رئیسه آن خصوصاً، هرگونه احتمالی را پیرامون مفاد پیام میدادند مگر احتمال دعوت به توحید و اسلام ناب محمدی را از این جهت بعد از استماع خطوط اصلی پیام تمام پیش داوریهها و پیش فرضهای رهبران کرملین سرابگونه سر از آب و خواب برآورد و جواب مناسب با اندام موزون این پیام آسمانی را نه تنها عاجلاً ندادند بلکه آجلاً هم راجل ماندند.

چنانکه حضرت امام (ره) به فرستاده مخصوص میخائیل گورباچف فرمود:

من می خواستم دری از جهان غیب به چهره ی او باز کنم نه آنکه درباره ی مسائل جهان ماده با او دری سخن باشم.

رهبر شوروی بعد از استماع دقیق و درک منظور امام (ره) با تأنی کامل که کشف از تدبّر در پاسخگویی می کرد شروع به جواب کرد و مدتی که برای سخنان جناب گورباچف و دریافت پاسخ نهایی از طرف هیئت اعزامی صرف شد جمعاً در حدود یک ساعت بود.

ص: 133

عصاره‌ی مطالبی که ایشان گفتند و ترجمان صحنه‌ی ملاقات آن را به فارسی برگرداند، عبارت از این بود:

1. از فرستادن نامه‌ی امام خمینی تشکر می‌کنم
  2. در فرصت مناسب جواب آن را خواهم داد.
  3. مضمون آن را به علمای شوروی اعلام میداریم
  4. ما قانون آزادی ایمان را در دست تصویب داریم.
  5. من قبلاً گفتم با داشتن ایدئولوژیهای مختلف میتوان با حسن همجواری در کنار هم زندگی کرد.
  6. امام خمینی ما را به دین اسلام دعوت نموده است. آیا میشود ما هم ایشان را به مکتب خودمان دعوت کنیم؟ (در اینجا لبخند زد و دو بار گفت این یک شوخی است.)
  7. این دعوت یک نحوه‌ی دخالت در شئون کشور دیگر محسوب می‌شود زیرا هر کشوری در انتخاب مکتب آزاد و مستقل میباشد.
- هیئت اعزامی از ایران با دریافت این مطالب بررسی کرد که مهمترین بند جواب همانا بند اخیر آن است که نشانه برخورد سیاسی با نامه‌ی امام (ره) در آن به چشم می‌خورد نه برخورد فرهنگی و تعلیمی محض. و با پندار سیاسی بودن داخل در دخالت در کشور اجنبی خواهد بود که با این ترتیب اصل نامه و فرستادن پیام زیر سؤال میرفت، دیگر نوبت به مضمون آن نمی‌رسید لذا مسئول هیئت اعزامی در پاسخ نهایی چنین گفت: از اینکه در کمال حوصله قرائت نامه را استماع کردید، تشکر میکنیم و می‌کنیم و از اینکه آمادگی خود را جهت فرستادن جواب اعلام داشتید تقدیر می‌شود و از اینکه مضمون پیام را به اطلاع علمای کشورتان رسانید شایان تشکر است و از اینکه قانون آزادی دین را در دست تصویب دارید به امید تسریع آن

تقدیر می شود؛ چنانکه زندگی مسالمت آمیز با داشتن مکتب های گوناگون در صورت رعایت اصول انسانی، میسر می باشد. اما «دخالت در شئون داخلی کشور دیگر» را باید توضیح داد. شما از عمق خاک وسیع روسیه تا اوج فضای آسمان آن آزادانه فعالیت دارید و هیچ کس حق دخالت در امور داخلی کشور اجنبی را ندارد؛ لیکن محتوای این، پیام همانند پیام های رهبران الهی دیگر، نه کاری به زیرزمین و نه برخوردی با روی زمین و نه ارتباطی با آسمان روسیه دارد بلکه فقط با جان شما مرتبط می باشد.

جناب آقای گورباچف آیا شما همانند درخت هستید که مرگ شما عبارت از پژمرده شدن و فرسوده گشتن تن باشد، و بعد از مرگ هیچ خبری از زندگی و آثار نخواهد بود؛ یا جان شما همانند مرغی است که در قفس طبیعت تن محبوس است و مرگ شما به منزله ی گشوده شدن در این قفس و پروز طائر روح به جهان جاوید می باشد؟ البته دومی است نه اولی و مضمون نامه ی امام دعوت به توحید و پرهیز از الحاد است که راجع به جان شماست نه درباره ی کشور شما. البته وقتی روح آدمی موحد شد راه صحیح کشور داری را می شناسد و آن را بخوبی اداره می نماید.

جوادی آملی

10 فروردین 1369

## زمان ارسال پیامها

دوم: زمان ارسال پیامها و موقعیت رهبران پس از قبول صلح با دشمنان سرسخت خود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال ششم هجری به مسلمانان دستور دادند که آماده سفر حج شوند و از قبائل عرب نیز که هنوز مشرک بودند دعوت کردند که با مسلمانان همسفر شوند. همراهان پیامبر را بین هزار و چهارصد تا هزار و هشتصد نفر ذکر کرده اند. پیامبر و همراهان در نقطه ای

ص: 135

به نام «حدیبیه» توقف کردند و با ممانعت کفار قریش روپرو شدند. گفتگوهای بسیاری بین نمایندگان قریش با پیامبر شد، که از ورود پیامبر و مسلمین به شهر مکه جلوگیری کنند و بالاخره قرار شد پیامبر آن سال را به مدینه برگردند. (بدون انجام عمل حج و ورود به شهر مکه) این توافق طی صلح نامه ای به خط امیرالمؤمنین نوشته و به امضاء پیامبر و نمایندگان قریش رسید و پیامبر از همان نقطه «حدیبیه» به مدینه بازگشتند. (شرح کامل این حادثه را در کتاب فروغ ابدیت جلد دوم بخوانید)

این صلح و بازگشت بدون انجام حج برای مسلمین سنگین تمام شد ظاهراً شکستی برای مسلمین و شخص پیامبر ارزیابی شد و حال آنکه اتفاقات بعدی ثابت کرد که مفاد صلح نامه به نفع مسلمین و موجب گسترش دامنه اسلام گردید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از قبول این صلح نامه که به صلح حدیبیه نامیده شد و برگشت به مدینه شش نامه ی مهم برای دو ابر قدرت زمان خود و چهار حاکم بزرگ فرستادند.

در مورد زمان ارسال نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیت اله سبحانی میگوید: پیمان «حدیبیه» فکر رسول خدا را از ناحیه جنوب (مکه) آسوده ساخت و در پرتو این آرامش گروهی از سران عرب به آئین اسلام گرویدند؛ در این هنگام رهبر گرامی مسلمانان فرصت را مغتنم شمرده با زمامداران وقت و رؤسا قبایل و رهبران مذهبی مسیحی آن روز باب مکاتبه را باز نمود و آئین خود را که آن روز از دایره یک عقیده ساده گام فراتر نهاده و به صورت یک آئین جهانی در آمده بود و می توانست همه بشر را زیر لوای توحید و تعالیم عالی اجتماعی و اخلاقی خود گرد آورد به ملل زنده جهان آن روز عرضه داشت.

این نخستین گامی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از 19 سال کشمکش با قریش لجوج برداشت؛ و اگر دشمنان داخلی او را با نبردهای خونین خود مشغول نمیساختند او پیش از این دست به دعوت ملل دور دست میزد ولی حملات ناجوانمردانه عرب او را مجبور ساخته بود که قسمت مهم از وقت خود را به امر دفاع از حوزه اسلام صرف نماید.

و در جایی دیگر مینویسد:

قدرت جهان در آن روز در قبضه دو امپراطوری بزرگ جهان بود و رقابت و جنگ میان این دو قطب سابقه ی ممتدی داشت، نبرد و ستیزه میان ایران و روم از دوره هخامنشیان آغاز گردیده و تا عهد ساسانیان ادامه داشت. خاور زمین زیر سیطره ی امپراطوری ایران بود و سرزمین عراق و یمن بخشی از آسیای صغیر از اقمار و مستعمرات دولت شاهنشاهی ایران به شمار میرفت؛ دولت روم در آن روز به دو بلوک شرقی و غربی تقسیم شده بود. زیرا در سال 395 میلادی (تئودوز کبیر) امپراطور روم کشور خود را میان دو پسرش تقسیم کرد و دو کشور به نام روم شرقی و غربی بوجود آورد و روم غربی در سال 476 به دست وحشیان و بربرهای شمال اروپا منقرض گردید ولی روم شرقی که مرکز آن «قسطنطنیه» بود و شام و

مصر را نیز در اختیار داشت در زمان ظهور اسلام رشته سیاست جهان را در دست داشت تا اینکه در سال 1453 که قسطنطنیه به دست سلطان محمد دوم (فاتح) گشوده شد آفتاب عمر روم شرقی غروب کرد؛ و به کلی متلاشی گردید و سرزمین عربستان میان این دو قطب محصور بود ولی از آنجا که اراضی حاصلخیز نداشت و مردم آن چادر نشین و متفرق بودند؛ هر دو امپراطور رغبت به تسخیر آن از خود نشان نمی دادند و نخوت و بیدادگری و جنگهای آنها مانع از آن بود که از انقلاب و تحولات اساسی

ص: 137

که در این کشور رخ می دهد آگاه شوند و هرگز تصوّر نمی کردند که ملت دور از تمدنی بر اثر قدرت ایمان به امپراطوری آنها خاتمه خواهد داد و نقاطی که در سایه های بیدادگری آنها در تاریکی فرو رفته با فجر روشن اسلام منور خواهد شد.

اگر از وجود این مشعل فروزان آگاهی پیدا میکردند در همان آغاز اشتعال، آن را خاموش میساختند (این بود وضعیت دنیا در زمان پیامبر که از کتاب فروغ ابدیت به اختصار بیان شد).

اما وضعیت دنیا در زمان امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) در تاریخ تیرماه 1367 در حالی که تا آخرین لحظه بر ادامه جنگ با دشمن اسلام و مسلمین و نوکر حلقه به گوش آمریکا یعنی صدام بعثی اصرار می ورزیدند و معتقد بودند نبایستی به این جرثومه ی فساد مهلت داد تحت فشار ابر قدرت آمریکا که پیروزی ایران انقلابی در جنگ را با منافع خود در تضاد میدید و به هیچ وجه حاضر نبود پیروزی ایران را تحمل کند و برای ضرب شصت نشان دادن حتی هواپیمای مسافربری ایران را در خلیج فارس سرنگون کرد و عده ی زیادی بیگناه را شهید کرد و در سازمان ملل قطعنامه ای تحت شماره 598 صادر نمود که ایران را مجبور به قبول اتمام جنگ و صلح با صدام می کرد امام پذیرفتند که جنگ تمام شود. (1)

ما در صدد تجزیه و تحلیل آن وقایع در اینجا نیستیم. تنها به این نکته اشاره میکنیم که قبول قطعنامه و عمل به مفاد آن ظاهراً موجب تضعیف ایران و شخص امام شد ولی امام درست به پیروی از پیامبر عظیم الشان

ص: 138

اسلام چند ماه بعد از قبول صلح با صدام، نامه‌ی خود به گورباچف رهبر شوروی را نوشتند و فرستادند، یعنی در هر دو حادثه صلح حدیبیه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قبول قطعنامه در زمان امام خمینی که به ظاهر شکست جبهه اسلام بود، پس از این تضعیف ظاهری نامه‌ها به ابر قدرتها نوشته شد و این نشان میدهد که اهداف مردان الهی پیوسته بالاتر از حد فکر و برداشت مردم عادی زمان خویش است و رهبران الهی چیزهایی را میبینند که مردم عادی از دیدن آنها عاجز و ناتوانند کما اینکه هر دو واقعه برای مسلمین منشأ برکات فراوانی شد.

## تصور برخی افراد به ضعف مسلمین

سوم و چهارم:

تصور برخی افراد به ضعف مسلمین و اعتراض آنها به رهبران الهی

در صلح حدیبیه عده‌ای از مسلمین مخالف صلح بودند و به پیامبر اعتراض کردند که چرا زیر بار خواسته‌های قریش تا این اندازه می‌روید و این برای ما سنگین است ولی پیامبر اکرم که «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» قبول صلح را به نفع اسلام و مسلمین می‌دانستند.

آیت اله سبحانی در تحلیل نتایج صلح حدیبیه میگوید:

هنگام نوشتن پیمان و پس از آن اختلافات و مشاجراتی میان یاران رسول خدا در گرفت، دسته‌ای آنها را به نفع اسلام و گروه انگشت شماری آنها بر خلاف مصالح اسلام تشخیص دادند اکنون که چهارده قرن از انعقاد پیمان می‌گذرد ما با دیده واقع بینانه و دور از هرگونه تعصب، پیمان حدیبیه را ارزیابی مینمائیم و به گوشه‌ای از این مشاجرات اشاره کرده و این فصل می‌گذریم ما تصور می‌کنیم که این صلح صددرصد به نفع اسلام تمام شد و پیروزی آنها قطعی کرد.

ص: 139

سپس «آیت اله سبحانی» در سه بخش منافع این صلح نامه را می نویسد و سپس اضافه می کند:

روی این دلائل به عظمت گفتار امام صادق علیه السلام در پیرامون این صلح پی میبرید که فرمود: «و ما کان قضیه اعظم بر که منها» یعنی: هیچ جریانی در تاریخ زندگانی پیامبر اسلام سودمندتر از پیمان صلح حدیبیه نبوده است.

حوادث آینده ثابت کرد که اعتراضات شماری از یاران پیامبر که در رأس آنها عمر بن خطاب بود. درباره این پیمان و مواد آن کاملاً بی اساس است سیره نویسان تمام خصوصیات سخنان معترضان را درج کرده اند. برای اطلاع به سیره ابن هشام بازگشت شود.

و بالا-خره نتیجه گیری میکند که: ارزیابی پیمان حدیبیه از اینجا معلوم میگردد که هنوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه نرسیده بود که سوره فتح که نوید پیروزی برای مسلمانان میداد نازل گردید و این کار را یک نوع پیروزی در جهاد تلقی نمود چنانکه میفرماید:

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»

امام خمینی نیز در تحلیل دلائل قبول قطعنامه 598 و اینکه در نهایت هشت سال دفاع مقدس و قبول صلح و آتش بست به نفع اسلام و مسلمین شد می فرماید:

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله ی بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن میدیدم ولی به واسطه ی حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده



روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ی ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین

قربانی شود هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون ها و شهادت ها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم مسلم خون، شهیدان انقلاب و اسلام را بیمه کرده. است خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربیت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دار

الشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله ی نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیده ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری میکنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه ی بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند.

آری دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید و همه ی ما نیز روز محاسبه ی بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض میکنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه ی شما وصیت و سفارش میکنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره ی خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش میکنم که هوشیار و مراقب باشید قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم حربه ی تبلیغات جهانخواران علیه ما کُند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمیتوان به

طور قطع و جدی پیش بینی نمود و هنوز دشمن از شرارتها دست برداشته است؛ و چه بسا بهانه جویها به همان شیوه های تجاوزگرانه ی خود ادامه دهند ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام میکنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید دشمنان غافل بمانند در هر شرایطی باید بنیه ی دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند باید خطر مهاجم جهانخواران در شیوه ها و شکل های مختلف را جدیدتر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه ها برای دفاع در برابر شیطن استکبار و عراق به مأموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه ی انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم برای بعد از آن سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه ی

گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه ها و مطبوعات می خواهیم که خود را از معرکه ها و معرکه آفرینی ها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هرچند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم میزدند امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده ی دیگری را مطرح نمایند و جیره خواران استکبار همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند امروز طرفدار جنگ شوند. و ملی گراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاء الله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه ی فتنه ها را خواهد داد.

من باز میگویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش میدانم. و شما میدانید که من به شما عشق می ورزم و شما را

میشناسم؛ شما هم مرا میشناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما میدانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره ی خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده ام، عزیزانم شما میدانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا تو میدانی که ما سرساز با کفر نداریم.

خداوندا! تو میدانی که استکبار و آمریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا در جهان ظلم و ستم و بیداد همه ی تکیه گاه ما تویی و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمیشناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم ما را یاری کن که تو بهترین یاری کنندگانی، خداوندا تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیه الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی ام ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه ی عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما میگذرد. میدانم که به شما سخت میگذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمیگذرد؟ میدانم که شهادت شیرینتر از غسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه ی انقلابی تان را در سینه ها نگه دارید با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست و تأکید میکنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می باشند آنها را از این تصمیمی که گرفته اند شماتت نکنید که برای آنان نیز چنین پیشنهادی

سخت و ناگوار بوده است. که ان شاء الله خداوند همه ی ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

مطالب فوق بخش هائی از پیام امام خمینی (ره) است که در تاریخ 29 تیرماه 1367 برابر با 5 ذی الحجه ی 1408 به مناسبت مراسم حج و یکمین سالگرد کشتار خونین مکه به دست رژیم آل سعود خطاب به ملت ایران و مسلمین جهان صادر شده است. به دلیل اهمیت قابل توجه این پیام و محتوای غنی آن که خود یک منشور کامل انقلاب اسلامی از دیدگاه امام است از خوانندگان عزیز می خواهم که متن کامل آن را در جلد 21 صحیفه ی نور صفحات 74 تا 100 مطالعه کنند. الحق که این پیام برای همیشه گویای مواضع بحق و مستحکم امام است و با توجه به موقعیت صدور آن از ویژگیهای منحصر به فرد برخوردار است.

ما در اینجا تنها نکات برجسته ای که با موضوع بحث مناسبت دارد، را به صورت فهرست وار یادآوری میکنیم.

1 - آیه ای که امام در اول پیام آورده اند آیه 27 سوره ی فتح:

(لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ...)

خود اشاره به صلح حدیبیه و جریانات پیرامون آن است و آیه بشارت دهنده ی پیروزی مسلمین و ورود آنها به مسجد الحرام میباشد. و انتخاب این آیه در این زمان از عمق بصیرت امام و توجه ایشان به همه ی مسائل جهان و تاریخ اسلام حکایت دارد (دقت کنید).

خوانندگان چنانچه تاریخچه ی صلح حدیبیه و آیات مرتبط با آن در سوره ی فتح و حوادث پیرامون آن را با دقت مطالعه کنند و سپس موقعیت ایران در سالهای دهه ی 1360 - 1370 را مورد بررسی و دقت قرار دهند آنگاه حلاوت انتخاب و توجه امام به آیه ی 27 سوره ی فتح و

ص: 146

عمق درک فهم ایشان را از مسائل کلی جهان و تاریخ اسلام خواهند چشید، یک مسلمان آگاه به تاریخ به خوبی درک میکند که چگونه همان وقایع صلح حدیبیه برای بار دیگر اتفاق می افتد و همانگونه که مردم با دیدگاه های مختلف به ارزیابی آن واقعه می پردازند در قبول قطعنامه 598 نیز رخ می نمایند و رهبر الهی این زمان نیز دقیقاً با همان دیدگاه پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، پیروزی را از آن مسلمین می داند و به تحلیل و تفهیم آن می پردازد. (دقت کنید)

2- امام در این پیام بیش از هر زمان دیگر به ابرقدرتها می تازد و آنها را مورد لعن و نفرین و شماتت قرار می دهد و گویا موضعی بسیار سخت تر و شدیدتر در مقابل آنها اتخاذ می کنند.

3- با طرح اسلام ناب محمدی به اردوگاه های مختلفی که از اسلام برداشتی غیر واقعی دارند می تازند و به خصوص اسلام امریکائی آل سعود را گوشزد می کنند.

4- از انقلاب اسلامی ایران بارها به عنوان انقلابی جهانی و از ایران به عنوان پایگاه صدور انقلاب نام می برند.

5- به تاریخ اسلام اشاره می کنند و حاکمان خونخوار و زورگو را جانشین بنی امیه ی و ابوسفیان و پابرهنگان خدا باور را ادامه دهندگان راه انبیاء و شهدای کربلا می نامند.

6- در جایی میفرماید ان شاء الله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از آمریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست ناهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

که این همان بیان آیه ای است که خداوند به پیامبرش نوید میدهد. (دقت کنید)

7- امام در چند مورد پیش بینی هائی دارند که برخی از آنها محقق شده است.

8- امام برای چندمین بار خطر اسرائیل را گوشزد می کنند و اعمال سران کشورهای اسلامی در برقراری دوستی با اسرائیل را شرم آور می دانند و بر عزم خود و انقلاب برای نابودی صهیونیسم تأکید می ورزند.

9- بر مبارزه ی سرسختانه با مستکبرین تأکید می کنند و می فرماید: اگر هزار بار قطعه قطعه شویم دست از مبارزه با ظالم برنمی داریم

10- بر عناصر سست عنصر و مرفهین بی درد ملی گراها - لیبرالها که از شناخت دشمن عاجزند و یا سر در آخور آن دارند می تازند و خطر این نوع تفکر را یادآور میشوند.

و صدها مطلب ارزنده و آموزنده ی دیگر که ما به دلیل دأب خود بر اختصار از بیان آنها خودداری میکنیم و مجدداً تأکید میکنیم خوانندگان عزیز متن کامل این پیام را با دقت مطالعه کنند.



پنجم - ویژگی افرادی که نامه ها توسط آنها ارسال شد:

در مورد نمایندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیت اله سبحانی میگوید:

سپس پیامبر شش نفر از ورزیده ترین افراد را طی نامه هائی که رسالت جهانی آن حضرت در آنها منعکس بود به نقاط مختلف روانه کرد و سفیران هدایت در یک روز رهسپار سرزمینهای ایران، روم حبشه مصر یمامه بحرین و حیره (اردن) شدند.

دحیه کلبی مأمور شد که نامه رسول خدا را به قیصر برساند، او سفرهای متعددی به شام داشت و به نقاط مختلف شام کاملاً آشنا بود. قیافه گیرا و صورت زیبا و سیرت نیکوی وی شایستگی همه جانبه ی او را برای انجام این وظیفه خطیر ایجاب می نمود.

و در مورد نامه ی پیامبر به خسرو پرویز مینویسد: در آغاز سال هفتم، هجرت پیامبر یکی از افسران ارشد خود یعنی «عبداله حدافه سهمی قرشی» را مأمور کرد که نامه وی را به دربار ایران ببرد و آن را به دست خود خسرو پرویز برساند و او را بوسیله نامه به آئین توحید دعوت نماید.

## آیت اله جوادی آملی

نامه ی امام خمینی به گورباچف را حضرت آیت اله جوادی آملی بردند که در زمان امام خمینی شخصیتی کم نظیر بلکه بینظیر بودند.

آیت اله جوادی آملی خود از شاگردان امام بوده که ویژگی بارز امام را پرورش روح دقت و آزادگی علمی می داند و بر حکیمانه بودن دیدگاه های امام در دروس حوزوی تأکید دارد. ایشان 25 سال از محضر علامه طباطبائی بهره برده و در خلوت و جلوت انیس این مفسر قرآن بوده است.

آیت اله جوادی آملی دارای تحقیقات و تألیفات فراوانی در زمینه تفسیر، فلسفه کلام فقه و اصول و دیگر رشته میباشد که تاکنون در بیش

از سی عنوان در مجلدات زیاد به چاپ رسیده و بسیاری از آنها نیز هنوز چاپ و منتشر نشده است.

در زمینه سیاسی نیز وی از شخصیت‌های مطرح در دوران خفقان رژیم شاه بود بنحوی که از سال 1342 به بعد بارها دستگیر و مورد بازجوئی قرار گرفته است و پس از پیروزی انقلاب نیز در بخش‌های مختلف اجرائی و علمی از طرف امام و مقام معظم رهبری خدمات ارزنده ای به کشور اسلامی نموده است.

نکته جالب توجه اینکه آیت اله جوادی آملی از طرف مقام معظم رهبری (خلف صالح امام خمینی) نیز به نیویورک سفر کرده و در نشست ادیان پیام ایشان را با صلابت قرائت کردند و این توجه مقام معظم رهبری به همان جمله ی امام علی علیه السلام قابل تأمل و توجه است. (دقت کنید)

و در یک کلام امام خمینی به توصیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام توجه کردند که:

«رَسُولُكَ تَرْجَمَانُ عَقْلِكَ»

ص: 150

ششم - پیش بینی رهبران الهی از آینده حکومتها:

الف - پیش بینی پیامبر در مورد دو حکومت ایران و مصر:

1 - نامه به خسرو پرویز پادشاه ایران

سفیر پیامبر وارد دربار گردید، خسرو پرویز دستور داد تا نامه را از او بگیرند ولی او گفت: باید نامه را شخصاً خودم ببرم و لذا نامه پیامبر را شخصاً به خسرو پرویز تسلیم کرد، خسرو پرویز مترجم خواست مترجم نامه را باز کرد و چنین ترجمه نمود نامه ایست از محمد رسول خدا به «کسری» بزرگ ایران هنوز مترجم از خواندن نامه فارغ نشده بود که زمامدار ایران سخت برآشفته و داد زد و نامه را از مترجم گرفت و پاره کرد و فریاد کشید این مرد را ببینید که نام خود را جلو نام من نوشته است. فوراً دستور داد که عبدالله را از قصر بیرون کنند عبدالله از قصر بیرون و بر مرکب خود سوار شد و راه مدینه را پیش گرفت او جریان کار خود را گزارش داد، پیامبر از بی احترامی «خسرو» سخت ناراحت گردید و آثار خشم در چهره او پدیدار گشت وی در حق وی چنین نفرین کرد؛ اللهم مزق ملکه: خداوند رشته سلطنت او را پاره کن.

این دعا پیش بینی و درخواست پیامبر از خداوند متعال محقق شد و خسرو پرویز به دست فرزند خود شیرویه کشته شد.

2 - نامه ی پیامبر به مقوقس حاکم مصر:

داستان نامه پیامبر به حاکم مصر که توسط «حاطب ابی بلتعه» ارسال شد. جالب و خواندنی است به کتاب فروغ ابدیت و دیگر منابع مراجعه کنید. ما تنها به این نکته اشاره میکنیم که پیامبر در مورد و اکنش حاکم مصر به نامه ی پیامبر فرمودند:

ص: 151

او از حکومت خود ترسید و اسلام را نپذیرفت ولی قدرت و ریاست او به زودی نابود خواهد گردید و چیزی نگذشت که پیش بینی پیامبر محقق شد.

در داستان فرستادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نامه های ایشان به زمامداران زمان خود مطالب بسیار ارزنده ی دیگری هست که ما برای اختصار کلام از ذکر آنها خودداری میکنیم و خواننده عزیز میتواند به کتب تاریخ اسلام مراجعه کنند.

ب - پیش بینی امام خمینی در مورد ابرقدرت شوروی

امام در نامه خود صراحتاً به فروپاشی امپراطوری شوروی و متلاشی شدن کمونیست اشاره می کنند و این هوشمندی و پیش بینی امام (ره) همه ی سیاستمداران دنیا را به اعجاب واداشت به این جملات توجه کنید:

کمونیسم [ که ] صدای شکستن استخوان هایش هم به گوش فرزندانسان رسیده است و در جای دیگر میگویند:

امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن بست رسیده است دنیای غرب هم در همین مسائل البته به شکل دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است. برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد ...

پیش بینی امام در مورد کمونیسم محقق شد و امروز پس از گذشت 20 سال از نامه ی امام پیش بینی ایشان در مورد نظام سرمایه و سقوط و نابودی او هم بگوش می رسد و دیری نخواهید پائید که او نیز به سرنوشت نکبت بار کمونیسم دچار خواهد شد.

ص: 152

هفتم - در اینکه خداوند متعال در نامه‌های پیامبر اثرات قرار داده مطلبی است از آفتاب روشن تر و بزرگترین دلیل آن هم جمعیت 1/5 میلیارد نفری مسلمین در جهان امروز است و این موضع روشن تر از آن است که نیاز به شرح داشته باشد.

در مورد اثر نامه امام خمینی نیز باید گفت تاکنون اثرات مثبت آن در جهان بسیار مشهود شده که از آن جمله میتوان به این موارد اشاره کرد.

1 - دلگرم شدن مسلمانان کشورهای مختلف شوروی سابق به اسلام و آئین یکتاپرستی و جرأت یافتن آنها برای برگزاری مراسم و عبادات مذهبی - باز شدن درب مساجد و حسینیه ها پس از هفتاد سال.

2 - به رسمیت شناختن حقوق اقلیتهای مسلمان در کشورهای کمونیستی و حتی اروپائی.

3 - مطرح شدن انقلاب ایران با رسالت جهانی و صدور انقلاب اسلامی بعنوان پیام آور فضیلت‌های اخلاقی و خدا باوری در قرن حاضر.

4 - مطرح شدن کشور ایران بعنوان یک قدرت معنوی در معادلات سیاسی جهان

5 - و اثبات بیشتر امام خمینی بعنوان یک شخصیت الهی فرا ملیتی و تعلق او به تمام بشریت بخصوص مسلمانان جهان

و اثرات فراوان دیگری که بعداً بروز و ظهور پیدا کرده و خواهد کرد.

هشتم: در نامه های هر دو رهبر الهی نقطه ی مهم و قله ی سخن دعوت به اسلام بعنوان کاملترین و تنها مکتب حیات بخش انسانها و جهان شمولی آن موج میزند و طبیعی است که امام خمینی از خود چیزی

ندارد جز اینکه همان راه پیامبر عظیم الشان را ادامه داده و امروز منادی همان اسلام ناب محمدی است، در گستره جهان

نهم: در نامه ها پس از دعوت به یکتاپرستی دعوت به صلح جهانی همزیستی مسالمت آمیز توجه به سعادت بشر و پیروی از عقاید منطبق با عقل و فطرت بیان شده و اسلام عزیز را از تهمت خشونت و جنگ طلبی دور می گرداند و به مخاطبین و همه ی انسانها تفهیم میکند که اسلام دین صلح و دوستی و آئین مهرورزی است بر اساس یکتاپرستی.

دهم: جواب نامه ها از افرادی که دارای فطرت پاک بوده و ظرفیت و لیاقت دریافت پیام الهی را داشته اند با دید مثبت اجابت شده و با رغبت به آن گردن نهاده اند و آنانی که لایق هدایت نبوده اند به سرنوشت همه ی مستکبران و فراعنه تاریخ دچار شده اند.

ص: 154

**بخش هشتم: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ**

لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ

(نهج البلاغه حکمت 110)

ص: 155

لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ

(نهج البلاغه حکمت 110)

فرمان خدای سبحان را بر پا نمی دارد جز آنکس که سازش نکند و خود را مشابه و مقلد دیگران نگرداند و به دنبال طمع نرود.

مصانعت به معنای سازش با دیگران به وسیله رشوه دادن و یا گرفتن است و برای مضارعه دو معنی شده است به معنای مشابهت و تقلید از دیگران و نیز به معنای ذلت پذیری است و آن کس که می خواهد فرمان خدا را اجرا کند باید از سازش با اهل باطل و از مشابهت و تقلید از اهل باطل و ذلت پذیری و پیروی از هرگونه طمع و ورزی اجتناب کند چرا که این امور سه گانه انسان را از اقامه فرمان خدا باز میدارد.

\*\*\*

براستی چه کسی در دوران ما فرمان خدا را بر پا داشته؟ چه کسی در تمام ابعاد شخصی - اجتماعی - حکومتی برای اجرای احکام الهی قیام کرده است؟ آیا می توان کسی را جز امام خمینی نام برد؟ و آیا میتوان برای او نظیری و شبیهی در نظر آورد؟ امامی که:

ص: 156



هرگز در اجرای حق با کسی سازش نکرد و بر سر احکام اسلام با کسی معامله و مماشات ننمود. لحظه ای با دشمنان خدا و خلق خدا سازش نکرد و هرگز در پی آرزوهای پست دنیوی نرفت و از اهداف بلند الهی دور نشد.

قسم به کسی که همه ی قسمها به او بر می گردد اگر بخواهیم تنها و تنها همین سه جمله کوتاه امیر کلام امام علی علیه السلام را در رفتار امام خمینی (ره) بررسی کنیم و مصادیقی برای آن بیاوریم بایستی ده ها جلد کتاب بنویسیم زیرا به درستی همه ی حیات پر برکت این عبد صالح خدا اجرای حق - مبارزه با دشمنان حق و بی اعتنائی به آرزوهائی است که انسان را از حق دور میکند آنقدر در این زمینه مطلب هست که نویسنده متحیر است از کجا شروع و به کجا ختم کند. ما ناچاریم که تنها چند خاطره از آن یگانه دوران نقل کنیم و پژوهش بیشتر را به عهده ی خواننده ی عزیز بگذاریم.

## **لَا يُصَانَعُ (سازش نکند)**

جمله ی اول: لَا يُصَانَعُ

### **سلمان رشدی:**

دنیای غرب و کشورهای اروپائی به دلیل روحیه استکباری و استعماری از همان روزهای اول انقلاب که با مواضع سرسختانه ی امام (ره) در نفی هرگونه سلطه آشنا شدند و دانستند که با وجود امام با یک ایران مستقل و آزاد روبرو خواهند شد و دیگر نمیتوانند اهداف استثماری خود را پیاده کنند بلکه این رفتار امام باعث بیداری دیگر ملت‌های جهان سوم نیز خواهد شد مخالفت و مبارزه با سیاستهای حق طلبانه ی امام و مسئولین ایران را در دستور کار خود قرار دادند و در تمام زمینه های

ص: 157

سیاسی اقتصادی صنعتی و ... بر ایران فشار آوردند ما را تحریم کردند و به قول خود امام (ره) هر چه توانستند علیه ما انجام دادند، مگر کاری را که نتوانستند بکنند.

در مقابل مسئولین و سیاستمداران ایران پیوسته سعی داشتند ضمن رعایت و تبعیت از مواضع و فرامین امام روابط خود با کشورهای اروپائی را بهبود بخشند و در یک حالت موازنه منطقی با احترام به حقوق طرفین مناسبات با دنیای غرب را برقرار کنند تلاش مسئولین که در خور ستایش نیز هست به این دلیل بود که:

1 - در اکثر علوم و فنون ایران وابسته به غرب بود.

2 - در جنگ تحمیلی همه ی غرب از صدام حمایت میکرد

3 - برای رفع احتیاجات روزمره مردم نیازمند کالاهای غربی بودیم.

4 - و بالاخره میبایستی از تنش و برخورد سیاسی و نظامی بین ایران و غرب جلوگیری میشد تا نهال نوپای انقلاب روی پای خود بایستد و آرزوی غرب که نابود کردن انقلاب و اسلام بود تحقق نیابد.

و لذا تلاش زیادی شد که روابط و مناسبات بهبود یابد. تا سال 1367 هیچ شخصیت سیاسی مؤثری از اروپا به ایران سفر نکرد، زیرا پذیرش یک ایران مستقل برای آنها مشکل بود و پیوسته منتظر بودند که حکومت اسلامی ایران فرو پاشد و آنها باز با یک دولتی طرف شوند که بتوانند اهداف استعماری خود را دنبال کنند و به قول امام ما را برگردانند به وضع سابق!

با تلاش مسئولین در نیمه دوم سال 1367 وزیر امور خارجه ی وقت آلمان در حالی به ایران آمد که پس از پیروزی انقلاب این اولین باری بود که یک شخصیت سیاسی غربی در این سطح به ایران انقلابی سفر می کرد و لذا از ابعاد مختلف حائز اهمیت بود چون ورود او به ایران فتح بابی بود

ص: 158

با اروپا که ما بتوانیم مواضع حق خود را بیان کنیم و با دنیای غرب به یک تعامل منطقی با احترام متقابل برسیم. برای اروپا هم اهمیت زیادی داشت چون به هر جهت نمیخواست یک کشور مهم مثل ایران را از دست بدهد.

(دقت کنید)

وزیر امور خارجه آلمان در رأس یک هیأت بلند پایه به ایران آمد و تعداد قابل توجهی سند اقتصادی تجاری و صنعتی در زمینه های مختلف بین مسئولین ایران و هیأت آلمانی به امضاء رسید و این گامی بلند و اساسی بود در بهبود روابط ایران و اروپا که از پیروزی انقلاب تا آن زمان پیوسته رو به سردی و رکود گذاشته بود و بدیهی است که برای طرفین از اهمیت زیادی برخوردار بود. رسانه های داخلی و خارجی به طور مفصل این خبر را پوشش دادند و از آن به عنوان یک حادثه مهم یاد کردند.

وزیر امور خارجه آلمان و هیأت همراه وی پس از امضاء اسناد همکاری ایران را ترک کردند که مسئله «سلمان رشدی» و کتاب موهن «آیات» «شیطانی» پیش آمد و عده ای از نزدیکان امام سعی کردند که موضوع را به امام منتقل کنند از طرفی برخی از سیاستمداران در این موقعیت حساس مصلحت نمیدانستند که مسئله سلمان رشدی و کتاب او به اطلاع امام برسد. مبادا برخورد تندی کنند و روابط ایران و اروپا که تازه در حال بهبود بود دو مرتبه خراب شود و اروپائیان به همان مواضع سرسختانه قبل برگردند و لذا توصیه شده، بود موضوع کتاب آیات شیطانی با امام در میان گذارده نشود ولی بهر تقدیر امام از موضوع با خبر شدند و حکم تاریخی خود را در مورد نویسنده ی آن صادر فرمودند که حکم این است

ص: 159

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این راه کشته شود شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته. (1)

روح الله الموسوی الخميني (صحیفه نور ج 21 ص 263)

شاهد مطلب ما این است که پس از صدور حکم به امام عرض شده بود در این مقطع حساس که پس از سالها تلاش روابط ما با اروپا رو به بهبود می‌رفت بهتر بود این حکم با این شدت صادر نمیشد و امام فرموده بودند:

«آبروی رسول اله در خطر است شما به فکر بهبود روابط هستید.»

یعنی وظیفه ما این است که از ساحت قدس پیامبر اکرم دفاع کنیم، نه اینکه وظیفه الهی خود را زیر پا بگذاریم در اجرای حق مدارا کنیم مبادا که روابط ما با دشمنان قسم خورده اسلام خراب شود. ما موظف به ادای تکلیف هستیم نه مأمور به نتیجه بایستی در اجرای حق مدارا نکنیم. (دقت کنید)

علاقمندان می‌توانند به منابع زیر مراجعه کنند

روزنامه‌های آن زمان داخلی و خارجی و ...

ص: 160

---

1- پس از صدور حکم امام در سراسر دنیای اسلام در جهت پشتیبانی تقویت و اجرای حکم امام و در غرب و بخصوص اروپا بر علیه این حکم واکنشهای منفی زیادی روی داد که بسیار جالب و خواندنی است.

جمله ی دوم: وَلَا يُضَارِعُ

برای کسانی که در دوران انقلاب بزرگ اسلامی ایران حضور داشتند وقایع را از نزدیک می دیدند و لمس می کردند پس از عنایات خداوندی و وحدت کلمه، مردم هیچ عاملی را برای پیروزی انقلاب از عدم سازش پذیری امام با دشمنان مؤثرتر نمیدانند در جریان خیزش دوباره ی نهضت اسلامی در سالهای 1356 و 1357 که ایران در التهاب عظیم بسر میبرد و هر روز شاهد یک اتفاق بزرگ بودیم صدها بلکه هزاران توطئه علیه انقلاب و شخص امام توسط دشمنان خارجی و نا آگاهان داخلی طراحی و اجرا شد که همه ی آنها با تیزی امام و عدم سازش پذیری امام در نطفه خفه شد و تدبیر امام نگذاشت آن همه توطئه خارجی و ساده لوحی عوامل داخلی پیروزی انقلاب را با شکست مواجه کند.

در این موضوع نیز آنقدر مطالب فراوان است که پرداختن به صد یک آنها مستلزم تدوین چندین جلد کتاب است که از حوصله ی این مجموعه خارج است و نویسنده ضمن تأسف از اینکه نمیتواند به این موضوع به صورت مبسوط بپردازد از خواننده ی عزیز میخواهد که به منابع مربوطه مراجعه کند. ما تنها به صورت فهرست نمونه ای از توطئه های بی شمار علیه انقلاب در آن روزهای حساس کشور را می آوریم و قبل از آن به چند تذکر مهم اشاره میکنیم:

1 - توطئه های دشمنان همیشه نظامی و یا اقتصادی نیست. یکی از حربه های مؤثر دشمنان حقیقت در طول تاریخ تحریف واقعیت ها و انحراف اذهان مردم و تحمیق و تطمیع امت ها و تضعیف رهبران الهی و مردمی بوده است. به طوریکه با نگرش به سرنوشت امتها در بستر تاریخ در

می یابیم که همیشه موفقیت دشمنان در خارج کردن مردم از صحنه مبارزه و خالی کردن اطراف رهبران بسیار مؤثرتر و کارآمدتر از جنگها و لشکر کشیها بوده است.

حوادثی چون ظهور سامری در زمان حضرت موسی علیه السلام - سرنیزه کردن قرآنها در جنگ صفین - شعار الحکم لله - خوارج نهروان و صدها نمونه ی دیگر از این قبیل است که کاربرد آن از لشکرکشی و کشتار بسیار مؤثرتر واقع شده است در دوران انقلاب و پس از پیروزی آن صدها نوع از این ترفندها توسط دشمنان آگاه و دوستان نا آگاه مطرح شد ولی همه ی آنها توسط امام خمینی خنثی شد و این از اعجاز انقلاب اسلامی است.

2 - چیزی که از مورد اول اهمیت بیشتری دارد و در خور بررسی و تحقیق بیشتر است این است که این توطئه های دشمنان و کج فهمی خودیها در زمان اکثر انبیاء و اولیاء خداوند مؤثر واقع شده و رهبران الهی را با چالش جدی روبرو کرده است و علیرغم ژرف نگری و دلسوزی رهبران و حتی پیامبران و امامان معصوم: توطئه ها کارگر افتاده است و مردم را یا از صحنه خارج و یا حتی به رویارویی با امام و رهبر خود وا داشته است.

در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام توطئه «عمر و عاص» در سرنیزه کردن قرآنها مؤثر واقع شد و جبهه ی حضرت علی علیه السلام را تضعیف و امام علیه السلام را به قبول حکمیت مجبور کرد. بعد از آن شعار «الحکم لله» خوارج مردم را فریب داد و موجب پراکنده شدن لشکر امام شد در زمان امام حسن علیه السلام نیز خیانت برخی از نزدیکان حضرت و کم آوردن حتی سران لشکر آن حضرت باعث شد آن امام معصوم به صلح با معاویه تن دهد و علیرغم میل خود سازش با دشمنان را بپذیرد. در زمان امام حسین علیه السلام تطمیع

مردم با پول و فریب دادن آنها به پست و مقام هفتاد هزار جمعیت به ظاهر طرفدار امام را از خیمه ولایت بیرون آورد و در اردوگاه دشمنان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل امام معصوم علیه السلام قرار داد در جریان مشروطه انحراف اذهان مردم توسط دشمن تا آنجا پیش رفت که روحانی بزرگواری چون شیخ فضل اله نوری را به بالای دار برد. و همین مردم به ظاهر مسلمان و طرفدار آزادی پای جنازه ی او کف زدند و حتی نقل شده پسر او ابراز شادمانی کرد. این ناهنجاریها در زمان رهبران الهی به دلیل عدم همراهی و تبعیت مردم از رهبران خویش کراراً پیش آمده و متأسفانه اکثریت آنها هم مؤثر واقع شده و در نهایت منجر به تضعیف و یا حتی شکست جبهه حق شده است همه ی این توطئه ها در زمان انقلاب و در دوران امام خمینی (ره) نیز به فراوانی به وقوع پیوسته است و به دلیل فراگیر بودن انقلاب و نظر بلند امام که:

### **ما انقلابمان را به تمام جهان صادر ...**

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر خواهیم کرد»

ابعاد توطئه ها بسیار بزرگتر وسیع تر و حجیم تر بوده است ولی امام خمینی (ره) با سیاستی که ویژه ی ایشان بود و نظیری نمیتوان برای آن یافت همه ی آنها را به موقع شناسائی و خنثی کردند و با مدیریتی در خور تحسین مردم را که در زمان به راستی از رهبر خود پیروی کردند در صحنه نگهداشتند و دشمن را از دستیابی به اهداف تفرقه افکنانه خود مأیوس کردند. الحق چنانچه خواهیم این مطلب را نیز به درستی بیان کنیم بایستی صدها صفحه مطلب بیاوریم که متأسفانه باز در خور

حوصله ی این مجموعه نیست و امیدواریم علاقمندان در این زمینه نیز پژوهشی جامع انجام دهند و با یک بررسی مقایسه ای بین وقایع

تاریخی گذشته با دوران انقلاب موفقیت‌های امام را در نگهداری مردم در جبهه حق مورد کنکاش قرار دهند.

1 - نگارنده نمیتواند احساس و ارادت خود نسبت به مقام معظم رهبری حضرت آیت اله خامنه ای (مدظله العالی) رهبر فعلی انقلاب اسلامی را بیان نکند که ایشان نیز که بحق جانشینی شایسته برای امام خمینی (ره) میباشند با همان تیزبینی و تدبیر امام گونه در این زمینه پیوسته توطئه های دشمن را به موقع شناسائی و خنثی کرده اند.

وقایعی در دوران رهبری ایشان توسط دشمنان قسم خورده علیه انقلاب - ایران و مردم طراحی و اعمال شده که تصمیمات به موقع ایشان در خنثی سازی آنها درخور تحسین است و بایستی در جای خودش به آنها پرداخت و فعلاً موضوع این کتاب نیست (حفظه الله تعالی)

### **خاطره: مهندس بازرگان**

روز 29 مهر 1357 آقای مهندس بازرگان و آقای میناچی بمنظور دیدار با امام خمینی عازم پاریس شدند شرح دیدار آنان با امام را از زبان و قلم فرزند گرامی امام نقل میکنیم:

آقای بازرگان و آقای میناچی و دکتر ابراهیم یزدی و من خدمت امام رسیدیم. حضرت امام مثل همیشه گفتند شاه باید برود؛ رژیم شاهنشاهی باید ساقط شود؛ و جمهوری اسلامی باید تحقق یابد و باید بی پرده و واضح این مسائل را به مردم گفت تا نهضت منحرف نشود. آقای بازرگان میگفت:

نظام شاهنشاهی سه رکن دارد، شاه ارتش و آمریکا. ما باید سیاست گام به گام را دنبال کنیم بدین قرار که 1 - شاه سلطنت کند نه حکومت



2 - ارتش و نیروهای نظامی را آگاه کنیم به گونه ای که اگر شاه در امور کشور دخالت کرد علیه او وارد عمل شوند. 3 - بعداً در صورت مصلحت آمریکا را محدود کنیم تا نفوذ او از ایران قطع شود امام می گفتند: اگر شما گفتید «شاه باید سلطنت کند» و او همین کار را کرد و مردم سرد شدند دوباره وارد عمل شد، دیگر چه نیروئی مردم را به حرکت در می آورد؟ آنها برای این سؤال امام جوابی نداشتند ولی میگفتند مگر ممکن است که با وجود ارتش شاه را شکست داد؟ امام میگفتند ارتش از مردم است. خائنین و سران ارتش را باید کنار گذاشت بقیه از ما هستند.

بالاخره آقای بازرگان بر سخنان خویش اصرار ورزید و پس از این دیدار روانه ی لندن شد. در آنجا نیز در مصاحبه ای بر مواضع خود تأکید کرد سخنان او در جمع دانشجویان ایرانی در لندن موجب انتقاد آنان و مشاجره شده بود پس از چند روز به پاریس بازگشت. آقای دکتر یزدی از امام برای وی وقت ملاقات خواست حضرت امام گفتند اول باید مطالب مذکور را بپذیرد و امضاء کند آنگاه او را میپذیریم. یکی دو روز گذشت درخواستهای مکرر و استدلال بر اینکه اگر او را نپذیرند وجهه اش از بین می رود امام را راضی نکرد؛ البته آقای بازرگان نیز از موضع خود عدول نکرد و بدون اینکه دیداری دوباره با امام داشته باشد عازم تهران شد. جناح تندرو نهضت آزادی در خارج از کشور قطعنامه ای صادر کرده و مواضع امام را پذیرفتند ولی در تهران اعلام شد که این قطعنامه ارتباطی به مواضع رسمی نهضت آزادی ندارد.

بازگویی علل روی کار آمدن آقای بازرگان به عنوان رئیس دولت موقت انقلاب در محدوده ی این نوشته نمی گنجد و طبعاً در ادامه ی مباحث

همین مجموعه و در جای خود بررسی می شود. فقط به این نکته اشاره می کنم که حضرت امام در یکی از اعلامیه های خود تصریح کردند: «من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف میکنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده ی خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته اند اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمیرود؛ گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم» تحلیل دوستان امام در آن موقع این بود که با توجه به تمامی شرایط در حال حاضر کسی به وجاهت ایشان نیست.

(کتاب کوشج 1 ص 541)

این یک نمونه از هزاران مورد عدم سازش پذیری امام در مبارزه و در مقابل دشمنان انقلاب و اسلام بود اهمیت آن برای آنهایی که آن زمان را درک کردند و از قدرت نظامی شاه در ارتش و قدرت امنیتی او در ساواک و اتکای او به ابرقدرتهای شرق و غرب مطلع بودند جای اعجاب و در حدّ اعجاز است. براستی این مرد الهی چگونه بدون هیچ ابزار جنگی و دفاعی و بدون اتکاء و اعتماد به قدرتهای خارجی و تنها با توکل بر خداوند متعال این چنین بدون سازش و کوتاه آمدن بر دشمنان می تازد و هیچگونه ترس و واهمه ای از احدی ندارد دشمنانی که نه تنها تمام قدرتهای داخلی را در اختیار دارند بلکه همه ی حکومتهای وقت دنیا و ابرقدرتها از او طرفداری و پشتیبانی میکنند

ص: 166

بدون شک این روحیه و همّت را تنها میتوان در اولیاء الهی یافت آنهایی که مأموریتی از سوی خالق هستی دارند و جز به رضایت او به هیچ چیز نمیاندیشند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

(سوره مبارکه یونس 62)

در اینجا ذکر این نکته ضروری به نظر میرسد که مردان الهی درجائی بدون انعطاف و سازش بر مواضع حق خود اصرار می ورزند که با دشمن اتمام حجت کرده و از مراحل نصیحت، تذکر هشدار و انذار گذشته باشد.

اگر امیرمؤمنان علیه السلام برای عزل معاویه اصرار می ورزد و پیشنهاد نزدیکان خود مبنی بر ابقای او ولو برای مدتی کوتاه را قبول نمیکند، بدان دلیل است که امام می داند مراحل نصیحت و ابشار و انذار گذشته است و اساساً فرد پلیدی چون معاویه به اینگونه نصایح و هشدارها توجهی ندارد و لذا می فرماید یک روز به او مهلت نمیدهم یا بیعت کند و یا کناره گیری و یا آماده نبرد شود. نظیر همین برخورد را از امام حسین علیه السلام میبینیم. آنجا که در مقابل یزید میفرماید:

«همچون منی با چون یزیدی بیعت نخواهد کرد و کنار نخواهد آمد.»

امام خمینی (ره) چنانچه اسناد و مدارک گواهی می دهد نهضت خود را با نصیحت و پند دلسوزانه شروع کردند و در ابتدا خطاب به شاه با کلام «من تو را نصیحت میکنم.» شروع کردند و واقعاً هم اینگونه بود و چون نصایح آن مرد الهی اثر نکرد و شاه بر اعمال و رفتار ننگین خود اصرار

ص: 167

ورزید موضع امام در مبارزه با شاه شدیدتر شد و تصمیم ایشان بر برکناری او قاطع شد و بحمدلله به نتیجه هم رسید. (1)

## وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ (دنبال طمع نرود)

جمله ی سوم: وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ

امام خمینی (ره) علیرغم این که با انقلاب خود دنیای مادی زمان خود را تکان داد و انسانهای دربند و گرفتار استکبار و استعمار را آزاد کرد و با دمیدن روح معنویت در جوامع اسلامی و غیر اسلامی دریچه ای نوبه روی آنها باز کرد، خود هیچ آرزو و آمال دنیوی نداشت، به طور قاطع میتوان گفت که امام خمینی (ره) یک روز بلکه یک لحظه در اندیشه پُست - مقام - حکومت دنیوی و ریاست بر مردم نبود، بلکه باید گفت این فرزند خلف و این شاگرد برجسته ی امام علی علیه السلام بالاتر و والاتر از آن بود که به این امور پست مادی فکر کند و دنبال آن باشد.

روح بلندی که در ملکوت سیر می کند و تنها به رضایت معشوق و دیدار مطلوب می اندیشد را با این منصب های پائین چه کار؟ امام اگر قیام کرد برای خدا بود. اگر حکومت برقرار کرد برای برقراری احکام الهی بود. اگر خروشید برای خدا بود و اگر سکوت کرد برای خدا بود. او هرگز فریب دنیا را نخورد.

ص: 168

---

1- بررسی سخنرانی ها - اعلامیه ها و هشدارهای امام بعد از فوت آیت اله العظمی بروجردی تا پیروزی انقلاب این روند را که روش همه ی اولیاء الهی بوده نشان می دهد

## خاطره: احساس امام از پیروزی

پس از فرار شاه امام در 12 بهمن 1357 قدرتمندانه به ایران بازگشتند. در حالیکه تمام دنیا معترف بودند که شاه فرار کرد رژیم 2500 ساله ی شاهنشاهی فرو پاشید و امام پیروز شد قریب 8 میلیون نفر به استقبال امام آمدند و چون اقیانوسی گوهر امام را در قلوب خود پذیرفتند.

اما امام ...

در هواپیما وقتی خبرنگار از ایشان میپرسد که حضرت آیت اله هم اکنون که به ایران (پیروزمندانه) میروند چه احساسی دارند؟

امام میفرماید «هیچی»

و اهل دل میدانند که در این کلمه ی «هیچی» چقدر معارف الهی مستتر است؟

این کلمه به این معنی است که قدرتمندترین رهبر آن زمان هیچ آرزو و آمالی ندارد. او به دنبال قدرت نیست. در پی حکومت مادی بر مردم نیست و تنها به وظیفه الهی خود می اندیشد و از نظر مادی هیچ احساس و آرزویی ندارد.

## خاطره: زی طلبگی

امام در دوران رهبری خود بارها اظهار تمایل کردند که به قم برگردند و همان زندگی طلبگی را پیشه کنند و به درس و بحث پردازند و پیوسته به روحانیت و مسئولین نصیحت میکردند که با کنار گذاشتن آرزوها و آمال دنیوی زی طلبگی را فراموش نکنند و از دست ندهند.

ص: 169

## خاطره: ملاقات خدا

در روزهای آخر عمر امام (ره) که ایشان در بیمارستان بودند در یکی از دیدارهای آقای هاشمی رفسنجانی با ایشان فرموده بودند:

در نماز جمعه از مردم بخواهید که دعا کنند خداوند من را بپذیرد. (به ملاقات خدا بروم)

این آرزوی مردی است که در برهه ای از زمان بزرگترین قدرت معنوی دنیا شد. بر قلبها حکومت کرد و در دوران کسالت و مریضی بیش از صدها میلیون دعاگو داشت که بهبودی یابد. ولی آنچنان آرزوهای دنیوی را از وجود خود رانده است که تنها خواسته او پذیرش خداوند متعال برای فوت و شتافتن به دیدار محبوب است.

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»

ص: 170

## بخش نهم: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ ...

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا، أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.

(نهج البلاغه حکمت 73)

ص: 171

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبَهَا، أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.

(نهج البلاغه حکمت 73)

هرکس خود را پیشوای مردم قرار دهد باید پیش از آموزش دیگران به آموزش خود پردازد و باید تربیتش به وسیله سیرت و اخلاق پیش از تربیت او به وسیله زبان باشد.

و آن کس که خود را تعلیم کند به بزرگداشت سزاوارتر است از آن کس که مردم را علم و ادب بیاموزد.

در این زمینه کلمات امام علیه السلام فراوان است و در یک تشبیه زیبا میفرماید: الدَّاعِي بِأَعْمَلٍ، كَالرَّامِي بِأَلَا وَتَرٍ (حکمت 337) آن کس که مردم به آداب و اخلاق دعوت می کند ولی خود عاری از آداب و اخلاق است مانند تیراندازی است که کمان او زه ندارد.

\*\*\*

ص: 172



این کلام ارزنده ی امام علی علیه السلام در تمام عمر نصب العین امام خمینی (ره) بوده است. بدون هیچگونه تردیدی اگر امام خمینی (ره) خود را نساخته بود هرگز نمیتوانست برای جامعه ی اسلامی بلکه بشریت این انقلاب و نهضت عظیم را به ارمغان آورد.

امام نه تنها در دوران حکومت و انقلاب و مرجعیت و استادی حوزه ی علمیه بلکه از دوران جوانی در تمام ساعات و لحظات و لحظات عمر پر برکت خویش در حال خود سازی و تربیت نفس بوده اند اگر بخواهیم در این زمینه خاطراتی از آن عبد صالح خدا نقل کنیم خود کتابی مستقل خواهد شد. نویسنده این موضوع را آنقدر وسیع و دامنه دار میبیند که انتخاب قطعاتی از زندگی امام را بس مشکل میداند، زیرا بایستی اذعان و اعتراف کنم که از هر لحظه ی زندگی او میتوان یک درس آموزنده ی انتخاب و برای پندپذیری خود از آن استفاده کرد ولی بر این اساس که

آب دریا را اگر نتوان کشید \*\*\* هم به قدر تشنگی باید چشید

ما قطعاتی کوتاه از خاطرات آن عزیز را بیان میکنیم

ص: 173

## خاطره: تهذیب نفس

گفته شده است امام در دورانی که در ترکیه تبعید بودند تقریباً به تمامی دستورات استحبابی مفاتیح الجنان عمل می کنند و این خود جهادی بزرگ است که بنده ای تا این حد نفس خود را تربیت کند و به ترکیه و تهذیب پردازد.

این توجه به دعا و ذکر و راز و نیاز با خداوند متعال در حالی است که امام یک شخصیت علمی بزرگ سیاستمدار زیرک حکیمی زبردست و فیلسوفی جامع میباشد و جمع این ویژگیها در یک نفر از عجائب است.

## خاطره: نان و کباب

یکی از فضلاء که در دوران طلبگی خود و اقامت امام در نجف اشرف با حاج احمد آقا فرزند برومند امام رفت و آمد داشته داستان جالبی برای ما نقل می کرد. از زبان ایشان بشنوید:

یک روز برای دیدن حاج احمد آقا به منزل امام در نجف اشرف رفتم وقتی وارد منزل شدم حاج احمد آقا گفت: امروز امام به کربلا رفته اند شما ناهار را نزد ما بمانید تا با هم غذایی درست کنیم و بخوریم من قبول کردم حاج احمد آقا گفت مدتی است ما کباب نخورده ایم امروز میرویم مقداری گوشت میخریم و ظهر کباب درست میکنیم من رفتم مقداری گوشت خریدم ذغال و وسایل را هم آماده کردیم و برای سه نفر که من بودم و حاج احمد آقا و یک نفر دیگر کباب تهیه کردیم سفره که پهن شد و خواستیم شروع کنیم صدای کوبیدن درب آمد حاج احمد آقا گفت کی است؟ این وقت روز که آمده؟ نباید آشنا باشد! فوری رفت درب را باز کرد و سلام کرد فهمیدیم امام هستند، حاج احمد آقا گفت: آقا مگر

شما کربلا نرفتید؟ امام فرمودند: نه ماشین نبود، برگشتم و بلافاصله فرمودند: احمد این چه بوئی است که خانه را گرفته؟ کباب کجا بوده؟ حاج احمد آقا که هول شده بود گفت آقایان ... اینجا تشریف دارند و مقداری کباب تهیه کرده ایم امام مستقیماً به اطاق خودشان تشریف بردند عبا و عمامه را برداشتند و تشریف آوردند سر سفره نشستند در این فاصله حاج احمد آقا گفته بود صبر کنید تا آقا بیایند امام سینی کباب را جلو کشیدند مقدار کمی از کباب را جلوی بنده گذاشتند مقدار کمی به حاج احمد، آقا مقداری هم به نفر سوم سپس بقیه کباب ها را به چند قسمت تقسیم کردند و به احمد آقا گفتند: احمد اینها را به همسایه ها بده و مشخصات هر منزل را دقیقاً به احمد آقا گوشزد کردند احمد آقا سهم همسایه ها را داد و برگشت و سر سفره نشست امام یک کاسه ماست برداشتند جلو خودشان گذاشتند و فرمودند شما همین مقدار کباب برایتان کافی است من هم نان و ماست میخورم و شروع کردند با حمد و ثنای الهی نان و ماست را میل فرمودند ما که دست و پایمان را گم کرده بودیم یکی دویار به امام تعارف کردیم اما امام به همان نان و ماست قناعت کردند و ما هم با مقدار جزئی کباب سد جوع کردیم.

### **خاطره: سخنرانی فخر الدین حجازی**

اولین دوره مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه 1359 پس از انتخابات شروع به کار کرد و نمایندگان منتخب مردم صبح روز 4 خرداد 1359 دهم رجب سال 1400 در حسینیه جماران به خدمت امام امت (ره) رسیدند، آقای فخر الدین حجازی نماینده اول مردم تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی بود که در حضور امام سخنرانی کرد.

وی سخنان خود را خطاب به امام با جمله «بأبی أنت و أمّی» (پدر و مادرم بقدایت) آغاز کرد و با بیانی شیوا در تجلیل از مقام امام امت مطالبی بیان کرد آقای فخر الدین حجازی در فن خطابه استادی زبر دست بود و مطالب آن روز وی بسیار شنوندگان را تحت تأثیر قرار داد ولی شدیداً مورد گلایه امام (ره) قرار گرفت و امام در آغاز صحبت‌های خود این چنین فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم.

من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من باورم بیاید من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه میبرم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسانها یک مرتبتی قائل باشم این انحطاط فکری است و انحطاط روحی، من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می‌کنم که ناطق برومندی و متعهد لکن گله می‌کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید فرمودند.

(صحیفه نور جلد 12 ص 343)

ص: 176

## خاطره: شهید فهمیده

شهید فهمیده جوان 12 ساله خوزستانی در مصاف با متجاوزین بعثی در جنگ تحمیلی نارنجک به کمر خود بست و زیر تانک دشمن رفت و تانک را منهدم کرد (امام ره) در پیام آتشین خود به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب در تاریخ 22 بهمن 1359 در این مورد میفرمایند «رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.»

(صحیفه نور جلد 14 ص 73)

## خاطره:

امام در تاریخ 14 بهمن سال 1357، 18 روز قبل از پیروزی انقلاب در مدرسه علوی خطاب به ملت فرمودند:

من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را میخواهم. من از بیرون آمده ام که خدمت به شما بکنم. من خادم شما هستم من خادم ملت شما هستم من آمده ام که بزرگواری شما را حفظ کنم. من آمده ام که دشمنهای شما را زمین بزنم. من آمده ام که ملت را یک ملت مستقلش کنم دولت اگر پیدا بشود یک دولت مستقل باشد من آمده ام که دست اجانب را از این مملکت کوتاه کنم. من آمده ام که رسوا کنم اینهایی که به اسم ملیت به اسم ... نمیدانم، قانون اساسی به اسم گذا میخواستند مسائل سابق را عود بدهند. خداوند انشاء اله همه شما را توفیق بدهد و ما را آشنا کند به وظایف خودمان.

(صحیفه نور جلد 6 ص 48 و 49)

ص: 177

خاطره:

امام (ره) در پایان سخنرانی خود در تاریخ 17 اسفند 1357 در مدرسه علوی تهران میفرماید:

«خداوند انشاء اله همه آقایان را حفظ کند. و من عذر می‌خواهم که آقایان آنجا نشستند و من اینجا نشستم من و شما هر دو برادر هستیم و اصلاً صف واحد است قضیه رهبری در کار نیست صف واحد، است با هم همه؛ همه با هم به پیش انشاء اله» (صحیفه نور جلد 6 ص 253)

ما از یک دریا قطره ای برداشتیم و هر انسان پاک طینت و خداجوی میتواند برای برگرفتن گوشه ای از این خرمن فضائل امام به آثار آن یگانه دوران مراجعه کند.

ص: 178

## بخش دهم: وَ لِيَكُنْ تَأْدِيَهُ بِسِيرَتِهِ

جمله: دوم

وَ لِيَكُنْ تَأْدِيَهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيِهِ بِلِسَانِهِ

(حکمت 73)

ص: 179

جمله دوم: وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ

(حکمت 73)

امام خمینی هرگز پندی نداد مگر اینکه خود به آن عمل کرده و هیچگاه از امت خود چیزی نخواست جز آنکه قبلاً خود بدان پرداخته بود.

امام خمینی مصداق اتم و اکمل این کلام امام صادق علیه السلام بود که فرمودند:

كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلَسْتِئْتِكُمْ

مردم را دعوت کنید به غیر زبانه‌ایان یعنی با عمل به نیکی مردم را به نیکوکاری دعوت کنید.

زیرا اساساً کسی که خود اهل عمل نیست هرگز نصیحت او مؤثر نخواهد بود و یقیناً تربیتش ناقص و حتی غیر ممکن است. امام خمینی در تمام زمینه‌هایی که سفارش میکرد خود پیشگام بود بلکه اول عمل می‌کرد و سپس از دیگران میخواست که عمل کنند. و شکی نیست که دلیل مهم گسترش افکار و اندیشه‌های امام در بین مردم ایران امت اسلام

و دیگر ملت‌های جهان همین عمل به وظیفه و صداقت امام بود. اگر بخواهیم یک تفاوت اساسی و مشخص بین امام و دیگر رهبران همزمان

ص: 180



ایشان در دنیا را تعریف کنیم بایستی روی همین مطلب انگشت بگذاریم که امام راستگو بود آنچه میفرمود از روی صداقت بود و خود نیز اهل عمل بود ولی دیگران اگر نصیحتی هم میکردند خود اهل آن نبودند.

اگر صداقت را هماهنگی و یگانگی قلب و زبان و عمل بدانیم چه کسی در این زمان در تمام حالات قلب و زبان و عملش با هم منطبق بوده؟ و غیر از امام خمینی (ره) به ندرت در میان مردم جهان کسی را میتوان یافت که جز صداقت و صفا و پاکی و خلوص از او چیزی ندیده باشند. در این باره نیز مطالب آنقدر زیاد است که پرداختن به همه ی آنها

برای ما میسر نیست و ما تنها به چند خاطره اکتفا می کنیم.

وحدت کلمه و اتحاد دینی اقشار جامعه کلیدی است که امام در تمام مراحل پیشبرد نهضت از آن استفاده کردند و مرتباً به مردم تأکید می کردند که بایستی با وحدت کلمه از توطئه های دشمن جلوگیری کنید. به راستی هم که رمز پیروزی ملت ایران پس از رهبری امام همین وحدت کلمه بود. دشمن نیز در تمام دوران نهضت چه قبل و چه بعد از پیروزی از همین ضربه ی تفرقه و اختلاف استفاده کرده و اگر نبود هوشیاری امام و تبعیت امت بارها انقلاب با شکست روبرو شده بود، این مطلبی است که دوست و دشمن بر آن اتفاق نظر دارند.

اما نکته ی حائز اهمیت این است که افرادی که می خواهند وحدت کلمه را حفظ کنند و آب به آسیاب دشمن نریزند بایستی در مقطعی از زمان از حق خویش صرف نظر کنند. مستبد به رأی نباشند و بپذیرند که برای حفظ نظام و اسلام بایستی سختیها را تحمل کرد و برای اینکه  
به

اصل و ریشه ضربه ای وارد نشود باید از نظر خود و حتی حق خود گذشت تا اصل و ریشه باقی بماند این حرف درستی است که اگر در راه حق و اهداف عالی و در جهت رضای خدا به گوش راست مؤمن، نواختند بایستی گوش چپ را هم آماده سیلی، کند چون مؤمن برای رضای خدا همه چیز خود را حاضر است فدا، کند همانگونه که پیشوا و مقتدای آزادگان

جهان حضرت اباعبدالله الحسین چنین کرد.

### **خاطره: آقای شریعتمداری**

آیت اله رسولی محلاتی برای ما چنین نقل میکردند:

من در تمام مدتی که در خدمت امام بودم چه در نجف چه قم و چه در تهران هر روز صبح رأس ساعت 8 خدمت ایشان میرسیدم و تا ساعت امور مربوط به دفتر را خدمت ایشان گزارش میدادم و در هر مورد نظر مبارک امام را میگرفتم دستورات ایشان را یادداشت میکردم و رأس ساعت 9 مرخص شدم. در یکی از روزهای اول پیروزی انقلاب که امام در

قم تشریف داشتند خدمت امام رسیدم و طبق معمول از ساعت 8 تا 9 صبح همه موارد قابل عرضه را خدمتشان گفتم و در هر مورد دستور لازم را گرفتم.

مطالب که تمام شد امام بلند شدند بنده هم بلند شدم که مرخص شوم یادم آمد که دیشب در حرم حضرت معصومه (س) عده ای به نفع آقای شریعتمداری شعار داده اند و عده ای هم در مقابل آنها به طرفداری از انقلاب و امام شعار داده اند و درگیری لفظی بین دو گروه پیش آمده است در حالیکه امام ایستاده بودند عرض کردم فراموش کردم خدمت شما

ص: 182

بگویم دیشب در حرم حضرت معصومه (س) چنین اتفاقی افتاده و افراد معدودی در مقابل هم به یکدیگر تندی کرده اند.

آیت اله رسولی اضافه کردند همین که این مطلب را گفتم چهره ی امام برافروخته شد یک دست به دیوار گرفتند یک دست به کمر و روی زمین نشستند و با تغییر به من فرمودند چرا زودتر خبر ندادید؟ چرا دیشب نگفتید؟ عرض کردم آقا این حادثه مربوط به دیشب است و شما در حال استراحت بودید و ما نمیخواستیم مزاحم شویم. امام فرمودند خیر این مطلب مهمی است بایستی همان دیشب به من خبر میدادید و سپس اضافه کردند اعلام کنید هرگونه شعاری علیه مراجع حرام است. هرگونه توهین به علما حرام است و قلم و کاغذ برداشتند و اطلاعیه ای نوشتند و بمن فرمودند این مطلب را هرچه زودتر بدهید رادیو بخواند و بروید سفارش کنید بایستی از این وقایع جلوگیری شود و کسی به طرفداری من حق ندارد به کسی توهین و بی احترامی کند.

خواننده ی عزیز برای اینکه اهمیّت این حرکت امام را بخوبی درک کند بایستی به کتابهایی که تحریکات شریعتمداری و عملکرد وی در مقابل امام و انقلاب و وابستگی وی به سلطنت را از روی اسناد ساواک ثابت کرده است مراجعه کند.

شما میتوانید به این کتابها مراجعه کنید:

- شریعتمداری در دادگاه تاریخ

- نهضت روحانیون در ایران از حمید روحانی

- کوثر (شرح وقایع انقلاب - جلد اول)

ص: 183

حال بیندیش که امام با آن پایگاه مردمی و در اوج قدرت سیاسی و معنوی و جایگاه رهبری امت اسلام برای حفظ وحدت تا چه اندازه کوتاه می آیند از حق خویش میگذرد و بگونه ای عمل میکند که حربه ی تفرقه افکنی را از دشمنان می گیرد. این است معنای دعوت مردم به عمل نه به زبان تا بار این امانت الهی به سر منزل مقصود برسد.

چنانچه بخواهیم در این موضوع نیز درباره امام خمینی (ره) مطالبی بنویسیم خود کتابی مستقل خواهد شد خواننده ی عزیز چنانچه به احادیثی که از پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه اطهار (س) و بخصوص امیر کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به ما رسیده توجه کند در می یابد که در مورد هر حدیثی و هر کلامی از امام معصوم علیهم السلام خاطره ای و رفتاری

شایسته از امام (ره) سراغ دارد که حکایت می کند از اینکه امام مصداق بارز و کامل آن کلام نورانی است و ما در این مقام از صدها و بلکه هزاران نکته به چند کلام اکتفا میکنیم و خوانندگان عزیز خود میتوانند در این زمینه پژوهش بیشتری انجام دهند. [\(1\)](#)

امام صادق الله فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ، فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ: «(وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ)»، ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لَيْسُوسَ عِبَادَةٍ.

ص: 184

خداوند بزرگ پیامبر خود را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد و چون ادب را در او به کمال رساند فرمود: «همانا تو دارای خلق عظیم هستی.» سپس کار دین و امت را به او سپرد تا بندگانش را اداره کند.

از این حدیث شریف در مییابیم که لازمه پرداختن به دین و امت و امامت و رهبری مردم تربیت شدن است و ابتدا بایستی رهبر و امام نفس خویش را تربیت کند و سپس به تربیت مردم بپردازد، بلکه ابتدا بایستی توسط مقام ما فوقی تربیت شود و آنگاه به او مقام امامت و رهبری و پیشوائی داده شود. چنانچه این امر در مورد همه ی انبیاء نیز مصداق داشته است

که داستانهای قرآن بهترین و بالاترین نمونه های آن را بیان فرموده است نظیر داستان حضرت موسی و خضر - حضرت لقمان و غیره ...

مردم

پس امام ما نیز بطور قطع و یقین ابتدا همه ی مراحل تربیتی یک رهبر و پیشوای بزرگ الهی را طی کرده و سپس به اذن خدا پا به عرصه ی تربیت و تحوّل جامعه گذاشته است. اما امام از کجا تربیت نفس را شروع کرده و مربی وی چه کسی بوده است؟

به این کلام دُرَر بار علی علیه السلام توجه کنید:

علی علیه السلام: أَنْ رَسُولُ اللَّهِ أَدَبُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَدَبَنِي وَأَنَا أَدَبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ! (1)

پیامبر خدا را خداوند تربیت کرد و او مرا تربیت کرد و من مؤمنان را تربیت میکنم و برای بزرگواران ادب به ارث میگذارم.

ص: 185

حال بیندیش که چگونه امام خمینی (ره) تربیت شده ی علی علیه السلام است چنانچه در این حدیث شریف حضرت علی علیه السلام می فرماید: من مؤمنان را تربیت میکنم و برای بزرگواران آنها ادب به ارث میگذارم و راستی چه کسی بزرگوارتر از امام خمینی (ره) در زمان ما و این همان چیزی است که انگیزه و مقصد ما از این کتاب است که اعتقاد داریم امام خمینی (ره) در همه ی زمینه ها تربیت شده ی علی علیه السلام است.

امام علی در حدیث دیگری میفرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَّبَ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ أَدَبًا حَسَنًا، فَقَالَ جَلَّ مِنْ قَائِلٍ: (يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ) (1)

خداوند تعالی بندگان مؤمن و عارف خود را نیکو تربیت فرمود

و سپس چه خوب فرمود:

آنچنان عقیف و پاکدامند که هر کس حال ایشان نداند پندارد که از توانگراند.»

و لذا امام خمینی (ره) تربیت شده خداست تربیت شده پیامبر است و تربیت شده ی امام علی است و پس از این تربیت است که او پیشوای مسلمین و رهبر آزادگان جهان می گردد و به وی اطلاق امام امت می شود.

ص: 186

امام حسن عسکری علیه السلام در حدیث شریف میفرماید:

رَبِّمَا كَانَتْ الْغَيْرُ نَوْعًا مِنْ أَدَبِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (1)

چه بسا که دگرگونیهای زمانه نوعی از تأدیب خداوند عزوجل باشد.

دقت در این کلام امام حسن عسکری علیه السلام و توجه به زندگی امام خمینی (ره) از کودکی تا آخر عمر و توجه به خاطرات و خطراتی که امام در دوران زندگی خود داشته اند نشان میدهد که امام چه مقدار از حوادث درس گرفته اند و تغییرات روزگار چه مقدار در تربیت ایشان مؤثر بوده است حوادثی از قبیل یتیم شدن امام در خردسالی اقدامات شجاعانه مادر ایشان در انتقام از قاتل شاهد بودن امام در اجرای قصاص در مورد قاتل پدر ظلم های خوانین منطقه مظلومیت و محرومیت توده های مردم وقوع جنگهای محلی - منطقه ای و بین المللی - وقایع تلخ دوران شاهنشاهی در ایران - تغییر سلطنت و حکومتها - برخورد با متحجرین حوزه های علمیه - خیانت روشنفکران - از دست دادن عزیزترین عضو خانواده و امید امام یعنی حاج آقا مصطفی خمینی در آغاز خیزش دوباره ی نهضت - کشته شدن یاران امام یکی پس از دیگری در آغاز

حکومت و برقراری نظام دینی در کشور و ... صدها و هزاران حادثه ی دیگر همه و همه در تربیت این امام و پیشوا مؤثر بوده و در شکل گیری شخصیت او نقش اساسی داشته است.

ص: 187

به این حدیث شریف از امام علی علیه السلام توجه کنید:

إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ

بلا مایه ی تأدیب ستمگر و آزمایش مؤمن و ترفیع درجه ی پیامبران و بزرگداشت و کرامت اولیاء خدا است.

و الحق که امام خمینی چه نیکو از این بلایا بر کرامت انسانی خویش افزود و خود را تا بالاترین درجه کمال رسانید او که از اولیاء بزرگ خدا بود توانست از وقایع حوادث و بلایا در تربیت نفس خویش و بالا بردن درجه ی کرامت خود بهترین استفاده و بهره را ببرد و خود را برای مسئولیت سنگین امامت خلق آماده کند و چه نیکو از امام و پیشوای خویش آموخت که فرمود:

علی علیه السلام: يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَّنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَأَدَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَقَدْرِكَ (1)

ای مؤمن! این دانش و ادب جان بهای توست پس در فرا گرفتن آن دو کوشا باش که هر چه بر دانش و ادب افزوده شود قدر و ارزشت فزونی گیرد

خاطره: قتل حاج آقا سید مصطفی پدر امام

در حادثه ی قتل مظلومانه ی سید مصطفی خمینی پدر بزرگوار امام در منطقه خمین مادر امام (همسر سید مصطفی) بنا به وظیفه ی شرعی و یک اصل قرآنی درصدد انتقام از قاتل برمی آید و پس از پیگیری های زیاد از طریق قانونی موفق میشود حکم اعدام قاتل را از مراجع ذیصلاح بگیرد در موقع اجرای حکم این شیر زن آگاه و فهمیده دست پسران خردسال خود از

ص: 188



جمله امام را میگیرد و به محل اجرای حکم اعدام می آورد و به فرزندانش یادآوری میکند که بایستی از حق دفاع کرد بایستی طرفدار مظلوم و دشمن ظالم بود و امروز قاتل پدر شما به سزای عمل ننگین خود میرسد.

این خود درسی بزرگ برای کودکی بود که خداوند متعال وی را برای امامت مسلمین آماده میکرد تا در بزرگی چنان از حقوق محرومین و مظلومین جهان دفاع کند که مستکبرین را به عجز و ناتوانی وادارد و سیل خروشان مستضعفین را بر علیه ظالمان و مستکبرین بشورانند.

### **خاطره: قتل حاج آقا مصطفی پسر امام**

در گذشت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی فرزند امام در سال 1356 در نجف اشرف که به طرز مشکوکی به وقوع پیوست، سرآغاز خیزش دوباره نهضت و نهایتاً پیروزی انقلاب شد امام از این حادثه به عنوان الطاف خفیه ی الهی یاد کردند. این جمله ی امام را با جمله ی امیرالمؤمنین علیه السلام مقایسه، کنید که حضرت علی علیه السلام میفرماید: «بلا» برای اولیاء خدا کرامت است.

و امام خمینی (ره) میفرماید: بلا ی قتل مصطفی از الطاف خفیه ی الهی است.

پس این عامل هم باعث بالا رفتن درجه و مقام امام علیه السلام و موجب آماده تر شدن او برای امامت مسلمین شده است.

و جالبتر اینکه امام علیه السلام در جواب تسلیت شهادت حاج آقا مصطفی در بخشی از آن اینگونه مینویسند:

«ما با گرفتاری عظیم و مصیبت‌های دلخراشی مواجه هستیم که باید ذکری از مسائل شخصی نکنیم.» (دقت کنید)

ادب امام در مقابل مردم و مسئولیت سنگین ایشان در هدایت و رهبری نهضت تا به آنجا مهم است که شهادت فرزند خویش را که از الطاف الهی بوده و باعث رشد و کرامت خویش میدانند، در مقابل مسائل نهضت امری جزئی و شخصی دانسته و میفرماید بایستی به گرفتاری عظیم پرداخت و ذکری از مسائل شخصی نکنیم.

این است مشی یک مرد الهی که توانست بشریت را در این قرن بیدار کند

«فاعتبروا یا اولی الالباب»

ص: 190

## بخش یازدهم: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ اَنْفَتِهِ وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ.

(نهج البلاغه حکمت 47)

ص: 191

جمله اول: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ

(نهج البلاغه حکمت 47)

ارزش هر انسانی به اندازه همت اوست.

هم و همت به معنای توجه نفس و بذل جهد در حصول هدفی از اهداف معنوی یا مادی است و قدر به معنای وجاهت و اعتبار و اندازه گیری در پیش خدا یا خلق خداست و یا هر دو و در نهج البلاغه روی این دو واژه بسیار تکیه شده است. مانند:

كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ (بخش 9 از خطبه 16)

و «العالمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ»

(بخش 6 خطبه 103)

و «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ» (حکمت 149)

بنابراین مفاد جمله اول این است که: وجاهت آن کس که در راه اهداف الهی می کوشد به اندازه بذل همت و توجه او در این راه است چنانکه اعتبار در پیش مردم نیز به همان اندازه است که در راه خدمت به مردم اهتمام می ورزد.

\*\*\*\*

ص: 192

تو و طوبی و ما و قامت دوست \*\*\* فکر هر کس به قدر همت اوست

آیا میتوان در تاریخ معاصر مردی را یافت که همت او به اندازه ی همت امام خمینی (ره) بوده باشد و بالاتر از این آیا در طول تاریخ گذشته چند نمونه میتوان نظیر او را یافت؟

به طور مسلّم هر انسان با انصافی تصدیق می کند که یا نظیری نداشته و یا اگر بوده انگشت شمار بوده است. بزرگ مردی که با دست خالی بر رژیم تا دندان مسلّح شاه پیروز شد آمریکای استعمارگر، ابر قدرت بزرگ زمان خود را به زانو درآورد زیر بار هیچ زورگویی نرفت و با همت والایش آزادی و معنویت را به بشریت عرضه کرد و خداوند متعال بیشترین توفیق

را در رسیدن به اهداف بلند او به وی عنایت فرمود.

### خاطره: آیت اله فقیه امامی

یک روز در خدمت آیت اله حاج آقا حسن فقیه امامی بودم، به ایشان عرض کردم بنده در برخی از سخنرانی ها اظهار کرده ام توفیقاتی که خداوند در این زمان به امام خمینی (ره) عنایت فرموده به اکثر انبیاء نداده است آیا به نظر شما این حرف مبالغه نیست؟ ایشان فرمودند

«شما به حدیث شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استناد کنید که فرمودند:

«علماً امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل»

سپس اضافه کردند در بین علمای امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم کسی را نداشته ایم که به اندازه امام خمینی (ره) توفیق گسترش اسلام را پیدا کرده باشند.

ص: 193

همّت بلند او بود که دنیا را متوجه اسلام، کرد مستضعفین را بر علیه مستکبرین شوراند و با تشکیل حکومت اسلامی راه را به روی ملت‌های مستضعف و عقب مانده باز کرد، پس قدر او بالاترین قدرها و شأن و منزلتش بالاترین منزلتها است.

همّت بلند دار که مردان روزگار \*\*\* از همت بلند به جایی رسیده اند

## یک کلام:

امام خمینی (ره) فرمودند: اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه میدهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام این پا برهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سر سپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار مینمایند سلب خواهد کرد.

و باز فرمودند: اگر همه عالم در مقابل من بایستند تنها در مقابل همه خواهم ایستاد.

امام خمینی بلندترین همّت را داشت و در این زمان برای مردم دنیا بیشترین ارزش را بلندی همّت در تمام دوران حیات امام و در هر لحظه ی زندگی ایشان دیده می شود و چون سایه ای هرگز او را بدور از این مشخصه نخواهی یافت. گرچه این موضوع هیچ نیازی به اثبات ندارد و بقول معروف از خورشید روشنتر است اما به چند کلام از امام اشاره میکنیم.

1 - امام در حالی که همه ی ابرقدرتها و همه ی نیروهای شیطانی از اسرائیل غاصب دفاع میکردند فرمود:

اسرائیل باید از میان برود.

ص: 194

و این در حالی است که احدی شک ندارد که امام همت آن دارد که هر چه میگوید انجام دهد و بالاتر از آن اگر پیشگویی هم بکند تحقق خواهد یافت.

2 - امام در تمام دوران سلطه ی آمریکا بر جهان تنها و تنها کسی بود که فرمود:

آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.

این جمله لرزه بر اندام بسیاری از غرب باوران و حتی نزدیکان امام انداخت که مبدا خشم آمریکا را برافروزد و این قدرت بزرگ جهانی دست به اقداماتی بزند اما روح بلند و همت والای امام او را چون کوهی استوار در برابر بادهای سهمگین پابرجا نگه داشته بود.

3 - چنانچه اشاره شد در جای دیگر فرمود:

اگر خمینی یکه و تنها هم بماند دست از مبارزه با استکبار بر نمی دارد.

براستی از یک پیرمرد هشتاد و چند ساله این سخن عجیب نیست تنها مردی میتواند این گونه صحبت کند که رسالتی الهی داشته و اتکال آن به خدای بزرگ باشد. این جمله چقدر شبیه بیان نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمودند:

اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهید، دست از رسالت خویش بر نمی دارم.

این همّت مردان الهی را مقایسه کنید با مبارزین و رهبران مادی جهان که با کوچکترین تهدید و یا تشویق بریدند و دست از مبارزه کشیدند و

البته امام همانند همه ی رهبران الهی این همت و قدرت را از جای دیگری میدانند به این جمله توجه کنید:

این نهضت که تا اینجا رسیده است نیمه راه راست فقط دزدها را بیرون کردید خرابکارها را بیرون کردید لکن خرابه مانده است مهم برای ما خرابه است مهم این است که این خرابه ای که برای ما گذاشته اند با همت والای شما با همت عظیم ملت بزرگ ایران این خرابه از سر آباد شود.

(صحیفه نوری ج 6 ص 270 و 271)

و باز میفرماید در این موقع که قصد تشریف به قم - حرم اهل بیت را دارم لازم است از ملت بزرگ ایران عموماً تشکر نمایم.

الحق به همت والای این ملت رنج دیده بود که با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتماد به ولی عصر - عجل الله فرجه - پیروزی بر قدرتهای شیطانی حاصل شد.

(صحیفه نوری ج 6 ص 261)

چنانچه ملاحظه میفرمائید امام این همت والا را ناشی از اتکال به قدرت لایزال الهی میدانند و این تفاوت اساسی بین یک رهبر الهی با دیگر مدعیان رهبری است.

ص: 196



جمله دوم: وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدَرِ مُرُوءَتِهِ

و راستگویی او به میزان جوانمردی اش میباشد

صدق در گفتار و در وعده ها و رفتار به میزان مردانگی است و از این رو مروت و مردانگی که مبدأ کارهای نیک و موجب ترک معایب و ناهنجاریهاست با صدق گفتار و وعده های آدمی سنجیده میشود.

راست رو راست شود راست گو \*\*\* راست شود هر چه دلت خواست گو

\*\*\*\*

امام خمینی (ره) انسانی صادق و جوانمرد بود که هرگز به امت خود دروغ نگفت هرگز کلام اقرار آمیز بر زبان نیاورد و در مطالب خود مبالغه نکرد. راستگویی و جوانمردی را در حد کمال در برخورد با مردم داشت. هرگز از او ترک اولائی دیده نشد همه ی آنهایی که سعی داشتند از امام بزرگوار ایراد و اشکالی بگیرند عاجز ماندند و نتوانستند کوچکترین انحرافی

در صداقت و یکرنگی امام پیدا کنند. حتی گاهی که به نظر خودشان تصمیمات امام را منطبق با واقعیت و مصلحت نمیدیدند، پس از چندی اعتراف میکردند که ما اشتباه میکردیم و بعداً دریافتیم که در آن زمان همان تصمیم امام و یا بیان امام به مصلحت و درست و صواب بوده است.

ص: 197

این صداقت امام در حالی است که خمیر مایه ی حرکت اکثر رهبران فعلی جهان دروغ و تزویر است که نام آن را سیاست گذاشته اند. آن عده که امام را سیاستمدار نمی دانستند درست میگفتند او بکلی از دروغ و تزویر و عوام فریبی به دور بود امام حتی مبالغه نمی کردند و باید گفت همین صداقت و صراحت امام بود که بر قلب میلیونها انسان در سراسر دنیا

حکومت کرد و سخن او را بر دل ها نشانده.

کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینجا چه مصداق زیبایی پیدا میکند که فرمودند:

التَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ

این صداقت و جوانمردی امام خمینی بود که رستگاری و پیروزی را نصیب وی کرد.

خاطره

مهندس میرحسین موسوی (نخست وزیر وقت) میگوید مهمترین خصلت امام صداقت ایشان بود. ایشان هرگز اینگونه نبودند که آن چیزی را که بیرون میگویند وقتی داخل خانه آمدند ناچار باشند چیز دیگری بگویند.

(سیره امام ج 3 ص 258)

خاطره

حجة الاسلام و المسلمین موسوی خوئینی ها میگوید: در پاریس برخی اصرار داشتند از زندگی 24 ساعته امام از جمله از سفره غذای ایشان فیلمبرداری بکنند امام فرمودند: این طور که شما میخواهید سفره بچینید دروغ است زیرا در سفره ما گاهی پلو گوشت و خورش هم هست؛ شما

ص: 198

میخواهید اینها را نادیده بگیرید و یک سفره ی ساده درست کنید. این دروغ است.

(سیره امام ج 3 ص 256)

خاطره

چرا حسن این طور آشفته است؟

فاطمه طباطبائی میگوید امام دقیقاً به همه ی دستوراتی که از ابتدا داده بودند عمل میکردند و در واقع خود تابع همان دستورات بودند، خود کتاب «اربعین حدیث» شان بودند که در زمان جوانی نوشته بودند یا کتابهای دیگر اگر فرضاً از ریا صحبت کرده اند و آن را نکوهش کرده اند خود به شدت از آن پرهیز کرده اند یاد می آید روزی پسرم وارد خانه شد در حالی که سر زانوی شلوارش پاره شده بود و من آن را وصله کرده بودم ایشان فرمودند چرا حسن اینطور آشفته است؟ من به حالت شوخی: گفتم همین است دیگر آقا زندگی مستضعفی است.

بلافاصله چهره شان در هم رفت و دوبار فرمودند نخواهی که ریا کنی. گفتم نه چرا ریا؟ ...

فرمودند: مواظب باش اگر توجه به ظاهر نباشد آن ارزش است. اما اگر بخواهی بگویی من چنین هستم این ریا است.

امام این جملات را با همان شدتی به من گفتند که در سن سی سالگی در کتابشان نوشته بودند.

(سیره امام ج 3 ص 257)

ص: 199

خاطره:

زهره مصطفوی میگوید خدا را شاهد میگیرم امام در هر حالی بودند همیشه همان جور بودند اگر باید روی زمین مینشستند در خانه روی زمین مینشستند و در اطاق کارشان هم همین طور اگر در حالاتی باید لباس خاصی میپوشیدند فرقی برایشان نمیکرد که این لباس پوشیدن یا آن گونه نشستن جلوی دوربین تلویزیون است یا نه ایشان خیلی صادق بودند

(سیره امام ج 3 ص 258)

خاطره

آیت اله توسلی میگوید اساساً امام از تظاهر خوششان نمی آمد. به عکس به کسانی که اهل تظاهر نبودند علاقه داشتند مثلاً ایشان از تیمسار ظهیرنژاد خوششان می آمد زیرا وی اهل تظاهر نبود هر روز ریشش را تیغ میزد و همانطور خدمت امام میرسید خیلی ها میخواستند ایشان را جابجا کنند ولی امام حاضر نمیشدند یک روز عده ای از فرماندهان ارتش از جمله فرمانده نیروی هوایی که بعد معلوم شد آدم مغرضی بود و ریشی هم گذاشته بود خدمت امام آمده بودند. قرار شد فرمانده نیروی هوایی گزارش بدهد؛ تا قبل از گزارش شروع کرد به خواندن دعای فرج آقای ظهیرنژاد به او گفت: آقا عوام نیستند حرفت را بزن. امام از این سخن خوششان آمد و خندیدند.

(سیره امام ج 3 ص 260)

ص: 200

جمله سوم: و شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدَرِ أَنْفَتِهِ

و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می کند.

شجاعت حالت نفسانی و قوت قلب است به اندازه ای که هر جا عقل و شرع فرمان دهد آدمی از حیثیت و شرافت و استقلال و آزادی و ... دفاع کند.

و أَنْفَتِهِ به معنای عزّت نفس و تن به پستی و زیبونی ندادن است و شجاعت هر انسانی را هرگاه بخواهیم بسنجیم باید ببینیم تا چه اندازه عزت نفس دارد و تن به پستی و زیبونی نمیدهد.

امام میفرماید: «الْمَنِّيَّةُ وَالْأَلْمَنِيَّةُ، وَالتَّقَلُّ وَالْأَتَوَسُّلُ»

\*\*\*\*

این کلام نورانی امیرالمومنین علی علیه السلام را به گونه های متفاوتی ترجمه کرده اند که ما به 3 مورد آنها اشاره می کنیم

- شجاعت هر کس به قدر ننگی است که احساس می کند.

- شجاعت هر کس به اندازه ی زهد و بی اعتنائی او (به ارزشهای مادی) است.

- دلیری هر کس به میزان ننگی است که از بدنامی دارد.

ص: 201

ما میگوئیم منظور امیر کلام امام علی علیه السلام این است که هر کس به همان مقدار که مسائل برایش اهمیت دارد در واکنش به آنها از خود دلیری و رشادت نشان می دهد.

گاهی فردی برای مبلغی ناچیز که از کسی طلبکار است دلیری میکند تا باز ستاند.

گاهی برای دفاع از ناموس خویش شجاعت به خرج میدهد.

و هنگامی برای دفاع از میهن و مکتب و عقیده.

به بیان دیگر یک انسان لایبالی از اینکه ناموسش در تیرس نگاه اجنبی باشد ننگی احساس نمیکند و لذا دلیری هم از خود نشان نمی دهد اما زمانی کسی چون امیرالمومنین علی علیه السلام برای اینکه خلخال از پای زن یهودی در حکومتش کشیده می شود آنچنان دلیری و شجاعت نشان میدهد که می فرماید اگر از این ننگ قالب تهی کنم نایستی ملامت شوم. (دقت کنید) تفاوت دیدگاه از زمین تا آسمان است آن یکی در پائین ترین درجه ی ذلت و این در اوج قله ی عزت و جلالت و شجاعت.

حال در رفتار امام خمینی (ره) بیندیش او نه تنها نسبت به عزت فردی خانوادگی کشوری و حتی اسلامی حساس است بلکه نسبت به همه ی مستضعفین و همه ی توده های مردم تحت ستم و نسبت به همه ی بداخلاقها و فسادهای روی کره ی زمین احساس مسئولیت می کند و برای حل آنها از خود شجاعت و دلیری نشان میدهد امام خمینی (ره) «اشجعُ

الناس» است چون حتی ننگ گرسنگی آفریقائی و فساد اروپائی و ذلت آسیائی و حقارت کشورهای اسلامی را هم بر نمی تابد و رسالت الهی خویش

را مسئول حل همه ی آنها میداند و این دلیل دیگری است که ما معتقدیم ماموریت و رسالت امام الهی است و از نوع ماموریت های انبیاء است.

حال به چند خاطره توجه کنید و ببینید فردی با این دیدگاه ها و این احساس تکلیف با دشمنان خود چگونه سخن میگوید و شجاعت او در چه حد و اندازه ایست؟

خاطره

آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.

حجه السلام و المسلمین انصاری کرمانی میگوید در جریان تصرف لانه جاسوسی اکثر مسئولین مخالف بودند و هر روز مساله تازه ای مطرح میکردند یکی می گفت با آمریکا نمیشود جنگید دیگری می گفت آمریکا منطقه نیرو پیاده کرده یکی میگفت ناوگان آمریکا آمده است ولی امام می فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. لذا وقتی یکی از شخصیت های انقلابی از توطئه ها پیش امام گله کرد امام با آرامی دست به سینه ایشان زد و فرمود: «تو چرا میترسی؟ هیچ طوری نمیشود»

(سیره امام ج 2 ص 303)

خاطره

آیت اله خزعلی میگوید: امام در اوج دوران قدرت دودمان پهلوی در کتاب کشف الاسرار نوشته بودند رضا خان سواد کوهی که نمیفهمد سیاست با سین است یا با صاد ...

(سیره امام ج 2 ص 291)

ص: 203

جمله چهارم: وَعَفَّتْهُ عَلَيَّ قَدْرٌ غَيْرَتِهِ

و پاکدامنی او به اندازه ی غیرت اوست

عَفَّتْ: کف نفس از هر چیزی است که از حقوق و حریم ها که اختصاص به دیگری دارد و غیرت نفرت انسان از مشارکت اجنبی در مختصات به او از ناموس و وطن و غیره است. و هر اندازه که انسان غیرت داشته باشد از حریم خود دفاع میکند.

امیر تیمور گورکانی را گفتند از کجا به سلطنت رسیدی؟ گفت در یکی از کارزارها که شکست خوردم به خرابه ای پناه بردم مورچه ای دیدم که دانه ای بر دهان دارد و از دیوار خرابه بالا می رود و بیست مرتبه دانه از دهان او افتاد و باز برگشت و دانه را بخانه خود برد گفتم: من از این مورچه کمتر نیستم و برخاسته کوشیدم تا به سلطنت رسیدم.

\*\*\*\*

غیرت و مردانگی امام چه در امور شخصیه و خانوادگی و چه در مورد اجتماع و امت اسلام سرآمد همه ی افراد زمان خویش بوده است.

در امور شخصی و خانوادگی به همین یک مطلب بسنده می کنیم که همسر امام را تا آخرین لحظه ی حیات هیچ کس در محافل و مجالس عمومی ندیده است هیچ گاه در رسانه ها و به خصوص سیما (تلویزیون)

ص: 204



ظاهر نشده است این در حالی است که خواننده محترم توجه دارد که همسر امام بانویی بود که در تمام مراحل انقلاب و سختی‌هایی که امام متحمل شدند همراه امام بود و اساساً همانگونه که گفته شده «هیچ مرد موقفی در جامعه نیست مگر اینکه یک زن وفادار با او همراه است.»

همسر با وفای امام پیوسته همراه و همسنگر امام بود. مع الوصف غیرت و مردانگی امام هرگز اجازه نداد که ایشان در محافل و مجالس و رسانه‌ها ظاهر شود، به راستی که درس آموزنده و الگوی تمام و کمال است برای جوانان غیرتمند مسلمان که در این زمینه نیز به پیشوای خود اقتدا کنند و بویژه برای مسئولان کشور.

اما غیرت ملی امام، غیرت ملی امام را از بیانات خودشان دریافت کنیم.

به این چند جمله توجه کنید:

بانوان و حجاب

از جمله چیزهایی که در زمان رضا خان به تبع آتاترک انجام گرفت، یکی اتحاد شکل بود؛ و یکی کشف حجاب. آن وقت این اتحاد شکل و این کشف حجاب را در بوق و سرنا بلندگوهای آنها چه تعریف‌هایی کردند؛ چه مداحی‌هایی کردند ...

(صحیفه نور ج 7 ص 231)

اینها نمیخواستند که بانوان را آزاد کنند؛ برای اینکه مردها هم در زمان اینها آزاد نبودند؛ نه بانوان آزاد بودند نه مردها. آنها آزادی را در چیزهای دیگر می‌دیدند که در آن همه اش فساد بود. آزادی را در این میدیدند که زنها با مردها توی دریا لخت بشوند و با هم شنا کنند. در مراکز فحشا با هم مجتمع باشند، به قول خودشان آزادانه هر کاری میخواهند بکنند.

(صحیفه نور ج 8 ص 354)

ص: 205

من میتوانم بگویم که در زمان این پدر و پسر [رضا خان و محمد رضا شاه] به بانوان ما بیشتر ظلم شد تا به سایر اقشار شما شاید اکثراً یادتان نباشد که در زمان رضا شاه با بانوان چه کردند اینها. چه مصیبت هایی به بار آوردند با اسم اینکه می خواهیم ایران را به نظیر اروپا مثلاً بکنیم. ایران را متجدد بکنیم...

(صحیفه نور ج 8 ص 354)

شما بانوان که در این نهضت شرکت داشتید و خداوند شما را حفظ کند از این به بعد هم در این نهضت شرکت کنید و این نهضت را به پیش ببرید و مهم شما این است که اولادها را خوب تربیت کنید.

(صحیفه نور ج 8 ص 354)

برای خانمها یک مطلب بالاتر است و آن مطلب تربیت اولاد است. شما گمان نکنید که اینها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن اینها تکذیب میکنند و مطلب را یک مطلب خیلی سستی می گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پایینی میگیرند اینها غرض صحیح دارند. اینها میخواهند از این دامن که بچه ی خوب میخواهد در آن تربیت بشود بچه ها را از این دامنها دور کنند.

(صحیفه نور ج 9 ص 293)

دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت میشود آنچه که بچه از مادر میشوند غیر از آن چیزی است که از معلم میشوند بچه از مادر بهتر میشوند تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر؛ تا در جوار معلم. [این] یک وظیفه ی انسانی است. یک وظیفه ی الهی است یک امر شریف است؛ انسان درست کردن است.

(صحیفه نور ج 9 ص 293)

ص: 206

در اینجا قصیده ای را که از روی علاقه ی قلبی برای مراد و مقتدای خود سروده ام می آورم. گرچه زبان الکن من کجا و قدر و منزلت او کجا!؟

ای سینه ات به وسعت دریای بیکنار \*\*\* وی در زلال بحر تو آفاق آشکار  
اندیشه بلند تو باشد چو آفتاب \*\*\* صبر و صلابت تو چو الوند استوار  
برشد بر آسمان ز تو ای سرو سرفراز \*\*\* قامت چنانکه خیره شدی چشم روزگار  
افراستی به امر خدا پرچمی کز آن \*\*\* شد دین ناب احمد مختار ماندگار  
احیا شد از تو سنت و احکام احمدی \*\*\* رونق گرفت دین مبینش به اقتدار  
چشم جهان کنون همه سوی قیام تست \*\*\* تا دین حق دوباره بیاری تو بر مدار  
ای احمدی مکارم و ای حیدری نسب \*\*\* وی نور چشم فاطمه (س) ای موسوی تبار  
ای پور مرتضی که گرفتی ز باب خویش \*\*\* در سینه درس عبرت و در دست ذوالفقار  
الگوی تو حسین و حسن بود و شد از آن \*\*\* در جنگ و صلح، قدرت و حلم تو آشکار  
گفتی که چون حسین به میدان کارزار \*\*\* آماده ام از خصم خورم زخم بی شمار  
از هیئت تو گشت مُعاند دچار ضعف \*\*\* از همت تو، دین مبین گشته پایدار  
ای نافذ البصیره و ای کَیْسُ الفَظن \*\*\* اینک به گِل فرو شده دشمن به اعتذار  
اُمّت چو خواند آیه لا تياسوا از آن \*\*\* شد بر ظهور منجی عالم امیدوار  
ای روح حق امام خمینی قسم به حق \*\*\* در وصف تو هزار غزل هست اختصار  
از جوشش قیام تو جاری است هر زمان \*\*\* صدها قیام توده ی مردم چو جویبار  
امید آنکه پرچم این انقلاب پاک \*\*\* گیرد بدست صاحب آن، شاه تکسوار  
(مهدی) چو رهبرش همه در جستجوی او \*\*\* مهرش به دل نهاده و در چشم انتظار

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

